

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بازاریابی شبکه‌ای (Network Marketing) یا کلاهبرداری مرموز

تألیف :

مجتبی‌الاسلام و المسلمین ابوالقاسم علیان نژادی دامغانی

علیان نژادی دامغانی، ابوالقاسم، ۱۳۴۳ -

بازاریابی شبکه ای = (Network Marketing)، یا، کلاهبرداری مرموز / تألیف ابوالقاسم علیان نژادی. - قم : مدرسه الامام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، ۱۳۸۴.

۱۷۹ ص. : نمونه ISBN: 964-8139-87-3

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

۱. بازگانی الکترونیکی - - جنبه های مذهبی - - اسلام. ۲. معاملات (فقه). ۳. فتوای شیعه - - قرن ۱۴. الف. عنوان. ب. کلاهبرداری مرموز.

۲ ب ۸ ع / ۳۲ / ۵۵۴۸ / ۸ / ۶۵۸ HF

تألیف: ابوالقاسم علیان نژادی دامغانی

تیراژ : ۳۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ : اوّل

صفحه و قطع : ۱۷۹ صفحه / رقعی

تاریخ انتشار : ۱۳۸۴

چاپخانه : معراج

ناشر : مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)

شابک : ۳-۸۷-۸۱۳۹-۹۶۴

قم - ابتدای خیابان شهدا - کوی آمار (۲۲) - پلاک ۱۵

تلفکس : ۷۷۳۲۴۷۸

www.amiralmomeninpub.com

پیشگفتار

فصل اول : پیشینه شرکت های اقتصادی مرموز

فصل دوم : چگونگی فعالیت شرکت های مذکور

۱- جذب مشتری بدون ارائه کالا یا خدمات

۲- جذب مشتری با ارائه کالا یا خدمات

فصل سوم : اطلاعاتی مختصر از پنج شرکت خارجی

الف) پنتاگونو (شرکت فیوچراستراتژی)

روش کار پنتاگونو

ب) گلدکوئست (کوئست اینترنتال)

روش کار گلدکوئست

ج) هفت الماس من (My 7 Diamond)

روش کار هفت الماس من

د) گلدمایین

روش کار گلدمایین

ه) ای. بی. ال EBL

روش کار ای. بی. ال

فصل چهارم : نمونه هایی از شرکت های داخلی

ذکر نام ۳۰ شرکت داخلی

فصل پنجم : ادله حرمت

۱- اکل مال به باطل، یا درآمدهای نامشروع

اکل مال بالباطل چیست؟

ارتباط بین اکل مال به باطل و خودکشی!

سرنوشت الودگان به اموال حرام

۲- کلاهبرداری

۳- قمار جهانی

۴- بخت آزمایی و لاتار (۱)

عوارض منفی اجتماعی و اقتصادی

خروج ارز و پیامدهای منفی آن

فصل ششم : پرسش ها و پاسخ ها

فصل هفتم : سوء استفاده ها، شگردها و خلاف گویی ها

الف) سوء استفاده ها

۱- سوء استفاده از تصویر امام راحل(قدس سره)

۲- جعل مهر و امضای مراجع تقلید!

۳- تفسیر غلط از فتاوی برخی از مراجع تقلید

۴- نقل گزینشی فتاوی امام راحل(قدس سره)

ب) شگردها

ج) خلاف گویی ها

فصل هشتم : زمینه ها و تبعات فعالیت های ناسالم مورد بحث

الف) بسترها و زمینه ها

۱- معضل بیکاری

۲- مشکلات اقتصادی

۳- فقدان برنامه ریزی همه جانبه

۴- ناآگاهی و بی خبری

۵- ضعف ایمان و دنیاطلبی

ب) تبعات و پیامدهای منفی

۱- احتمال بروز تنش های اجتماعی!

۲- آسیب های جبران ناپذیر اقتصادی

۳- بازماندن از فعالیت های سالم

۴- تضعیف روابط اخلاقی

۵- افول روحیه عدالت طلبی و حق جویی

۶- هدر رفتن سرمایه عمر

سخن آخر : مسئولیت ها

فصل نهم : استفتانات

فصل دهم : اسناد و مدارک

عنوان هایی همچون «بدون دردسر صاحب ۳۰/۰۰۰ دلار شوید!»، «بازاریابی جهانی با درآمد عالی!»، «آیا به دست آوردن ۱۱۶/۶۴۰ دلار تحولی در زندگیتان ایجاد نمی کند؟»، «هدیه طلائی» «کارگشا»، «شما هم می توانید در یک شب ۲۰/۰۰۰/۰۰۰ تومان پول حلال به دست آورید!» مخصوصاً هنگامی که چهره واقعی خود را تحت جملات و نام های مقدسی همچون «طرح ملی باقیات صالحات»، «همای رحمت»، «امیدآوران ابتسام»، «طرح پیوند و همکاری»، «شجره انفاق»، «خیراندیشان جوان»، «کارگشای انصار الموحّدين» و مانند آن پنهان نماید، هر انسانی را وسوسه می کند.

عده ای، که تعداد آنها کم نیست، در مقابل چنین وسوسه هایی مقاومت نموده، و با تفکر و اندیشه پیرامون ماهیت واقعی این نوع مؤسسات فریبکار، یا با مشورت با کسانی که پیرامون چنین فعالیت های مرموزی از تجربه و تخصص کافی برخوردار هستند، یا با مشاهده قربانیان این دام های به ظاهر زیبا، اعتنایی به این چراغ سبزه ها ننموده، و با کنار زدن جملات فریبنده فوق، به ماهیت واقعی آن پی برده، و خود را آلوده آن نمی کنند. مگر ممکن است فرد با ایمانی بوی تعفن گناه را استشمام کند، و آلوده آن شود؟

اما متأسفانه عده ای، که تعداد آنها نیز کم نیست، فریب این جملات زیبا و دروغین را خورده، و بدون اندیشه و تفکر و مشورت پیرامون آن، عنان از کف داده، و با آرزوی به دست آوردن پول های بادآورده هنگفت، در چنین دام هایی گرفتار می شوند.

در این نوشتار بر آنیم که، با لطف و عنایت پروردگار، این مؤسسات نا سالم اقتصادی، که بطور مرموز به اغفال و فریب و چپاول مردم پرداخته، و هر روز با نام و چهره ای متفاوت در گوشه ای از کشور مشغول فریب مردم، مخصوصاً جوانان فاقد شغل می شوند، را معرفی نموده، و نقاب از چهره آنها کنار زده، و ماهیت اصلی آنان را برای شما خوانندگان محترم آشکار کنیم. تا با روشن شدن هدف اصلی آنان، کسی فریب آنها را نخورد، و در دام آنها گرفتار نشود.

در اینجا لازم می دانم از تمام عزیزانی که به نوعی در تهیه این مجموعه مساعدت و همکاری نموده اند، تقدیر و تشکر نموده، و اجر آنان را از خداوند مهربان طلب نمایم. و از خوانندگان محترم تقاضا می کنم که ما را از پیشنهادات و انتقادات خویش بی نصیب نگذارند.

به امید روزی که بساط این شرکت های مرموز، استعماری، منافق و کلاهبردار برچیده شود. و اقتصاد، اعتقاد مردم، سلامت جامعه، و امنیت کشور از شر آنان در امان گردد، که آن روز به خواست خدا دور نیست.

حوزه علمیّه قم

ابوالقاسم علیان نژادی

۱۳۸۴/۳/۱۶

فصل اول : پیشینه شرکت های اقتصادی مرموز

بیش از ده سال قبل (آشنایی ما با چنین فعالیت هایی به آن تاریخ باز می گردد، نه این که عمر این نوع فعالیت های مرموز اقتصادی به مقدار مذکور باشد؛ زیرا طبق آنچه در شماره ۲۷۲۳ روزنامه قدس به تاریخ ۷۹/۹/۱۰ آمده، در سال ۱۹۱۰ میلادی در مسکو، و در سال ۱۹۲۰ در فرانسه، پدیده های مشابهی به نام «بهمن» در روسیه، و «گلوله برفی» در فرانسه مشهور بوده است. روزنامه شرق، مورخ ۱۳۸۴/۴/۳۱، نوع اول را مفضل توضیح داده است.)، سؤالی از یکی از مسلمانان مقیم اتریش به دست ما رسید که خواستار حکم شرعی فعالیت مؤسسه ای در کشورش بود، که با عنوان فریبنده «بدون دردسر صاحب ۳۰/۰۰۰ دلار شوید» فعالیت مرموزی را در آن کشور آغاز کرده بود. سؤال و جواب مذکور در جلد اول استفتائات جدید، صفحه ۱۵۰ بطور مفصل آمده، و در فصل دوم همین کتاب نیز خواهد آمد. ما از آن زمان با این نوع فعالیت های فریبنده و ناسالم اقتصادی آشنا شدیم.

در سال ۱۹۹۴ میلادی (یازده سال قبل) شرکتی به نام «فیوچراستراتژی»، که بعدها به «پنتاگونو» معروف شد، در اتاق بازرگانی و صنعتی ایتالیا در مودنا به ثبت رسید، و فعالیت خویش را در آن کشور و سراسر جهان آغاز کرد.

چهار سال بعد، یعنی در سال ۱۹۹۸ میلادی، انگلیسی ها که ید طولایی در غارت اموال مردم دارند، با تأسیس شرکت «کوئیست اینترنشنال»، که بعدها به «گلدکوئیست» معروف گشت، مشغول اخاذی از مردم شدند.

در سال ۲۰۰۰ میلادی بلژیکی ها هم درنگ را جایز ندانسته، و دست به تأسیس شرکت «هفت الماس من» زدند، تا از قافله انسان های متمدتی که به فکر جوانان بیکار و کم درآمد بودند! عقب نیفتند، و بتوانند از این کلاه پشمی برای خود فراهم سازند.

شرکت های مشابه یکی پس از دیگری، و با تغییر شکل و عرضه محصول جدید، در کشورهای مختلف وارد میدان شدند، که می توان به شرکت «گلدمین» در نروژ، «گلدان استار»، «پرایم بانک» و «ای بی ال» که در سال ۲۰۰۳ میلادی به وجود آمد، و «کیم برلی»، «پرایم اسمیت»، «دایاموند ۲۰۰۰» و مانند آن اشاره کرد.

شرکت های مذکور که خاستگاه آنها عموماً کشورهای اروپایی بود، فعالیت خویش را عمدتاً در کشورهای خود آغاز کردند، اما دیری نپایید که متولیان امور اقتصادی زنگ خطر را به صدا درآورده، و ماهیت واقعی شرکت های مذکور را برای مسئولین کشور خویش بر ملا کردند. و به دنبال آن، فعالیت آنها در کشورهای متبوعه ممنوع گشت (یکی از اعضای کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی، گفت: «باید قدری نگاه را جدی تر کرد، و فرض را بر این گذاشت که این حرکت مشکوک شاید نیرنگ طراحی باشد که بخواهند برای نظام، در این برهه از زمان، ایجاد مشکل کنند؛ چرا که شرکت اصلی چند سال سابقه فعالیت مشکوک دارد، و در بسیاری از کشورها مانع فعالیت آن شده اند، اما امروز از طریق مرزهای خارجی وارد کشور می شود. (روزنامه قدس، شماره ۳۷۲۴، مورخ ۷۹/۹/۱) یک کارشناس علوم اجتماعی می گوید: «فعالیت های قمارگونه امثال گلدکوئیست همچون موریانه به پایه های اقتصاد ملی می افتند و از بُن، ریشه آن را می خورند. به همین دلیل در بسیاری از کشورهای پیشتاز در عرصه اقتصاد نوین، این گونه فعالیت ها ممنوع اعلام شده است». (کیهان، مورخ، ۸۳/۷/۲۹)، و جریمه های سنگینی برای متخلفان در نظر گرفته شد، که این جریمه برای کسانی که عضو آن شرکت ها می شدند در بعضی از کشورها بیش از ۲۰/۰۰۰ دلار بود! بدین شکل فعالیت شرکت های مرموز فوق الذکر در کشورهای خودشان ممنوع و متوقف شد. اما اجازه غارت مردم کشورهای دیگر برای آنها صادر گشت، و آنان فعالیت خویش را عمدتاً در کشورهای جهان سوم آغاز کردند. و این تفسیری گویا از حقوق بشر بود!

فعالیت آنان به تدریج به کشورهای آسیایی گسترش پیدا کرد، به طوری که بعضاً مرکز اصلی کار خویش را به کشورهایی مانند «فیلیپین»، «هنگ کنگ»، «مالزی»، «امارات» و مانند آن منتقل نموده، تا راحت تر غارت اموال مردم را پی گیری نمایند.

متأسفانه این ویروس خطرناک از سال ۱۳۷۹ هـ ش به طور مشهود و ملموس وارد کشور عزیزمان ایران شد، و در مدت کوتاهی در برخی از شهرها که محل سکونت عامل انتقال دهنده آن بود گسترش یافت، تا آنجا که در تاکسی ها، اتوبوس های شهری، رستوران ها، پارک ها، بازارها، میهمانی ها، و هر کجا که اجتماع کوچکی وجود داشت، سخن از فعالیت این شرکت ها بود. و در کوی و برزن توسط افراد مختلف پیشنهاد عضویت در چنین شرکت هایی ارائه می شد. و شاید شما خواننده عزیز نیز در محل کار، یا کوچه و خیابان، یا در اجتماعات خانوادگی، توسط آشنایان و بستگان، با چنین پیشنهادهایی مواجه شده باشید.

متأسفانه برخی از سودجویان داخلی، که شاهد غارتگری گسترده شرکت های خارجی بودند، و نمی توانستند به راحتی از کنار این سود بادآورده حرام بگذرند، و وسوسه های شیطان آنها را رها نمی کرد، دست به تأسیس شرکت های مشابهی در داخل کشور زدند، و گاه با نام های مقدس به غارت اندوخته های مردمی پرداختند که بعضاً به امید دست یافتن به سود کلان، ضروریات زندگی خویش را فروخته، و یا آلوده وام های ربوی شدند! تا آنجا که در بعضی از شهرها متجاوز از ۳۰ شرکت بازاریابی شبکه ای تأسیس، و مشغول به کار شد! که البته با اقدامات به موقع و مناسب مسئولین محلی، فعالیت بسیاری از آنها متوقف شد. و تعداد محدودی از آنان بطور رسمی توقف فعالیت های خویش را اعلان نموده، و از مشتریان خود خواستند که برای بازپس گرفتن پول خود به دفاتر آنها مراجعه کنند. (اطلاعیته برخی از این شرکت ها در بخش اسناد آمده است.)

اما فعالیت این شرکت ها بطور کامل تعطیل نشد، همان گونه که شرکت های خارجی نیز بسان گذشته، و در شهرهای مختلف، و با نام های متفاوت به کار خویش ادامه دادند.

برخوردهای قضایی جسته و گریخته ای در برخی از شهرها، با بعضی از شرکت های داخلی و خارجی صورت گرفت، که آن هم غالباً علاج واقعه بعد از وقوع، و در پی شکایت مالباختگان فراوان و قربانیان زیاد این شرکت ها بود، تا این که بالاخره مسئولین امر به فکر برخورد قانونی و همه جانبه با این ویروس خطرناک، که بیشتر شهرها را آلوده کرده بود، افتادند؛ و مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۸۴/۳/۴ یک فوریت طرح مبارزه با شرکت های فوق الذکر را تصویب کرد. امیدواریم قانون جامعی برای جلوگیری از این فعالیت ناسالم اقتصادی و قمارگونه تصویب شود، هر چند دستگاه های قضایی با همین قوانین موجود نیز جلوی بسیاری از آنها را گرفته اند، ولی این مقدار برای ریشه کن کردن این خطر بزرگ کافی به نظر نمی رسد.

به امید آن که در آینده نزدیک شاهد برچیده شدن کامل این نوع فعالیت های اقتصادی مرموز، ناسالم و نامشروع، در سراسر کشور، بلکه در تمام جهان باشیم. به امید آن روز که ان شاء الله دیر نیست.

تمام این شرکت ها، اعم از خارجی و داخلی، چه آنها که کالا یا خدماتی عرضه می کنند، یا بدون آن فعالیت می نمایند، آنان که در پشت نام های مقدس مخفی شده اند، یا با شعارهای فریبنده برای مردم دام می گسترند، و غیر آنها؛ آری، ماهیت فعالیت تمام این شرکت ها یک چیز است، و آن گرفتن پول های کلان، از گروه زیادی از مردم، و به جیب زدن قسمت عمده آن، و تقسیم کردن بخش کمی (گروه گزارش روزنامه کیهان، در مقاله ای با عنوان «پرونده گلدکوئست روی میز دادستان» که در تاریخ ۱۳۸۴/۴/۲۳، منتشر کرده، می نویسد: «وعده هایی که برای پولدار شدن به تو داده اند، برگرفته از تکنیک هایی است که بر اساس اصول انسان شناسی، جامعه شناسی، و روانشناسی زیر نظر «شرکت گلدکوئست» طراحی شده، تا تو هم به عنوان یک خریدار در گام اول، و بعد به عنوان یک ویزیتور شرکت با عایدی حدود ۲ درصد از درآمد کل، فعال شوی، و روزهای جوانی ات را به هنگ کنگی ها بفروشی!» از آن در بین سرشاخه هایی که موفق به جذب تعداد معینی مشتری شده اند، و مواجه ساختن تعداد فراوانی از مردم در رده های پایین با ضرر و زیان و خسارت، که خوشبختانه پرونده های زیادی از این دسته از افراد هم اکنون در مراکز قضایی در جریان است. (دادستان کل کشور در گفتگو با خبرنگار یکی از روزنامه های کثیرالانتشار گفت: «پرونده گلدکوئست با جدیت پیگیری می شود، و خسارت مالباختگان باید پرداخت شود. وی گفت: در شناسایی و دستگیری عوامل اصلی این شرکت، اقدامات گسترده ای انجام پذیرفته، و در مقابل فعالیت غیر قانونی این شرکت کوتاه نخواهیم آمد. وی اضافه کرد: پرونده شرکت گلدکوئست یکی از پرونده های استثنایی است، که ۱۷۰ هزار شاکی دارد!» (روزنامه جمهوری اسلامی، مورخ ۸۳/۱۲/۱۷).

آنچه در بالا آمد ماهیت اصلی فعالیت شرکت های مورد بحث است؛ ولی برای آشنایی بیشتر با جزئیات فعالیت آنها، به دو شکل آن اشاره می شود:

۱- جذب مشتری بدون ارائه کالا یا خدمات

شرکت های اولیه اروپایی، نظیر شرکت اتریشی و بسیاری از شرکت های داخلی، به شکل فوق فعالیت می کنند، که به عنوان نمونه چگونگی فعالیت شرکت اتریشی را بیان نموده، سپس توجه شما را به کیفیت کار یک شرکت داخلی جلب می کنیم:

طرز کار شرکت اتریشی را عیناً از کتاب استفتائات جدید، جلد اول، صفحه ۱۵۰ نقل می کنیم. توجه فرمایید:

«مؤسسه ای در کشور اتریش با عنوان «بدون دردسر صاحب ۳۰/۰۰۰ دلار شوید» فرم هایی را به ترتیب زیر در اختیار متقاضیان قرار می دهد:

- ۱- متقاضی، مثلاً خانم رؤیا، فرم را از شخص نامبرده در ردیف پنجم به مبلغ ۳۰ دلار می خرد.
- ۲- سپس ۳۰ دلار چک تضمینی به نام شخص ردیف اول، و ۳۰ دلار چک تضمینی به نام مؤسسه، به همراه فرم خریداری شده که در آن نام و مشخصات خود را درج کرده، برای آن مؤسسه می فرستد. (یعنی رؤیا در مجموع ۹۰ دلار می پردازد، بی آن که کالایی در برابر آن دریافت کرده باشد).
- ۳- پس از مدتی چهار فرم، که در آن نام ردیف اول حذف گردیده، و نام های ردیف های بعدی هر کدام به یک ردیف بالاتر ارتقاء یافته، به دست رؤیا می رسد؛ و به این ترتیب نام رؤیا در ردیف پنجم قرار می گیرد.
- ۴- رؤیا چهار فرم دریافتی را به چهار مشتری جدید، هر کدام به مبلغ ۳۰ دلار می فروشد. و به این ترتیب، علاوه بر ۹۰ دلار پرداختی، ۳۰ دلار اضافه نیز دریافت می کند.
- ۵- افرادی که فرم های رؤیا را خریده اند هر کدام به ترتیبی که در بند دوم گفته شد عمل نموده، و هر یک چهار فرم جدید دریافت می نمایند. کم کم نام رؤیا از ردیف پنجم به ردیف های بالاتر ارتقاء می یابد، تا به ردیف اول می رسد. در اینجا هر متقاضی جدید موظف است ۳۰ دلار به حساب رؤیا واریز کند، که جمعاً حدود ۳۰/۰۰۰ دلار خواهد شد. بعد از پیمودن این پنج مرحله، و گرفتن جایزه نهایی (حدود سی هزار دلار) از لیست خارج می شود. (همان گونه که قبلاً نیز اشاره شد، و در مباحث آینده نیز به مناسبتی خواهد آمد، سؤال از فعالیت شرکت مذکور بیش از ده سال قبل به دست ما رسید، و حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی مد ظله در پاسخ آن چنین فرمودند: «شرکت در این کار حرام، و پول عاید از آن مباح نیست، و در واقع نوعی کلاه برداری مرموز برای تصاحب اموال دیگران است.»)

البته همه این شرکت ها به صورتی که در بالا گفته شد عمل نمی کنند، هر چند فعالیت های آنها کم و بیش مشابه یکدیگر است.

و اما روش کار یکی از شرکت های داخلی، که اندکی با شرکت اتریشی تفاوت دارد، به نقل از استفتائات جدید، جلد سوم، صفحه ۱۶۰ به شرح زیر است:

«شرکت کارگستر ابرکوه، با عنوان «طرح پیوند و همکاری» اقدام به عضوگیری می کند. هر عضو که فرم این شرکت را از یکی از اعضای آن گرفته، موظف است مثلاً مبلغ ۱/۳۰۰ تومان به حساب شرکت، و چهار نفر از اشخاصی که در لیست هفت نفره ارسالی شرکت قرار دارند واریز نماید. (هر نفر ۲۰۰ تومان، و ۵۰۰ تومان به حساب شرکت) پس از واریز مبلغ فوق و ارسال فرم به آدرس شرکت، ایشان جزء گردونه هفت نفره

قرار می گیرد (و نفر هفتم از گردونه خارج می شود)، و به همین ترتیب گردونه با گرفتن اعضای جدید می چرخد تا این که ایشان، که نفر اول بوده، نفر هفتم شود و از گردونه خارج گردد. شرکت مدعی است که در این مرحله ۸۲۳۵۴۳ نفر هر کدام مبلغ ۲۰۰ تومان به حساب آن شخص واریز کرده اند، که جمع آن ۱/۶۸۱/۴۰۰/۰۰۰ تومان می شود. تمام این مبلغ از سوی اعضای جدید به حساب ایشان واریز شده است. (فتوای حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی (مد ظله) در مورد فعالیت شرکت مذکور که در تاریخ ۱۳۷۹/۷/۴ مرقوم فرمودند، چنین است: «این کار نوعی کلاهبرداری و شبیه قمار است، و حرام می باشد»).

فعالیت این نوع شرکت ها که نمونه های داخلی آن فراوان است، در حقیقت در حکم بلیط های بخت آزمایی زمان طاغوت است، که فقها فتوی به حرمت آن داده اند. شرح این مطلب در مباحث آینده خواهد آمد.

۲- جذب مشتری با ارائه کالا یا خدمات

بیشتر شرکت های مرموز اقتصادی خارجی به این نوع فعالیت روی آورده، و بالعکس شرکت های مشابه داخلی کمتر بدین شکل فعالیت می کنند. به هر حال، استعمارگران نو در این نوع از فعالیت ها جنسی را به چند برابر قیمت واقعی به شما عرضه می کنند، مثلاً جنسی را، که ارزش واقعی آن بین یکصد و پنجاه تا دویست هزار تومان است، به پانصد هزار تومان یا کمتر می فروشند، (طبق آنچه در نامه بانک مرکزی (که عیناً در بخش اسناد منعکس شده) آمده، هر داوطلب برای خرید یک سکه (در پاره ای از موارد) ۸۶۰ دلار می پردازد (۸۰۰ دلار قیمت سکه، و ۶۰ دلار هزینه حمل) در حالی که قیمت واقعی آن ۲۳۰ دلار می باشد!) شما در خرید اقساطی موظف هستید دو مشتری برای آنها بیابید، که به اصطلاح در بال راست و چپ شما قرار می گیرند. آنها نیز به همین ترتیب مبلغ بالا را به حساب شرکت مورد نظر واریز می کنند. در این نوع از فعالیت عضوگیری بصورت هرمی و شاخه ای پیش می رود:

۱ ط ۲ ط ۳ ط ۴ ط ۵ ط ۶ ط ۷ ط ۸ ط ۹ ط ۱۰ ط ۱۱ ط ۱۲ ط ۱۳ ط ۱۴ ط ۱۵ ط ۱۶ ط ۱۷ ط ۱۸ ط ۱۹ ط ۲۰ ط ۲۱ ط ۲۲ ط ۲۳ ط ۲۴ ط ۲۵ ط ۲۶ ط ۲۷ ط ۲۸ ط ۲۹ ط ۳۰ ط ۳۱ ط ۳۲ ط ۳۳ ط ۳۴ ط ۳۵ ط ۳۶ ط ۳۷ ط ۳۸ ط ۳۹ ط ۴۰ ط ۴۱ ط ۴۲ ط ۴۳ ط ۴۴ ط ۴۵ ط ۴۶ ط ۴۷ ط ۴۸ ط ۴۹ ط ۵۰ ط ۵۱ ط ۵۲ ط ۵۳ ط ۵۴ ط ۵۵ ط ۵۶ ط ۵۷ ط ۵۸ ط ۵۹ ط ۶۰ ط ۶۱ ط ۶۲ ط ۶۳ ط ۶۴ ط ۶۵ ط ۶۶ ط ۶۷ ط ۶۸ ط ۶۹ ط ۷۰ ط ۷۱ ط ۷۲ ط ۷۳ ط ۷۴ ط ۷۵ ط ۷۶ ط ۷۷ ط ۷۸ ط ۷۹ ط ۸۰ ط ۸۱ ط ۸۲ ط ۸۳ ط ۸۴ ط ۸۵ ط ۸۶ ط ۸۷ ط ۸۸ ط ۸۹ ط ۹۰ ط ۹۱ ط ۹۲ ط ۹۳ ط ۹۴ ط ۹۵ ط ۹۶ ط ۹۷ ط ۹۸ ط ۹۹ ط ۱۰۰ ط ...

یعنی اگر پس از مشتری اول، ده بار معاملات فوق و جذب مشتری ها، طبق قوانین آنها پیش رود، در ردیف یازدهم ۱۰۲۴ کالای پانصد هزار تومانی توسط کسانی که شما (با واسطه، یا بلاواسطه) معرفی کرده اید فروش می رود، که قیمت مجموع آن حدوداً ۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ تومان می شود. شرکت مذکور مبلغ کمی (حدود ۱۰۱ آن را) به سرشاخه ها می پردازد، و بقیه را خودش بر می دارد.

البته روشن است که شاخه های آخر، که موفق به جذب مشتری نمی شوند، یا آنها که موفق به جذب مشتری به مقدار لازم نمی گردند، مالباختگان واقعی هستند؛ زیرا نه پورسانتی دریافت می کنند، و گاه حتی کالایی برای آنها فرستاده نمی شود، (خبرنگار یکی از روزنامه های تهران، در گزارشی تحت عنوان «تجمع خریداران در میرداماد» با تعدادی از مالباختگان مصاحبه کرده، که به یکی دو مورد آن اشاره می شود: یک مرد میانسال لب به شکوه باز می کند: «۵۱۳ هزار تومان به حسابشان ریخته ام، حدود دو ماه است که منتظرم سکه ام بیاید، می گویند صبر کنید!» شخص دیگری برای چهار نفر از افراد خانواده اش ثبت نام کرده، سکه خودش آمده، روی همین حساب دوباره پول به حساب ریخته، اما این بار خبری نشد!» (روزنامه همشهری، مورخ ۱۳۸۳/۷/۲۷) و بر فرض که فرستاده شود، همان گونه که گذشت، کالای ارسالی تنها معادل ۳۱ وجه واریزی آنها ارزش خواهد داشت. نمونه هایی از فعالیت این گونه شرکت ها در فصل بعد خواهد آمد.

فصل سوّم : اطلاعاتی مختصر از پنج شرکت خارجی

در این بخش، به ویژگی ها و روش کار برخی از شرکت های معروف خارجی اشاره ای اجمالی و فهرستوار می شود، تا عزیزان خواننده گرفتار دام آنها نشوند.

الف) پنتاگونو (شرکت فیوچراستراتژی)

۱- زمان تأسیس : سال ۱۹۹۴ میلادی.

۲- محلّ تولّد : مودنای ایتالیا

۳- سرویس خدمات: کارت اعتباری Superema برای اعضا فرستاده می شود، که طبق ادّعای شرکت فرد را قادر می سازد تا سالانه معادل ۱۲۰۰ دلار از تخفیف ۵ تا ۶۰ درصدی مؤسسه های وابسته و طرف قرارداد شرکت استفاده کند. (طبق گزارش بعضی از سازمان های اطلاعاتی کشور، این ادّعای شرکت است، و تاکنون در ایران کسی نتوانسته از این تخفیف استفاده کند. علاوه بر این که خود این کارت ها شگرد دیگری برای خروج ارز از کشور است، که شرح آن در نشریه آفتاب یزد، مورّخ ۱۳۷۹/۱۰/۲۲، بیان شده است.)

۴- ناقلین این ویروس به ایران: اولین وارد کننده و فروشندگان این کارتها در داخل کشور دو خانواده در مشهد بودند، که در سال ۱۳۷۹ از طریق یکی از بستگان خود در کشور امارات متّحده عربی این کارت را دریافت کرده بودند.

۵- ارز خارج شده توسط این شرکت در سال ۱۳۷۹ : ۱۹/۶۸۰/۰۰۰ دلار.

روش کار پنتاگونو

فردی که فرم اطلاعات این شرکت را به شما می دهد خود از اعضای پنتاگونو می باشد. در فرم مذکور اسامی هفت نفر چاپ شده است. شخصی که در رده هفتم قرار دارد همان کسی است که فرم را به شما ارائه کرده، و نامی که در بالاترین رده قرار دارد، آدرس و مشخصات بانکی اش به صورت بزرگ چاپ شده است. و شما باید مراحل زیر را انجام دهید:

الف) به فردی که فرم را در اختیار شما می گذارد و در رده هفتم قرار دارد، به عنوان کارمزد فروش مستقیم ۴۰ دلار بپردازید.

ب) حواله بانکی به مبلغ ۴۰ دلار برای شخصی که در بالاترین رده (رتبه اوّل) قرار دارد، بفرستید.

ج) مبلغ ۴۰ دلار آمریکا برای شرکت پنتاگو حواله نمایید.

پس از ارسال حواله، به همراه گواهی های مورد نظر، گواهی جدیدی صادر و برای شما ارسال می گردد. در این گواهی ها شما در رتبه هفتم قرار می گیرید، و دیگر اسامی به یک رده بالاتر رفته اند (مثلا شخصی که شما از او گواهی خرید کرده اید در رتبه ششم قرار گرفته است) و کسی که در بالاترین رده بوده، با دریافت ۸۷/۴۸۰ دلار نامش از آن رده حذف می گردد. شما با فروش سه کارت (گواهی) که از طریق پست از ایتالیا برایتان ارسال شده، هر کدام به مبلغ ۴۰ دلار، هزینه ابتدایی خود را جبران می کنید.

ب) گلدکوئست (کوئست اینترنشنال)

۱- زمان تأسیس: سال ۱۹۹۸ میلادی.

۲- محلّ تولّد: انگلستان.

۳- مقرّ فعالیت: مقرّ آن در هنگ کنگ است، و در دبی نمایندگی رسمی دارد.

۴- اجناس عرضه شده: سکه طلای کلکسیونی، گردنبند و ساعت طلا و... با عیار ۲۴.

۵- کیفیت فروش: نقد و اقساط؛ البته در فروش اقساطی، که هدف اصلی شرکت است، جنس به چند برابر قیمت واقعی عرضه می شود!

۶- مدخل : لار شیراز در سال ۱۳۷۹ ه.ش.

۷- برای جلوگیری از ورشکستگی در هفته بیش از ۵۰۰۰ دلار پورسانت نمی دهد!

۸- محصولات شرکت به صورت دستی ضرب می شود.

۹- محصولات شرکت توسط شرکت های معتبر بی اچ مایرز مانت (B.H.Mayer's Mint) آلمان، و ضربخانه سلطنتی استرالیا، و مانند آن تولید می گردد.

۱۰- زودتر و دیرتر عضو شدن معیار نیست؛ بلکه مقدار و نوع فعالیت شما را به پورسانت بیشتری می رساند. (اطلاعات بیشتر در مورد شرکت مذکور را در روزنامه شرق، مورخ ۱۳۸۴/۴/۳۱، مطالعه فرمایید).

روش کار گلدکوئست

داوطلب، که توسط یکی از اعضای شرکت معرفی می شود، در خرید اقساطی مبلغ ۵۵۰/۰۰۰ تومان جهت خرید یک سکه طلای کلکسیونی (که ارزش واقعی آن حدود ۲۰۰/۰۰۰ تومان است) به حساب شرکت واریز می کند، سپس به فعالیت و جذب مشتری می پردازد. چنانچه موفق شود یک نفر در بال راست، و یک نفر در بال چپ خود جذب کند، و آن دو نیز به همین ترتیب موفق به جذب دو نفر دیگر شوند، یعنی مجموعاً شش نفر از طریق او (دو نفر بدون واسطه، و چهار نفر با واسطه) جذب شوند، و هر کدام ۵۵۰/۰۰۰ تومان به حساب شرکت واریز کنند، شرکت ۲۵۰ دلار (تقریباً معادل ۲۲۵/۰۰۰ تومان) به عنوان پورسانت به وی می دهد. (البته در مورد برخی کالاها پورسانت زمانی پرداخت می شود که ده نفر مشتری جذب گردد، که در ازای جذب هر ۱۰ مشتری ۴۰۰ دلار پورسانت پرداخت می شود).

یعنی اگر با فعالیت داوطلب، ۶ نفر جذب، و ۳/۳۰۰/۰۰۰ تومان به حساب شرکت واریز شود، شرکت در حدود ۲/۰۰۰/۰۰۰ تومان سود می کند. و تنها ۱۰۱ سود خود را به عنوان پورسانت به متقاضی داده، و ۱۰۹ آن را به جیب می زند! علاوه بر این، چنانچه مشتری ها به صورت متعادل جذب نشوند، یعنی اگر فرضاً در بال چپ پنج مشتری، و در بال راست فقط یک یا دو مشتری جذب شود، هیچ پورسانتی تعلق نمی گیرد.

اضافه بر این که پورسانت مذکور کار خارق العاده ای نیست، زیرا اگر آنها از طریق تبلیغات کالاهای خود را به مردم معرفی می کردند، چندین برابر پورسانت های اعطایی باید هزینه می نمودند؛ بنابراین فعالیت شرکت مذکور و شرکت های مشابه چیزی جز یک کلاهبرداری آشکار، و قماری مرموز نیست؛ چرا که اموال عده زیادی از مردم گرفته می شود، و تنها حدود ۱۰۱ آن در بین سرشاخه ها تقسیم، و باقیمانده (۱۰۹ آن) به شکل ارز توسط این شرکت از کشور خارج می گردد. آیا می توان برای این کار جز غارت اموال مردم، و چپاول ثروت عمومی کشور، نامی دیگری انتخاب کرد؟

ج) هفت الماس من (My 7 Diamond)

۱- زمان تأسیس : سال ۲۰۰۰ میلادی

۲- محل تأسیس : اتریش

۳- محصول عرضه شده : قطعه الماسی در حد نگین انگشتری

۴- مدعی هستند که :

الف) تمام علماء آن را تأیید و درآمدش را حلال دانسته اند!

ب) در صد و بیست کشور جهان فعالیت دارند!

ج) پولی که بابت جنس می گیرند قیمت واقعی آن است!

د) مالباخته ای در این سیستم وجود ندارد!

ه) اگر در کشور فعال شوند مشکل اشتغال حل می گردد!

و) قوه قضائیه فعالیت آنان را تأیید کرده است!

ز) در ایران نماینده رسمی دارند!

ح) مهم مقدار و نوع فعالیت است، نه زودتر عضو شدن!

(باید دانست که هیچ یک از این ادعاها واقعیت ندارد، و شرح آن بزودی خواهد آمد).

متقاضی با پرداخت ۲۰۰ دلار، که پیش قسط قطعه الماسی است که هفتصد تا نهصد دلار قیمت گذاری شده، عضو شرکت فوق می شود. و چنانچه سه نفر در سمت چپ، و سه نفر در سمت راست، مشتری جذب کند، یعنی مجموعاً شش نفر از طریق او جذب شرکت شوند، ۱۰۰ دلار پورسانت می گیرد، که ۵۰ دلار آن را به شرکت عنوان قسط الماس بر می دارد، و ۵۰ دلار دیگر را به حساب او واریز می کند. به تعبیر دیگر چنانچه متقاضی شش مشتری برای شرکت جذب کند، و هر کدام ۲۰۰ دلار به حساب شرکت بریزد، که جمعاً ۱۲۰۰ دلار می شود، شرکت دست و دلبازی نموده و ۱۲۱ مبلغ فوق را به عنوان پورسانت به مشتری اولیه می دهد. شرکت می گوید: «اگر اضافه کردن دو نفر اول و دونفرهای بعدی به زیرشاخه ها هر کدام یک ماه طول بکشد، تا پایان سال ۱۱۳/۰۰۰ دلار به حساب شما واریز می شود». و البته دوازده برابر آن، یعنی ۱/۳۵۶/۰۰۰ دلار به حساب شرکت! و به زودی خواهیم دانست که این پول های بادآورده نه از طریق تولید به دست آمده است، و نه دامداری و تجارت، و نه زراعت، بلکه از طریق برداشتن کلاه گروه کثیری از مشتریان است.

د) گلدماين

- ۱- زمان تأسیس : سال ۲۰۰۰ میلادی
 - ۲- محل تولد : نروژ
 - ۳- محصولات : کالاهای مختلف کلکسیونی، نظیر ساعت و گردنبند طلای ۲۴ عیار
 - ۴- انصراف : اگر عضوی از ادامه بازاریابی منصرف شود، می تواند بقیه قیمت کالا را بدهد، تا کالا برایش ارسال شود.
 - ۵- حداکثر پورسانت : شرکت به هر عضوی روزانه بیش از ۴۵۰ دلار پورسانت پرداخت نمی کند!
- و این خود یکی از شگردهایی است که برای منافع هنگفت شرکت به کار گرفته می شود.

روش کار گلدماين

برای ورود به این تجارت توسط یکی از مشتریان شرکت معرفی شده، و مبلغ ۶۰ دلار بابت پیش قسط سکه می پردازید. سپس یک نام تجاری به شما می دهند، و شما به بازاریابی می پردازید. چنانچه یک نفر در بال راست و یک نفر در بال چپ خود جذب کنید، ۴ دلار به شما پاداش می دهند. و از آن به بعد، به شرط تعادل سه به سه (یعنی در ازای جذب هر شش مشتری که مع الواسطه توسط شما جذب می شوند) ۳۰ دلار به شما پورسانت داده می شود. و هرگاه تعادل مشتریان شما به مضربی از ۵ برسد ۳۰ دلار به عنوان قسط کالا برداشته می شود، و این کار ادامه خواهد داشت تا اقساط جنس خریداری شما مستهلک گردد. در این صورت کالای شما ارسال، و پس از آن پورسانت ها به صورت کامل به حساب شما واریز می شود.

یک نکته: در مرحله اول اگر شما هشت مشتری جذب کنید ۳۴ دلار به شما پرداخت می شود، در حالی که ۴۸۰ دلار نصیب شرکت شده است؛ یعنی حدود چهارده برابر سود مشتری. تصوّر می شد که این شرکت، که از همان ابتدا شروع به پرداخت پورسانت می کند، از دیگر شرکت ها با انصاف تر است، اما با یک حساب ساده معلوم شد کلاهبرداری آن شدیدتر است!

ه) ای.بی. ال EBL

زمان تأسیس : سال ۲۰۰۳ میلادی
محصول شرکت : کارت pmt که حاوی ترجمه X کلمه به ۱۲ زبان دنیاست.
دفتر مرکزی : مالزی

شعبه فعال دیگر : شهر اینترنتی «دبی اینترنت سیتی» واقع در کشور دبی.
محلّ فعالیت : در حال حاضر در کشورهایی همچون مالزی، سنگاپور، اندونزی، چین، امارات متّحده عربی، ایران، ژاپن، تایوان و آمریکا فعالیت دارد.

تذکّر : در هیچ یک از کشورهای اروپایی کاربر و مشتری ندارد!

ادّعا می کند :

- ۱- در ایران دفتر نمایندگی دارد.
- ۲- از سوی دولت اجازه فعالیت گرفته است.
- ۳- با برخی از بانک های دولتی قرارداد بسته است.
- ۴- برخی از مسئولین از آنها حمایت کرده اند.
- ۵- برخلاف دیگر شرکت ها شش نوع سود به مشتریان می دهد!
- ۶- فعالان این سیستم زود به سود می رسند.
- ۷- محصولات متنوعی عرضه می کند.

روش کار ای. بی. ال

تقسیم پورسانت های این شرکت گرچه ظاهراً با طرز تقسیم پورسانت در شرکت های مشابه تفاوتی دارد، ولی اصول کلی حاکم بر آن هیچ تفاوتی با آنها ندارد. بدین جهت از شرح و تفصیل آن صرف نظر می کنیم.

آنچه در این فصل از نظر شما خوانندگان محترم گذشت اطلاعاتی اجمالی نسبت به پنج شرکت معروف خارجی بود، که نسبتاً فعالیت گسترده ای در ایران اسلامی دارند، ولی شرکت های اقتصادی ناسالم و کلاهبردار خارجی، منحصر به آنچه گذشت نیست، که به خاطر رعایت اختصار، و محدودیت فعالیت آنها در ایران، از بیان نحوه فعالیت آنان خودداری شد.

علاوه بر این که، کارشناسان معتقدند تمام این شرکت ها «سر و ته یک کرباسند!» و فقط ظاهر آنها با هم متفاوت است؛ بدین جهت شرح حال تک تک آنها لازم نیست. به دو نظریه در موضوع فوق توجه کنید:

۱- اثرات سوء این گونه شرکت ها، که شاید آن ها پیش از این تحت عنوان «پنتاگونو» نیز فعالیت می کردند، بر بدنه اقتصاد کشور بسیار روشن است. خروج بی رویه ارز، و عدم پرداخت مالیات، از جمله اثرات منفی فعالیت این نوع شرکت ها است». (روزنامه همشهری، مورخ ۸۳/۷/۲۷)

۲- روزنامه شرق، مورخ ۸۴/۴/۳۱، ضمن مقاله ای تحت عنوان «گلدکوئست یک بازار نامطمئن» آورده است:
«بسیاری از این سیستم ها با بهره گیری از تجربه شکست خورده پنتاگونو برای هر بازاریابی مدت زمان مفیدی را در نظر گرفتند. به این ترتیب، طی سال های اخیر انواع و اقسام بازاریابی های شبکه ای، با عناوینی چون «پرایم بانک»، «سولاتیر کمبرلی»، «مای سون دایاموند» و... شکل گرفتند، که هر کدام پس از مدتی با پایان یافتن زمان مقتضی، از سوی گردانندگانش تعطیل می شد، و به شکلی دیگر در می آمد. این پوست اندازی در واقع به نفع گردانندگان اصلی این شبکه ها تمام می شد».

فصل چهارم : نمونه هایی از شرکت های داخلی

در این فصل به برخی از شرکت های داخلی اشاره می کنیم که غالباً متأثر از شرکت پنتاگون بوده، و پس از رواج فعالیت آن شرکت در ایران، و به بهانه جلوگیری از خروج ارز توسط آن شرکت و شرکت های مشابه تأسیس شده، و همچون رقبای خارجی خود، آلوده فعالیت های ناسالم اقتصادی گشته، و به غارت اموال مردم پرداخته، و اختلالاتی در نظام اقتصادی کشور ایجاد نموده، و عوارض منفی و نامطلوب دیگری نیز از خود بر جای گذاشته اند (یکی از روزنامه های پرتیراژ در مقاله ای تحت عنوان «هشدار به مردم و مسئولان» ضمن تشریح فعالیت یکی از شرکت های مورد بحث داخلی نوشت: «گر ۷ مرتبه ارتقاء پیدا کنید ۵/۴۶۶/۰۰۰ تومان به حساب شما واریز می شود. ولی شرکت نمی گوید چقدر اختلاس صورت گرفته، تا این پول به شما داده شده است. برای رسیدن به این پول باید ۳۲۸۰ برگه فروخته شود، و مبلغ ۹۸/۴۰۰/۰۰۰ تومان کلاهبرداری شود، تا ۵ میلیون تومان به شما داده شود! آیا می دانید برای این که ۲۰۰ نفر به مبلغ تقریبی ۵/۵ میلیون تومان برسند، باید ۲۱۵/۲۳۳/۲۰۰/۰۰۰ تومان جابجا شود؟! باور کنید برای این که ۲۰۰۰ نفر جایزه بگیرند باید ۷/۱۷۴/۴۴۱ کارت خریداری نمایند. شانس شما چند درصد است، تا کمی پولدار شوید؟ ۳ صدم درصد! و شانس کلاهبرداران اصلی تقریباً صد در صد! بدیهی است این روند در جایی متوقف می شود. کجا؟ جایی که چند میلیون کارت خریداری شده، و سه برابر آن را بخواهند بفروشند، و جمعیت ایران پاسخگوی آن نباشد. اینجاست که عملاً جابجایی در اوراق غیر ممکن شده، و نه از جایزه نهایی خبری است، و نه از خریدار. به ناچار دارندگان کارت ها به فروشندگان ما قبل خود مراجعه خواهند کرد. ضمن این که متعهد شده اند حق هیچ گونه اعتراضی نداشته باشند. کافی است چند نفرشان درشتی کنند، و چه بسا فاجعه انسانی هم به وقوع پیوندد. (کیهان، مورخ ۷۹/۱۱/۲۴)، برای رعایت اختصار ذکر نام ۳۰ شرکت داخلی به ذکر اسامی سی شرکت داخلی قناعت می کنیم.

۱- مهرین کارت

۲- توس کارت

۳- پارس کارت

۴- کیمیا کارت

۵- رز کارت

۶- طلوع ایده

۷- سیاتل

۸- کارت طلوع

۹- خلاقیّت

۱۰- صعود اندوخته

۱۱- گلدین کارت

۱۲- نیک کارت

۱۳- پارادیس

۱۴- کیش کارت

۱۵- استار

۱۶- کارت طلائی

۱۷- اشتراک هزاره

۱۸- آتیه کارت

۱۹- به کارت

۲۰- کتاب اول

۲۱- صدف کارت

۲۲- سنمار

۲۳- یونیورسال

۲۴- یگانه

۲۵- سریع کارت

۲۶- شهر سازندگی

۲۷- همیاری (اسامی شرکت های بیست و هفت گانه فوق از جزوه «پنتاگونو اغوای اقتصادی» مربوط به اداره کل اطلاعات خراسان نقل شده است.)

۲۸- طرح پیوند و همکاری

۲۹- کارگشای انصارالموحدین

۳۰- کارگستر ابرکوه

لازم به تذکر است که بسیاری از شرکت های فوق با اقدامات بجا و شایسته اداره اطلاعات استان های متبوعه تعطیل شد، و برخی از آنها پس از آن که فهمیدند فعالیت هایشان نامشروع و غیر قانونی است، داوطلبانه فعالیت خود را متوقف نموده، و حتی در روزنامه های کثیرالانتشار اطلاعاتی منتشر کرده، و جدول زمانی خاصی برای مراجعه مشتریان و دریافت پولشان مشخص کردند، (اطلاعیه برخی از شرکت های مذکور در بخش اسناد و مدارک آمده است.) که کار آنها در خور تقدیر و تشکر است. و متأسفانه تعداد محدودی از شرکت های داخلی همچنان به فعالیت خویش ادامه می دهند!

۱- اکل مال به باطل، یا درآمدهای نامشروع

خداوند متعال در آیه ۲۹ و ۳۰ سوره نساء می فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا * وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عُدْوَانًا وَظُلْمًا فَسَوْفَ نُصْلِيهِ نَارًا وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا»؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! اموال یکدیگر را به باطل (و از طرق نامشروع) نخورید! مگر این که تجارتی با رضایت شما انجام گیرد. و خودکشی نکنید! خداوند نسبت به شما مهربان است. و هر کس این عمل را از روی تجاوز و ستم انجام دهد، به زودی او را در آتش وارد خواهیم ساخت؛ و این کار برای خدا آسان است.»

موضوع «اکل مال به باطل، و درآمدهای نامشروع» و برخورد شدید خداوند با آن، علاوه بر آیه فوق، در آیات ۱۸۸ سوره بقره، ۱۶۱ سوره نساء، و ۳۴ سوره توبه نیز آمده است.

بنابراین، اکل مال بالباطل طبق صریح چهار آیه از قرآن مجید حرام، و از گناهان بزرگ است، و انسان را به سوی جهنم سوق می دهد. و شک نیست که درآمد حاصل از عضویت در شرکت های مورد بحث، که مبتنی بر بازاریابی شبکه ای (Network Marketing) می باشد، مصداق روشن اکل مال به باطل، و در نتیجه حرام است.

اکل مال بالباطل چیست؟

حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی (مد ظله) در پاسخ به این سؤال فرمودند:

«منظور از اکل مال به باطل این است که انسان بی آن که فعالیت مثبتی داشته باشد اموال بادآورده ای را تملک کند، و در گلدکوئست و مانند آن چنین مطلبی به خوبی دیده می شود. افرادی که در شاخه های اول قرار می گیرند، بی آن که کار مهمی انجام داده باشند، اموال هنگفتی را تصاحب می کنند، و افرادی که در شاخه های آخر می باشند، مال باختگان واقعی هستند؛ درست شبیه به قمار.»

برای روشن تر شدن مطلب فوق، به تحلیلی که در یکی از مجلات معروف آمده توجه کنید: «اگر ۵/۰۰۰/۰۰۰ نفر جذب این بازی شده باشند، تنها به حدود ۵۰/۰۰۰ نفر سود کلانی تعلق می گیرد، و حدود ۱/۲۰۰/۰۰۰ نفر هیچ سودی دریافت نمی کنند، و باقی شرکت کنندگان، یعنی ۳/۷۵۰/۰۰۰ نفر دیگر فقط ضرر کرده اند، بی آن که سکه ای دریافت کرده باشند». (سروش جوان، شماره ۲۳، تیر ۱۳۸۱).

همان گونه که ملاحظه می کنید عده محدودی (۵۰/۰۰۰ نفر و خود شرکت) بی آن که کار مهم و فعالیت مثبتی داشته باشند، اموال هنگفتی را تصاحب می کنند، و افرادی که در شاخه های آخر هستند (حدود چهار میلیون نفر) مال باختگان واقعی هستند؛ و این است معنی اکل مال به باطل.

یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در تشریح فعالیت شرکت های مذکور می گوید:

«در شرکت هایی که هر عضو باید دو عضو دیگر جذب کند، بر اساس محاسبه انجام شده به ۷۵٪ این افراد هیچ چیز تعلق نمی گیرد، و به ۱۵٪ اعضا معادل نیمی از آنچه هزینه کرده اند تعلق می گیرد، و ۷٪ افراد معادل حق عضویت خود را دریافت داشته، و فقط ۳٪ افراد که در رأس هرم هستند سودسرداری به دست خواهند آورد.»

وی در ادامه گفت: «در شرکت های هرمی که هر عضو باید پنج عضو دیگر جذب کند، ۹۶٪ اعضای شبکه هیچ درآمدی نخواهند داشت، و ۲٪ افراد نصف آورده خود را می گیرند، و ۱٪ آنان عین پول، و کمتر از ۱٪ هم که در رأس هرم هستند سود سرباری می برند» (نماینده مذکور آقای حمید رضا کاتوزیان نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی است، که به هنگام تحصیل در یکی از کشورهای اروپایی از نزدیک شاهد فعالیت برخی از شرکت های کلاهبرداری مورد بحث بوده، و یکی از طراحان یک فوریت ممنوعیت فعالیت شرکت های هرمی و شاخه ای در مجلس شورای اسلامی است. مطلب فوق را از روزنامه خراسان، شماره ۱۶۱۳۶ به تاریخ ۱۳۸۴/۴/۵ نقل کرده ایم.) و بقیه این اموال هنگفت به جیب مؤسسات مذکور می ریزد!

ارتباط بین اکل مال به باطل و خودکشی!

سؤال: چه ارتباطی بین مسأله «انتحار» و «تصرف باطل و ناحق در اموال مردم» وجود دارد، که در آیه مورد بحث در کنار هم ذکر شده است؟

جواب : پاسخ این سؤال روشن است، و در حقیقت قرآن مجید با ذکر این دو حکم پشت سر هم، به یک نکته مهم اجتماعی اشاره کرده است. و آن این که : اگر روابط مالی مردم بر اساس صحیح استوار نباشد، و اقتصاد جامعه به صورت سالم پیش نرود، و در اموال یکدیگر به ناحق تصرف کنند، جامعه گرفتار یک نوع خودکشی و انتحار خواهد شد. و علاوه بر این که انتحارهای شخصی افزایش خواهد یافت، انتحار اجتماعی هم از آثار ضمنی آن است». (یکی از جامعه شناسان در شماره ۳۷۲۲ روزنامه قدس، به تاریخ ۱۳۷۹/۸/۲۹، می گوید: «اگر نوجوانان و جوانان بیکار که با هزار مشکل سرمایه ای را برای عضویت در این شرکت ها فراهم کرده، با شکست مواجه شوند، برای جبران آن ممکن است دست به هر کاری بزنند» شرح بیشتر این مطلب در فصل هشتم خواهد آمد).

حوادث و انقلاب هایی که در جوامع مختلف دنیای معاصر روی داده، شاهد گویای این حقیقت است. و از آنجا که خداوند نسبت به بندگان خود مهربان است به آنها هشدار می دهد و اعلام خطر می کند که مراقب باشند مبادا مبادلات مالی نادرست و اقتصاد ناسالم، اجتماع آنها را به هلاکت بکشاند. (تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۳۹۶).

سرنوشت آلودگان به اموال حرام

خداوند در آیه سی ام سوره نساء عاقبت کسانی که از این اموال حرام استفاده می کنند را این گونه ترسیم می کند: «و هر کس از این فرمان سرپیچی کند، و خود را آلوده خوردن اموال دیگران به ناحق سازد، و یا دست به انتحار و خودکشی بزند، نه تنها به آتش این جهان می سوزد، بلکه در آتش قهر و غضب پروردگار نیز خواهد سوخت، و این کار برای خدا آسان است».

۲- کلاهبرداری

این کار نوعی کلاهبرداری توأم با فریب و نیرنگ است، که به فتوای تمام علمای اسلام، بلکه به نظر همه عقلای جهان کار زشت و ناپسند و حرامی است.

توضیح این که : تمام مردم در چنین فعالیت هایی شرکت نمی کنند؛ یا به خاطر ممنوعیت شرعی، یا عدم جواز قانونی، یا عدم توان مالی، یا عدم اطلاع از چنین فعالیت هایی، یا عدم اعتماد به ادعاهای شرکت های مذکور، یا بی حوصلگی، یا نداشتن وقت کافی، و یا به علت های دیگر. بنابراین، فقط گروه خاصی عضو این شرکت ها می شوند. فرض می کنیم ۷/۰۰۰/۰۰۰ نفر عضو یکی از این شرکت ها، مثلاً شرکت گلدکوئست، شوند و نفری ۸۶۰ دلار به حساب آن شرکت واریز نمایند، اگر افراد مذکور را به گروه های هفت نفره تقسیم کنیم، ۱/۰۰۰/۰۰۰ گروه تشکیل می شود که یک نفر سرگروه، و شش نفر دیگر زیر گروه خواهند بود. چنانچه عدد ۷/۰۰۰/۰۰۰ را در مبلغ ۸۶۰ دلار ضرب کنیم حاصل آن ۶/۰۲۰/۰۰۰/۰۰۰ دلار می شود، که ۳۱ مبلغ مذکور، یعنی حدود ۲/۰۰۶/۰۰۰/۰۰۰ دلار آن، قیمت واقعی اجناسی است که شرکت ملتزم شده به دست اعضا برساند، و ۳۲ باقیمانده، یعنی ۴/۰۱۴/۰۰۰/۰۰۰ دلار، سود بادآورده ای است که به حساب شرکت ریخته شده است. شرکت از این سود سرشار بی دردرس به هر یک از سرشاخه ها، که در مثال مورد بحث یک میلیون نفر هستند، ۲۵۰ دلار می پردازد، که حاصل ضرب ۱/۰۰۰/۰۰۰ نفر در ۲۵۰ دلار، ۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰ دلار می شود. اگر این رقم را از سود شرکت کسر کنیم، سود خالص شرکت ۳/۷۶۴/۰۰۰/۰۰۰ دلار می شود. نتیجه آن که کلاه شش میلیون نفر برداشته شده، و جیب آنها خالی گشته، و حدود ۱۰۱ مجموع پول آنها به جیب یک میلیون نفر سرگروه رفته، و ۱۰۹ باقیمانده به جیب شرکت واریز شده است. آیا بزرگتر از این کلاهبرداری سراغ دارید؟!

سخنگوی قوه قضائیه در این باره گفت:

یارگیری در شرکت گلدکوئست متقلبانه است، که بر اساس قانون تشدید مجازات، ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری جرم محسوب می شود، و مجرمان علاوه بر رد اصل مال، به حبس و جزای نقدی معادل اصل مال محکوم می شوند.

وی در ادامه افزود:

در پرونده ای که در تهران مطرح است شرکت ملزم به پرداخت غرامت شد، اما نمایندگان شرکت به وعده خود عمل نکردند، و دادسرای تهران نیز با اخطار جدی نمایندگان شرکت را ملزم به پرداخت غرامت کرده، و تعدادی از شکات به حق قانونی خود رسیدند. (به نقل از شماره ۱۷۹۲ روزنامه جوان، که در تاریخ ۱۳۸۴/۴/۲۷ منتشر شده است).

خداوند متعال در آیه شریفه ۲۱۹ سوره بقره، که سخن از تحریم شراب و قمار به میان آمده، از قمار به «میسر» تعبیر کرده است. «میسر» از ماده «یسر» است، و این ماده هم به معنی سهل و آسان، و هم به معنی قماربازی می آید. و به نظر می رسد که معنی اولی همان سهل و آسان باشد، منتهی نظر به این که شخص قمارباز می خواهد به آسانی به مال و ثروتی نائل شود، از این رو به قمار میسر گفته می شود. (تفسیر نمونه، جلد ۲، صفحه ۷۳)

اگر بخواهیم تعریف جامعی برای قمار ارائه دهیم، باید بگوییم: قمار یعنی قربانی کردن مال و شرف برای به دست آوردن مال دیگران با خدعه و نیرنگ و تزویر، و احياناً به عنوان تفریح، و نرسیدن به هیچ کدام. (تفسیر نمونه، جلد ۲، صفحه ۷۹)

آیا هدف شرکت های مورد بحث جز بدست آوردن اموال مردم با فریب و نیرنگ چیز دیگری است؟

آیا بسیاری از مشتریان شرکت های مذکور در پی بدست آوردن اموال کلان از راهی سهل و آسان، هر چند به قیمت متضرر شدن انسان های فراوانی نیستند؟

آیا آلوده شدن به وام های ربوی برای عضویت در این قمار جهانی، قربانی کردن مال و شرف نیست؟

چنانچه عده ای محدود سعی و تلاش کنند تا به سودهای کلان بادآورده برسند، هر چند در این مسیر افراد بسیاری قربانی شوند و اموال خود را از دست بدهند، آیا چنین انسان هایی شرافت خود، و مالبختگان، دارایی خویش را، به قربانگاه نفرستاده اند؟!

بنابراین، شکی نیست که ماهیت حقیقی بازاریابی شبکه ای چیزی شبیه قمار جهانی است؛ هر چند صاحبان این قمارخانه ها سعی دارند آن را در پوشش هایی نظیر «معامله»، «هدیه»، «صلح»، «پورسانت» و مانند آن مخفی کنند، تا هر چه بیشتر موفق به غارت اموال مردم گردند.

۴- بخت آزمایی و لاتار (Loterie) همان بخت آزمایی است، که در زبان عربی «یانصیب» گفته می شود.

بی شک فعالیت مرموز اقتصادی شرکت های مورد بحث، شبیه بخت آزمایی نیز می باشد. همان چیزی که در زمان طاغوت و قبل از انقلاب مرسوم بود، و فقها آن را تحریم کردند، و اکنون در لباسی نو و تحت عنوان شرکت های خارجی و داخلی جلوه کرده است. البته بخت آزمایی، که در قرآن مجید از آن تعبیر به «ازلآم» شده، همچون شراب و قمار سابقه ای طولانی دارد، و قبل از اسلام نیز مردم آلوده آن بوده اند.

در آیه شریفه سوم سوره مائده، در مورد حرمت یازده چیز سخن به میان آمده، که یک مورد آن گوشت هایی است که در مسابقه بخت آزمایی نصیب برندگان می شد. توجه شما عزیزان را به آنچه در تفسیر این قسمت از آیه، در تفسیر نمونه، جلد ۴، صفحه ۲۶۰ آمده جلب می کنم:

«نوع دیگری از حیوانات که تحریم آن در آیه فوق آمده، حیواناتی است که به صورت «بخت آزمایی» ذبح و تقسیم می گردیده، و روش کار به این ترتیب بوده که مثلاً ده نفر با هم شرط بندی می کردند، و حیوانی را خریداری و ذبح نموده، سپس ده چوبه تیر که روی هفت عدد از آنها عنوان «برنده» و سه عدد عنوان «بازنده» ثبت شده بود، در کیسه مخصوصی می ریختند، و به صورت قرعه کشی آنها را به نام یک یک از آن ده نفر بیرون می آوردند، هفت چوبه برنده به نام هر کس می افتاد سهمی از گوشت بر می داشت، (هر کدام ۷۱) و پولی در برابر آن نمی پرداخت، ولی آن سه نفر که تیرهای بازنده را دریافت داشته بودند، باید هر کدام ۳۱ قیمت حیوان را بپردازند، بی آن که سهمی از گوشت داشته باشند، این چوبه های تیر را «ازلآم» جمع «زلم» (بر وزن قلم) می نامیدند. اسلام خوردن این گوشت ها را تحریم کرده (و آن را در ردیف خوردن خون و خوک و مردار و مانند آن قرار داد). البته نه به خاطر این که اصل گوشت حرام بوده باشد، بلکه به خاطر این که جنبه قمار و بخت آزمایی دارد. روشن است که تحریم قمار و مانند آن اختصاص به گوشت حیوانات ندارد، بلکه در هر چیزی انجام گیرد ممنوع است، و تمام زیان های فعالیت های حساب نشده اجتماعی، و برنامه های خرافی در آن جمع می باشد».

آیا آنچه در شرکت های مورد بحث انجام می شود تفاوتی با آنچه در بالا آمد دارد؟ نه تنها تفاوت ندارد، بلکه در بخت آزمایی های نو و جدید، قبح و زشتی کار بیشتر است. زیرا در مثالی که در تفسیر آیه شریفه مطرح شد، پول ۳۱ شرکت کنندگان نصیب ۳۲ دیگر می شود، در حالی که در شرکت های مورد بحث، پول ۱۰۹ شرکت کنندگان به جیب این مؤسسات کلاهبردار می ریزد، و ۱۰۱ آن نصیب بعضی از شرکت کنندگان دیگر می شود!

عوارض منفی اجتماعی و اقتصادی

بسیاری از قماربازان به علت این که گاه برنده می شوند، و در یک ساعت ممکن است میلیون ها تومان سرمایه دیگران را به جیب بزنند، حاضر نمی شوند تن به کارهای تولیدی و اقتصادی دهند، در نتیجه چرخ های تولید و اقتصاد به همان نسبت لنگ می شود. اگر درست دقت کنیم تمام قماربازان و عائله آنان سربار اجتماع هستند، و بدون این که کمترین سودی به اجتماع برسانند، از رنج آنها استفاده می کنند.

فراموش نمی‌کنم هنگامی که با یکی از دوستان، که در کسوت قضاوت مشغول به خدمت است، پیرامون شرکت های مرموز اقتصادی مورد بحث گفتگو می‌کردم، ایشان به همین مطلب اشاره کرد که: معلم فرزند من از اعضای همین شرکت هاست، و ظاهراً سرگروه شده، و پول کلانی به حسابش واریز گردیده است. نامبرده ضمن تبلیغ شرکت مذکور در بین دانش آموزان، به آنها اعلان کرده که دیگر حاضر نیست به تعلیم و تربیت ادامه دهد، و در کسوت معلمی باقی بماند؛ زیرا شغل جدید، چندین برابر معلمی درآمد بدون دردسر دارد!» علاوه بر آلوده شدگان به این فعالیت های ناسالم، اطرافیان آنها نیز روحیه کار و فعالیت و نشاط را از دست می‌دهند، زیرا پول های بادآورده آنها را نیز وسوسه می‌کند.

در گزارش محرمانه اداره کل اطلاعات یکی از استان ها، که فعالیت یکی از شرکت های مورد بحث در آن استان رواج زیادی گرفته بود، آمده است:

«جو ملتهدی در سطح شهر در خصوص این گونه خرید و فروش ها ایجاد شده، و باعث بی انگیزه شدن کارمندان زحمتکش بخش دولتی و خصوصی گردیده است. ضمن این که ادامه این روند و به دست آوردن پول بدون زحمت (بدون این که تولید و نفعی برای جامعه ایجاد کند) ضربات مهلکی بر اقتصاد جامعه وارد می‌نماید».

خلاصه این که زیان های ناشی از قمار و کارهای شبیه به قمار، به حدی است که حتی بسیاری از کشورهای غیر مسلمان قانوناً آن را ممنوع کرده اند، هر چند در عمل به آلوده آن هستند. مثلاً انگلستان در سال ۱۸۵۳، و شوروی در سال ۱۸۵۴، و آمریکا در سال ۱۸۵۵، و آلمان در سال ۱۸۷۳ قمار را ممنوع اعلام نمودند. (تفسیر نمونه، جلد ۲۰، صفحه ۷۸).

جالب این که مؤسسات زنجیره ای مورد بحث در کشورهای خود حق فعالیت ندارند (کیهان، مورخ ۸۳/۷/۲۷، در این زمینه نوشت: «فعالیت های اقتصادی از این قبیل، که در دنیا به فعالیت های هرمی و درختی معروف هستند، بیش از یک دهه است که در قطب های اقتصادی دنیا، از قبیل آمریکا، آلمان، انگلستان و فرانسه، به دلیل ضربات جبران ناپذیری که بر پیکره اقتصاد کشورها وارد می‌آورند، ممنوع اعلام شده است.»)، بدین جهت در سال های اخیر حتی یک مورد سؤال یا نامه یا ایمیلی از کشورهای اروپایی در مورد این نوع فعالیت ها دریافت نکرده ایم، در حالی که هر روز سؤالات گوناگونی در مورد موضوعات مختلف از کشورهای مذکور به دست ما می‌رسد.

جالب تر این که برخی از کشورهای اروپایی علاوه بر ممنوعیت فعالیت شرکت های مورد بحث در کشورهای خود، مردم را نیز به شدت از این کار بر حذر داشته و برای هر کس که تخلف نموده و عضو این شرکت ها شود، جریمه سنگینی، یعنی بیش از ۲۰/۰۰۰ دلار، در نظر گرفته اند. با توجه به توضیحات بالا، آیا هیچ انسان عاقلی باور می‌کند که این شرکت های اروپایی برای کمک به مردم مستضعف جهان سوم، و حذف واسطه ها و دلال ها، و ایجاد اشتغال و رفع بیکاری جوانان، و... با حرص و ولع هر چه تمام تر در حال فعالیت هستند؟!

خروج ارز و پیامدهای منفی آن

راستی هیچ فکر کرده اید که این دایه های مهربانتر از مادر چقدر ارز از کشور خارج می‌کنند، و این کار چه پیامدهای خطرناکی در پی دارد؟ باز هم به گزارش محرمانه اداره کل اطلاعات یکی از استان ها توجه کنید:

«تاکنون بیش از ۱۵۰ نفر از فعالین شرکت... که به سرگروهی رسیده اند شناسایی شده، و میزان افراد درگیر در این بازی، و مقدار ارز خروجی از کشور به شرح ذیل می‌باشد:

حداقل افراد درگیر $۱۰۹۳ \times ۱۵۰ = ۱۶۳۹۵۰$

حداکثر افراد درگیر $۳۲۸۰ \times ۱۵۰ = ۴۹۲۰۰۰$

حداقل ارز خارج شده $۴۰ \times ۱۶۳۹۵۰ = ۶/۵۳۵/۸۰۰$ دلار

حداکثر ارز خارج شده $۴۰ \times ۴۹۲۰۰۰ = ۱۹/۶۸۰/۰۰۰$ دلار

توضیح این که هر فرد که به سرگروهی برسد حداقل ۱۰۹۳، و حداکثر ۳۲۸۰ نفر را درگیر این بازی می‌کند. پیامدهای منفی خروج ارز، مخصوصاً هنگامی که معادل آن چیز با ارزشی وارد کشور نشود، بر هیچ انسان آگاه و مطلعی پوشیده نیست، به ویژه اگر این سرمایه کلان به جیب دشمنان در حال جنگ با اسلام و مسلمین واریز شود، (دکتر احمد سعیدی، کارشناس اقتصادی، با اشاره به فعالیت قمارگونه و کاذب شرکت های اینترنتی مشابه گلدکوئست، گفت: «منشأ و ماهیت و تفکر هدایت این شرکت ها صهیونیستی است؛ زیرا هیأت مدیره و عوامل اصلی آنها، سرمایه گذاران عمده در سرزمین های اشغالی فلسطین هستند، و نقش حمایتی از این رژیم را دنبال می‌کنند!») و صرف تهیه سلاح گردد. و طبعاً هر مقدار که مبلغ ارز خارج شده بالاتر رود، خطرات آن هم بیشتر می‌باشد.

مدیر اداره روابط عمومی بانک مرکزی در گفتگوی تلفنی خود با برنامه فقه و زندگی رادیو معارف اعلان کرد که بر اثر شدت فعالیت شرکت های مرموز اقتصادی مورد بحث در کشور آلبانی، و خروج ارز وی افزود: «باید با دادن هشدارهای لازم به مردم، آنان را از عواقب سرمایه گذاری در این شرکت ها آگاه ساخت» (روزنامه جمهوری اسلامی، مورخ ۱۳۸۳/۷/۲۶).

طبق گزارش روزنامه کیهان، مورخ ۸۳/۴/۲۳ معاون اول دادستان کل کشور نیز معتقد است که سر کیسه کردن کشورهای جهان سوم همواره راهکاری سرشار از سود برای صهیونیست ها بوده، و آنها که همواره در پی کسب منافع بیشتر برای خود هستند، همیشه سعی در به استضعاف کشاندن ملت های جهان سوم داشته اند.

بصورت گسترده، حکومت آن کشور سقوط کرد!

با توجه به آنچه گذشت، آیا تردیدی برای خوانندگان عزیز باقی می ماند که شرکت های مورد بحث کلاهبرداران بزرگی هستند که قمارخانه ای جهانی برای غارت اموال ملت ها تحت نام بازاریابی شبکه ای درست کرده اند؟

البته ادله اصلی حرمت این نوع فعالیت ها، همان پنج دلیل است. و مسأله خروج ارز تأییدی بر آن می باشد. لذا فعالیت شرکت های مشابه داخلی نیز بدون شک نامشروع و مضرّ به حال اجتماع و اقتصاد کشور است؛ هر چند مشکل خروج ارز نداشته باشند.

سؤال اول - مگر قرآن مجید هر نوع معامله ای را، که با تراضی و توافق طرفین صورت گیرد، طبق آیه شریفه (تِجَارَةٌ عَنْ تَرَاضٍ) امضا نکرده است؟ پس بر چه اساسی فتوی به حرمت چنین معاملاتی داده شده است؟

جواب : اصل سخن مذکور، که از قرآن مجید نقل شده، مطلب صحیحی است، و هیچ بحث و گفتگویی ندارد. اما ارتباطی بین آن، و بازاریابی شبکه ای نیست؛ زیرا در چنین فعالیت هایی اولاً: تجارت و داد و ستد حقیقی وجود ندارد، بلکه - همان گونه که گذشت - ماهیت واقعی این فعالیت ها چیزی شبیه قمار و کلاهبرداری و بخت آزمایی و اکل مال به باطل است، و اگر جنسی عرضه می شود سرپوشی برای کارهای نامشروع فوق است، نتیجه این که تجارت حقیقی صورت نمی گیرد. و ثانیاً: بر فرض که داد و ستدی وجود داشته باشد، تراضی وجود ندارد، زیرا کسانی که وارد این فعالیت های دروغین می شوند، به طمع دست یافتن به سود کلان راضی به خرید جنس به چند برابر قیمت واقعی می شوند، و اگر بدانند سودی عاید آنها نخواهد شد، و امکان دارد اصلاً جنسی به دست آنها نرسد، هرگز راضی به پرداخت پول نمی شوند، و نشانه آن مالباختگان فراوانی هستند که پس از یأس از دست یافتن به پورسانت، به قوه قضائیه شکایت کرده اند. (طبق آنچه در روزنامه ایران به تاریخ ۱۳۸۳/۹/۲۹ آمده، قدمی، بازپرس شعبه سوم دادسرای کارکنان دولت، در راستای رسیدگی به شکایت حدود ۳۰۰۰ نفر مالباخته از شرکت گلدکوئست، یک عضو مؤثر و فعال شرکت مذکور را، که به عنوان رابط در داخل کشور فعالیت می کرد شناسایی، و با قرار وثیقه ۳ میلیارد تومان به زندان معرفی کرد). خلاصه این که در واقع نه تجارتی وجود دارد، و نه رضایتی.

سؤال دوم - فقهای بزرگوار شیعه، پورسانت را طبق شرایطی اجازه داده اند. چرا در مورد بحث آن را مجاز نمی دانند؟

جواب : همان گونه که در پاسخ سؤال قبل گفته شد، مسأله پورسانت پوششی است برای این کلاهبرداری عظیم، و قصد جدی نسبت به آن وجود ندارد. بدین جهت عرف آگاه، که مجموعه این فعالیت ها را می بیند، آن را اکل مال به باطل توصیف می کند. به تحلیل جالبی که در مورد رؤیای پورسانت ها در یکی از روزنامه ها آمده، توجه کنید: «به سادگی می توان ثابت کرد که همواره بیش از ۸۷/۵ درصد اعضاء هیچ گاه موفق به دریافت پورسانت نمی شوند. به عبارتی، باید انتظار داشت که همواره فقط حدود ۱۰ درصد بتوانند پورسانت دریافت کنند، و بقیه باید منتظر رشد شبکه باشند. اگر کسی در جلسه عضوگیری و توجیه اعضای جدید، چنین سؤالی را مطرح کند که مثلاً: اگر همه نتوانند زیر شاخه هایشان را تکمیل کنند، و یا روزی به دلیل اشباع بازار اصلاً شاخه ها قدرت رشد نداشته باشند، چه اتفاقی برای سرمایه کسانی که پول داده و از شرکت خرید کرده اند، اما به مرحله پورسانت گیری نرسیده اند، می افتد؟ آنها پاسخ جالبی خواهند داد: «این افراد باید منتظر رشد جمعیت باشند. و چون طبق قانون عضویت افراد در گلدکوئست، هر فرد که به سیستم وارد می شود برای مدت ۹۹ سال، خود یا وارثانش به عضویت گلدکوئست در می آیند، بنابراین بالاخره یک روزی به پورسانت دست خواهند یافت!» یکی از افرادی که در مورد گلدکوئست تحقیقات مفصلی انجام داده، در این باره می گوید: «نرخ رشد جمعیت در ایران حدود ۲/۷ درصد است. بنابراین، پس از صفر شدن کشش بازار ایران، قطعاً عمر هیچ یک از افراد متضرر، به دریافت پورسانت و کسب ثروت افسانه ای وعده داده شده از سوی گلدکوئستی ها کفاف نخواهد کرد». (کیهان، مورخ ۸۳/۷/۲۷).

سؤال سوم - مگر نه این که هر گاه فروشنده و خریدار بر سر قیمت جنسی به توافق برسند، و حکومت اسلامی برای آن کالا نرخ خاصی تصویب نکرده باشد، چنان معامله ای صحیح است، هر چند قیمت آن خارج از متعارف باشد. پس چرا در معامله با شرکت های مورد بحث، که جنس را به چند برابر قیمت واقعی می فروشند، اشکال می کنید؟

جواب : آنچه شرکت های مزبور برای رسیدن به مقصود خود انتخاب کرده اند در واقع پوششی است برای سوء استفاده از اموال مردم؛ نه این که یک معامله حقیقی هر چند به چند برابر قیمت در کار باشد. و لذا اگر مشتریان از ابتداء بدانند که نمی توانند قیمت اضافی را از طریق جذب مشتری جدید جبران کنند، هرگز راضی به چنین معامله ای نمی شوند. و بدین جهت رده های آخر، که از پول آنها به رده های اول داده می شود، و قادر بر جبران خسارت بزرگ خود نمی شوند، راضی به اصل معامله نیستند، و لذا سیل عظیم مالباختگان پس از ناامید شدن از جبران خسارات خود، به قوه قضائیه متوسل شده، (مدیر کل جرائم خاص و رایانه ای نیروی انتظامی، طبق گزارش روزنامه جمهوری اسلامی مورخ ۱۳۸۳/۷/۱۶ گفت: نیروی انتظامی در بهمن ۸۱ و بر اساس شکایتی در اصفهان از فعالیت شرکت های غیر قانونی اینترنتی در کشور مطلع شد، که با روش شبکه ای اقدام به فروش الماس و سکه طلا می کردند. سرهنگ امیدی در ادامه افزود: پس از احراز غیر قانونی بودن فعالیت این شرکت ها تمام واحدهای آگاهی در سراسر کشور برای برخورد با این

پدیده، فعال شدند، و با ۱۰ هزار شکایت مردمی، و همچنین تحقیق از ۱۰ هزار نفر، شبکه فعالیت این شرکت ها در بیشتر شهرها شناسایی شد. و عده ای از آنها توانسته اند پول خود را بازپس گیرند. (سخنگوی قوه قضائیه، در خصوص پرداخت خسارت شرکت گلدکوئست به شاکیان پرونده، گفت: «تاکنون هزاران نفر از افراد توانسته اند به حق خود دست یابند». مطابق گزارش روزنامه ابرار، مورخ ۱۳۸۳/۸/۱۷، مدیر روابط عمومی دادسرای عمومی انقلاب تهران، که مسئول رسیدگی به پرونده شرکت گلدکوئست است، در گفت و گو با «ایلنا» گفت: «با پیگیری ها و رایزنی هایی که دستگاه قضایی با شرکت مزبور کرده، هزار و پانصد کیلو از مجموعه سکه ها و محصولات آن شرکت، جهت جبران خسارات وارده، و رضایت شاکیان پرونده وارد گمرگ شده است». بنابراین، مالباختگان باید شکایت خود را تسلیم قوه قضائیه کنند، تا در لیست افرادی که برای جبران خسارت آنها اقدام می شود، قرار گیرند». (آشتی، مورخ ۱۳۸۴/۱/۱۷))

سؤال چهارم - هر چند اجناس شرکت های مذکور به چند برابر قیمت واقعی عرضه می شود، ولی طبق گفته مسئولین آن شرکت ها، با توجه به محدود بودن این اجناس، آنها در آینده جنبه کلکسیونی به خود می گیرند، و قیمت آن به خاطر نقش یا عکسی که بر آن است، افزایش می یابد. آیا این مطلب، مشکل شرعی فعالیت آنان را برطرف نمی سازد؟

جواب: داستان کلکسیون هم یکی از دروغ های بزرگ آنهاست. شاهد این مدعا سخن مسئول پیگیری پرونده گلدکوئست در قوه قضائیه است. وی تصریح کرد: «شرکت مذکور وعده داده بود که ۹۹۹۹ سکه در بازار عرضه کند، اما تقاضای مجوز ۳۰ هزار سکه دیگر نیز کرده است! بنابراین، سکه ها ارزش کلکسیونی نیز ندارد. همچنین قسمتی از اجناسی که این شرکت عرضه نموده تقلبی بود. و بجای زنجیر طلا، زنجیرهای نقره ای با روکش طلا عرضه می کرد!» (روزنامه جمهوری اسلامی، تاریخ ۱۳۸۳/۷/۶؛ در شماره دیگر همین روزنامه، یعنی مورخ ۱۳۸۳/۱۲/۱۷، مجدداً به تقلبی بودن بعضی از اجناس گلدکوئست اشاره شده است.)

بنابراین داستان کلکسیونی بودن سکه ها، که یک امر غیر واقعی است، مشکل را حل نمی کند. خلاصه این که، اولاً: تعداد سکه های به اصطلاح کلکسیونی، همانطور که گذشت محدود نیست. ثانیاً: بر فرض که از نظر تعداد یک نوع محدود باشد، اما با توجه به تنوع سکه ها، بسیار فراوان است، و کدام کلکسیونر حاضر می شود روی یک مجموعه فراوان از سکه سرمایه گذاری کند؟ ثالثاً: خریداران چندانی برای سکه ها یافت نمی شود، گزارشگر روزنامه شرق، که به همین منظور جستجوی گسترده ای در بازار طلافروشان و عتیقه فروشان تهران کرده، می نویسد: «در میان خریداران و فروشندگان سکه های طلایی، گلدکوئست و سکه هایش جایی ندارد! از میان فروشندگان سکه تنها یک طلافروش حاضر بود سکه را بخرد، و از وزن آن پرسید. او سکه را به وزن طلایش می خرید، و کاری با ارزش کلکسیونی آن نداشت! رابعاً: اگر فرض را بر پنهان ماندن برخی از خریداران چنین سکه هایی، بنابر عللی بگذاریم، و خوشبینانه معتقد باشیم که ده خریدار پیدا خواهد شد، و آنها خریداران واقعی باشند (نه مأموران شرکت گلدکوئست که برای بازار گرمی اقدام به خرید می کنند) اما با توجه به این که در ایران چهارصد هزار نفر چنین سکه هایی را خریده اند، آیا آن ده نفر می توانند همه آن ۴۰۰ هزار سکه را بخرند؟ مخصوصاً که فعالیت شرکت مذکور ممنوع شده، و قوه قضائیه با اعضای آن برخورد قانونی می کند؟ شرح بیشتر افسانه کلکسیونی را، در روزنامه شرق، مورخ ۲۱ تیر ۱۳۸۴ مطالعه فرمایید.

سؤال پنجم - با توجه به این که اجناس این شرکت ها گارانتی (نوعی ضمانت) دارد، بر فرض که اعضاء موفق به یافتن مشتری جدید نشوند، از حق گارانتی استفاده کرده و معامله را فسخ نموده، و پول خود را می گیرند، آیا این مطلب مشکل شرعی را برطرف نمی کند؟

جواب: گارانتی اجناس اگر در کشور خودمان، و در دسترس مشتریان بود کارساز بود، ولی گارانتی آن در مکان های غیر قابل دسترسی مثل کشور سومالی است (همان گونه که در فصل هفتم، در داستان سوء استفاده از تصویر امام راحل (قدس سره) به این مطلب اشاره خواهد شد)، و لابد گارانتی مشتریان سومالیایی هم در کشور غیر قابل دسترس دیگری است! و لهذا مالباخته های داخل کشور، که به هیچ وجه نتوانستند به پول از دست رفته خود برسند، متوسل به قوه قضائیه شده، و از آنها تقاضای کمک کرده اند. (نمونه هایی از شکایات مردم، و تعداد فراوان شاکیان، در پاورقی مربوط به پاسخ سؤال دوم گذشت، و در مباحث آینده هم به آن اشاره می شود). بنابراین، خود مسأله گارانتی به شکل فوق، دلیل دیگری بر ناسالم بودن فعالیت آنها، و نشانه روشنی بر این کلاهبرداری بزرگ است.

سؤال ششم - بعضی از این شرکت ها مدعی هستند اجناس خود را به قیمت واقعی عرضه می کنند، عضویت در چنین شرکت هایی چه حکمی دارد؟

جواب: آنها در ادعای خود صادق نیستند، زیرا این همه پولی که به سر گروه ها می پردازند از کجا به دست می آورند؟ آیا کارهای تولیدی، خدماتی، کشاورزی و مانند آن دارند؟ یا این ادعا، از جمله دروغ هایی است که برای جلب اعتماد مشتریان متوسل به آن می شوند؟ به یقین کاری جز همین عمل ندارند، و تمام شگردها در همین کار است. حقیقت آن است که ماهیت تمام این شرکت ها در دو چیز خلاصه می شود:

الف) کالا یا خدماتی به دو یا چند برابر قیمت حقیقی فروخته می شود. (قیمت واقعی سکه ها در سروش جوان، شماره ۲۳، ۴۰۰ دلار، و مبلغ پرداختی توسط مشتری ۸۶۰ دلار بیان شده، و در نشریه آسیا، به تاریخ ۸۱/۱۱/۶ قیمت واقعی ۳۰۰ هزار تومان، و مبلغ پرداختی ۸۰۰ هزار تومان عنوان شده است.)
ب) سپس فعالیت زنجیره ای و هرمی مشتریان، با جذب مشتریان جدید از طریق بازاریابی شبکه ای ادامه پیدا می کند. که هر دو امر برنامه شرکت را به سوی مسیرهای انحرافی می کشاند.

سؤال هفتم - اگر بازاریابی شبکه ای شرعاً جایز نیست، چرا مجلس شورای اسلامی قانون تجارت الکترونیک را تصویب کرد؟ آیا این فتوا به معنی خداحافظی با هر گونه داد و ستد و مبادله و تجارت از طریق اینترنت و مانند آن نیست؟

جواب : قانون تجارت الکترونیک، که به تصویب نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی رسیده، کلیات تجارت الکترونیکی و شرایط و قیود آن را بیان می کند، و هیچ ربطی به بازاریابی شبکه ای امثال گلدکوئست ندارد! اگر فقهی کلیات قانون تجارت و داد و ستد را بپذیرد، سپس تجارت های خاصی همچون تجارت مواد مخدر، دخانیات، مشروبات الکلی، سلاح های کشتار جمعی، آلات مخصوص موسیقی حرام، ابزار قمار، و مانند آن را به عنوان استثنائاتی ممنوع کند، آیا دچار اشتباه و تناقض شده است؟
علاوه بر این که مجلس شورای اسلامی اخیراً (در تاریخ ۱۳۸۴/۵/۴) فوریت طرح ممنوعیت بازاریابی شبکه ای را از تصویب نمایندگان گذراند. شرح این مطلب را در روزنامه رسالت به تاریخ ۸۴/۳/۴، و روزنامه های اطلاعات، همشهری، قدس و خراسان که در ۸۴/۳/۵ منتشر شده، مطالعه فرمایید.

سؤال هشتم - با توجه به مذمت بیکاری و تن پروری در اسلام، و عدم اشتغال تعداد زیادی از جوانان، و هزینه های سنگین زندگی در عصر و زمان ما، چرا از عضویت جوانان در این گونه فعالیت های اشتغال زا، که باعث به حرکت درآمدن چرخه زندگی مشتریان آن می شود، ممانعت می کنید؟

جواب : درست است که بیکاری برای کسانی که قادر بر کار و فعالیت هستند مذموم و ناپسند است، ولی اشتغال به کارهای حرام و ناشایست، از آن مذموم تر است.

از دیدگاه اسلام هدف وسیله را توجیه نمی کند؛ یعنی برای رسیدن به هدف مقدس، نمی توان از مقدمات نامقدس سود جست، بلکه باید با وسائلی مقدس، به هدف مقدس نائل شد. بنابراین، عدم اشتغال جوانان مجوز آلوده شدن به فعالیت های مرموز مذکور، که شبیه قمار و بخت آزمایی و اکل مال به باطل و کلاهبرداری است، نمی شود. به تعبیر روشن تر، این کار نیست؛ بلکه یک نوع بیکاری خطرناک است. علاوه بر این، فعالیت های مورد بحث، هر چند ممکن است برای گروهی به صورت کاذب اشتغال زا باشد، ولی در مجموع پیام آور یأس و ناامیدی از فعالیت های سالم در جامعه خواهد شد، و مردم با وسوسه رسیدن به ثروت های بادآورده، از فعالیت های سالم دست می کشند، و این ضربه بزرگی بر جامعه و اقتصاد وارد می کند. شرح بیشتر این مطلب به خواست خدا در مباحث آینده خواهد آمد.

سؤال نهم - با توجه به این که مسأله بازاریابی در شرکت های خصوصی و دولتی و مراکز خدماتی و تولیدی، در کشور ما امر رایج و قانونی و شرعی است، چرا بازاریابی شبکه ای، که همانند سایر بازاریابی هاست، نامشروع قلمداد شده است؟

جواب : اولاً : بازاریابی های مرسوم و متداول در کشور، از نوع بازاریابی شبکه ای نیست؛ بلکه بازاریابها برای کالا یا خدمات مورد نظر، مشتری یا مشتریانی پیدا می کنند، و درصدی از سود حاصل طبق توافق قبلی به بازاریاب داده می شود، و پس از آن سودی پرداخت نمی گردد. یا بازاریاب همچون کارمندی است که حقوق ماهیانه دارد، و جذب مشتری و عدم جذب آن، و همچنین تعداد مشتریان جذب شده، تأثیری در حقوقش ندارد. در حالی که در بازاریابی شبکه ای چنین نیست، و به هر مقدار که مشتری جذب شود (البته با شرایط خاصی) چه با واسطه باشد یا بدون واسطه، پورسانت پرداخت می گردد.

ثانیاً : اگر بازاریاب های داخلی نیز به شکل بازاریابی شبکه ای فعالیت نمایند فتوای تحریم شامل آنها هم می شود، همانگونه که بسیاری از شرکت های داخلی، که همانند شرکت های خارجی به شکل بازاریابی شبکه ای فعالیت داشتند، تعطیل شدند.

سؤال دهم - چرا مراجع محترم تقلید نسبت به چنین مسائلی دیر اظهار نظر می کنند؟ گاه زمانی فتوی می دهند که کار از کار گذشته، و مردم آلوده شده اند، چرا؟

جواب: حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی (مد ظله) در پاسخ این سؤال فرمودند:

«ما سالهاست که در مورد فعالیت مرموز و خطرناک این نوع شرکت ها به صورت کتبی و شفاهی فتوی داده ایم؛ تا آنجا که گاه قسمت عمده ای از جلسات استفتاء را به خود اختصاص داده است. (در برخی از روزها ۱۰ الی ۱۲ درصد استفتانات کتبی که از طریق اینترنت، فاکس، پست و نامه های حضوری، به دست ما می رسد، مربوط به همین موضوع است.) و این فتوی از طرق مختلف، از جمله سایت اینترنتی ما، جلد اول (برای اولین بار حدود ده سال قبل نمونه ای از فعالیت این شرکت ها در اتریش به دست ما رسید، که در جلد اول کتاب استفتانات جدید، صفحه ۱۵۰، آمده و سؤال و جواب مذکور در فصل اول گذشت.) و دوم و سوم کتاب استفتانات جدید و برخی روزنامه های پرتیراژ (از جمله می توان به انتشار این فتوی در روزنامه خراسان به تاریخ ۲۸ فروردین و پنجم خرداد ۱۳۸۴، روزنامه کیهان به تاریخ ۱۳۸۳/۳/۷ و روزنامه قدس به تاریخ ۷۹/۱۰/۲۴ اشاره کرد.) و حتی چندین بار از صدا و سیما جمهوری اسلامی به اطلاع مردم رسیده است. (نظرات دیگر مراجع عظام نیز در جراید منتشر شده است، که به عنوان مثال می توان به انتشار نظر دو تن از مراجع تقلید در روزنامه قدس به تاریخ ۱۸ دی ماه ۱۳۷۹، و فتوای یکی دیگر از مراجع عظام در روزنامه اطلاعات و جمهوری اسلامی به تاریخ ۱۳۸۴/۲/۷، و روزنامه خراسان به تاریخ ۱۳۸۴/۳/۵، و تحت عنوان جمعی از مراجع تقلید در روزنامه قدس به تاریخ ۱۳۷۹/۱۰/۲۴، و روزنامه جمهوری اسلامی به تاریخ ۷/۲۶ و ۱۳۸۳/۱۲/۱۷، و روزنامه رسالت به تاریخ ۱۳۸۴/۳/۴، و نقل فتوای چهار تن از مراجع عالیقدر در روزنامه کیهان مورخ ۱۳۸۳/۶/۲۹ و ۱۳۸۴/۴/۲۴ اشاره کرد.)

سؤال یازدهم - بسیاری از شرکت های مورد بحث مدعی هستند بخشی از درآمدها را صرف مؤسسات خیریه و افراد نیازمند می کنند. آیا این کار باعث جواز فعالیت آنها نمی شود؟

جواب: این سؤال ما را به یاد دزدی انداخت که به سرقت اموال مردم می پرداخت، و سپس اموال مسروقه را به نیازمندان می داد! هنگامی که از او پرسیدند: چرا این کار را می کنی؟ در پاسخ گفت: طبق آیه ۱۶۰ سوره انعام، هر گناه و معصیتی فقط یک مجازات دارد، ولی برای هر کار خیر و حسنه ای ۱۰ برابر پاداش داده می شود. بنابراین، خداوند بخاطر سرقت، یک مجازات، و بخاطر صدقه و احسان به فقرا ده ثواب می دهد، که اگر این دو را از هم کسر کنیم، نه تنها مجازات نمی شوم، بلکه نه پاداش هم می گیرم!

به نظر شما آیا منطق این سارق درست بوده است؟ قطعاً پاسخ شما منفی است؛ زیرا خداوند به کار خیر ده برابر پاداش می دهد، و روشن است که احسان از مال دزدی کار خیر نیست، تا استحقاق پاداش داشته باشد. کمک های شرکت های مورد بحث به مؤسسات خیریه (اگر واقعاً حقیقت داشته باشد) شبیه کار این سارق است. زیرا این شرکت ها اموال کلانی از طرق نامشروع از مردم می گیرند، و قسمت ناچیزی از آن را به مؤسسات خیریه می دهند. این عمل هرگز باعث مشروعیت کار آنها نمی شود.

در سابق نیز مؤسسات بخت آزمایی درصد قابل توجهی از درآمد خود را به مؤسسات خیریه می دادند، در عین حال مراجع دینی آن را تحریم کردند.

سؤال دوازدهم - اگر فعالیت شرکت های مورد بحث اشکال شرعی و قانونی دارد، و برای اقتصاد کشور پیامدهای منفی به دنبال خواهد داشت، چرا سازمان ها و نهادهای مربوطه با این کار مخالفت نکرده، بلکه گفته می شود با آنها همکاری دارند؟

جواب: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران بارها از رسانه های مختلف مردم را از آلوده شدن به این نوع فعالیت ها برحذر داشته، که نمونه هایی از هشدارهای این بانک در فصل دهم آمده است. (هیأت دولت در تاریخ ۱۳۸۱/۵/۱۲ فعالیت این شرکت ها را غیر قانونی اعلان نمود، و بانک مرکزی را موظف کرد هیچ گونه خدماتی به این شرکت ها عرضه نکند. بخشنامه مذکور در بخش اسناد آمده است. بانک مرکزی قبل از بخشنامه مذکور و پس از آن، به طور مکرر و گسترده مردم را از عضویت در چنین شرکت هایی برحذر داشت. که از جمله می توان به درج اطلاعیه بانک مرکزی در روزنامه «جهان اقتصاد» به تاریخ ۱۳۸۱/۸/۹، و روزنامه های «جام جم»، «خراسان»، «قدس»، «سیاست روز»، «ابرار»، «کار و کارگر»، «خبر»، «همشهری»، «آشتی»، «انتخاب»، «صدای عدالت» و «هم بستگی» مورخ ۱۳۸۲/۱۰/۴ اشاره کرد. تصویر اطلاعیه بانک مذکور و بخشنامه ای که به بانک ها ارسال کرده، در بخش اسناد خواهد آمد.)

مجلس شورای اسلامی نیز در تاریخ ۱۳۸۴/۳/۴ یک فوریت ممنوعیت بازاریابی شبکه ای و هرمی را به تصویب رسانده، و ان شاءالله در آینده نزدیک قانون جامع و کاملی را به تصویب نهایی خواهد رساند.

قوه قضائیه و نیروی انتظامی در شهرها و استان های مختلف، و در پی شکایت مالباختگان دست به کار شده، و در مقاطع مختلف، اقدامات متعددی کرده، و اکنون نیز در حال پیگیری می باشند.

بخشی از فعالیت های قوه قضائیه و نیروی انتظامی، در مبارزه با شرکت های مورد بحث به شرح زیر است:

(الف) اعلان غیر قانونی بودن فعالیت آنان از رسانه های همگانی. (ب) بستن سایت اینترنتی آنان. (ج) تشکیل پرونده شکایت مالباختگان. (د) هشدار به مردم که مبدا اسیر دام آنها شوند. (ه) الزام شرکت های مذکور به جبران خسارت مالباختگان. (و) کشف و ضبط مرسوله های غیر

قانونی آنان. ز) توزیع کالاهای کشف شده در بین مالباختگان. ح) دستگیری تعدادی از سر شاخه ها. ط) تعقیب متهمان خارج از کشور با همکاری پلیس بین الملل (اینترپل). شرح فعالیت های مذکور را در روزنامه «آشتی» مورخ ۸۴/۱/۱۷ و «ابرار» مورخ ۶ و ۸۳/۸/۱۷، و ۸۳/۹/۲۵ و «اطلاعات» مورخ ۸۳/۸/۲۱ و ۸۴/۲/۲۸ و «ایران» مورخ ۸۳/۷/۲ و ۸۳/۸/۳ و ۲ و ۸۳/۹/۲۹ و ۸۴/۳/۲ و «توسعه» مورخ ۸۳/۹/۱۰ و «خراسان» مورخ ۷۹/۱۰/۲۰ و «جوان» مورخ ۸۴/۴/۲۷ و «جمهوری اسلامی» مورخ ۱۶ و ۸۳/۷/۲۶ و ۸۳/۱۲/۱۷ و «رسالت» مورخ ۸۳/۸/۱۰ و «قدس» مورخ ۱۹ و ۷۹/۱۰/۲۴ و ۸۲/۲/۲۵ و ۸۴/۳/۵ و «کیهان» مورخ ۸۳/۷/۲ و ۸۳/۴/۲۵ و ۸۳/۷/۲۸ و ۵ و ۷ و ۹ و ۸۴/۳/۱۶ و «همشهری» مورخ ۸۳/۷/۲۷ مطالعه فرمایید.

اداره اطلاعات استان های مختلف نیز در این مبارزه سهم بسزایی داشته اند، که نمونه هایی از آن در مباحث قبل گذشت؛ بنابراین نهادهای مربوطه هر کدام در حوزه مسئولیت خود اقدام کرده اند. هر چند باید اعتراف کرد که این کار را دیر انجام داده اند.

فصل هفتم: سوء استفاده ها، شگردها و خلاف گویی ها

شرکت های زنجیره ای فوق در آغاز، که با مانعی روبه رو نبودند، مطالب خود را با صراحت عنوان می کردند؛ ولی هنگامی که با فتاوی تحریم روبه رو شدند، برای دور زدن این فتاوا متوسل به سوء استفاده ها و شگردها و دروغ های فراوانی شدند، که به نمونه هایی از آن اشاره می شود:

الف) سوء استفاده ها

شرکت های کلاهبردار مورد بحث، برای رسیدن به پول بیشتر از امور مختلف سوء استفاده کرده اند، که تنها به چهار نمونه آن اشاره می کنیم:

۱- سوء استفاده از تصویر امام راحل(قدس سره)

«ضرب سکه ای با تصویر امام خمینی(قدس سره) توسط مؤسسه و ضرابخانه «بی اچ مایر» در سال گذشته، و قرار گرفتن این سکه در فهرست کالاهای گلدکوئست ترفندی برای جذب پتانسیل بالقوه در ایران است. بازاریاب ها و میلغان گلدکوئست، ضرب چنین سکه ای را دلیلی برای توجیه این طرح در کشورمان اعلام می کنند. آنها با نشان دادن یک کپی از مجوز مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، که برای ضرابخانه آلمانی صادر شده، مدعی هستند فعالیت گلدکوئست در ایران تأیید شده، و هیچ منع قانونی ندارد.

یکی از کارشناسان مؤسسه تنظیم و نشر معتقد است که این افراد در واقع تنها بخشی از حقیقت، که مطابق میلشان است، را به متقاضیان خرید از گلدکوئست می گویند. اصل این ماجرا را قائم مقام هنری مؤسسه تنظیم و نشر آثار چنین تعریف می کند:

«مجوز ضرب سکه با تصویر حضرت امام(قدس سره) برای مؤسسه «بی اچ مایر» در آلمان صادر شده است، که بیش از ۱۳۰ سال در تولید مسکوکات و مدال های یادبود سابقه دارد. در واقع پس از تقاضای آنها برای ضرب سکه ای با تصویر حضرت امام(قدس سره) به منظور ارائه به کلکسیون داران دنیا، و بعد از این که وزارت امور خارجه هویت چنین مؤسسه ای را تأیید کرد، ما بر اساس ضوابط فرهنگی خودمان عمل کردیم، و به آنها گفتیم که آنچه بر روی سکه حک می شود، و در معرفی این سکه بیان می گردد، باید دقیقاً منطبق با خواست و نظر ما باشد. همین اتفاق هم افتاد». (و این مؤسسه هیچ ارتباطی با گلدکوئست و مانند آن نداشت).

وی می افزاید: «با توجه به اهمیت بُعد الهی و معنوی شخصیت حضرت امام(قدس سره) تصویری از ایشان را انتخاب کردیم، که در حال قنوت هستند. جمله «عالم محضر خداست» که یکی از فرمایشات معروف ایشان است نیز در قسمت بالای سکه حک شد. در قسمت پایین هم عبارت «امام خمینی بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران» حک شده است. پشت سکه مشخصات «بانک مرکزی سومالی ریپابلیک» درج شده، که در واقع ارزش این سکه را پشتیبانی می کند».

تا این جای ماجرا همه چیز بدون اشکال، و قانونی به نظر می رسد؛ اما این فقط یک روی سکه است. روی دیگر سکه حقیقتی دیگر نهفته است، گلدکوئستی ها از این سکه سوء استفاده کرده اند. آنها بدون بیان اهداف مؤسسه تنظیم و نشر آثار، و بدون هیچ اشاره ای به موارد مندرج در مجوز صادر شده از سوی این مؤسسه، که فقط بر بُعد فرهنگی چنین اقدامی تأکید شده، از بازاریاب ها می خواهند تا این مجوز را دلیل قانونی بودن فعالیت شان در ایران بیان کنند. اخبار شنیده شده حکایت از آن دارد که پی گیری و بررسی این موضوع هم در دستور کار مسئولان قضایی قرار گرفته است». (کیهان، مورخ ۱۳۸۳/۷/۳۰).

مدیر روابط عمومی دادسرای انقلاب تهران، در مورد شایعه ارائه مجوز از سوی دفتر حفظ و نشر آثار و ارزش های حضرت امام(قدس سره) به شرکت گلدکوئست، پیرامون ضرب سکه امام در برخی محصولات این شرکت، گفت:

«این مؤسسه تاکنون هیچ مجوزی جهت این کار صادر ننموده، و حتی اعتراض نیز کرده است».

وی در ادامه اظهار داشت: «شرکت گلدکوئست تاکنون سه بار از دفتر حفظ نشر آثار تقاضای مجوز کرده، که هر سه بار با مخالفت این دفتر مواجه شده است. وی خاطر نشان کرد: شرکت مزبور در سایت خود مدعی شده که دارای مجوز جهت ضرب سکه حضرت امام بر برخی از محصولات خود از سوی دفتر نشر آثار است، که حتی مسئول این دفتر به عنوان شاکی و به علت این که از مهر ایشان سوء استفاده شده، از این شرکت اعلام شکایت کرده است. وی اتهام شرکت گلدکوئست را اختلال در نظام اقتصادی کشور عنوان کرد». (ابرار، مورخ ۱۳۸۳/۸/۶).

«گلدکوئستی ها دست از تقلب بر نمی دارند. ما امروز با مدارکی که در دست داریم، می توانیم اعلام کنیم که همه مراجع عالیقدر تقلید، درآمد عاید از گلدکوئست را حرام اعلام کرده اند. اما گلدکوئستی هنوز هم از ساده لوحی افراد بسیاری سوء استفاده کرده، و مدعی می شوند که بعضی از مراجع عالی قدر کسب این درآمدها را مجاز دانسته اند. یکی از مخاطبان روزنامه در نامه ای به ما نوشته است: «در جلسه عضوگیری گلدکوئست، راهنما (لیدر) با نشان دادن استفتایی از آیه الله العظمی مکارم شیرازی (مد ظله) مدعی بود که ایشان درآمد عاید از گلدکوئست را بدون اشکال دانسته است! (استفتاء جعلی مذکور، و تکذیب آن در بخش اسناد آمده است). از آن جا که مهر ایشان را می شناختم، برگه استفتاء و امضای ایشان را به دقت بررسی کردم. در ابتدا همه چیز به نظرم درست آمد، اما به وسیله دوستی خبردار شدم که فتوای صریح ایشان قبلاً در روزنامه کیهان چاپ شده است. به همین بهانه به دفتر آن مرجع عالی قدر در قم رفتم، و یک کپی از آن استفتاء را نشان دادم. همان جا دریافتم که عوامل گلدکوئست برای سوء استفاده از باورهای مذهبی مردم، به جعل مهر و امضای این مرجع عالی قدر و بزرگ اقدام کرده اند.»

مهر و امضای مراجع دیگری نیز توسط گلدکوئستی ها جعل شده است. آنها به دروغ اعلام می کنند که هیچ منع شرعی برای فعالیتشان وجود ندارد. انگیزه گلدکوئستی ها از این دروغگویی بزرگ قابل درک است، اما چرا افرادی که قصد عضویت و سرمایه گذاری در این گونه شبکه ها را دارند، زحمت یک تماس تلفنی با دفتر آیات عظام و مراجع عالی قدر را به خود نمی دهند، تا از صحت و سقم ادعای بازاریاب های شرکت های مورد بحث آگاه شوند؟» (کیهان، مورخ ۱۳۸۳/۷/۳۰).

شاید این کار به دلیل این بود که معظم له بیش از همه روی تحریم این مؤسسات پافشاری داشت. (به عنوان نمونه می توان به انتقاد معظم له از عدم برخورد جدی مسئولین با فعالیت های ناسالم مذکور، در روزنامه خراسان به تاریخ ۱۳۸۴/۱/۲۱ اشاره کرد).

به علاوه، فعالیت گلدکوئست ابتدا از استان فارس شروع شد (کیهان، مورخ ۱۳۸۳/۷/۲۹ و ۱۳۸۳/۴/۲۴)، و چون مقلدان معظم له در این استان زیاد بودند، خواستند از نام ایشان سوء استفاده کنند.

۳- تفسیر غلط از فتاوای برخی از مراجع تقلید

روزی پس از پایان جلسه استفتاء حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی (مد ظله)، به سمت مدرسه امام حسین (علیه السلام) حرکت کردم. در بین راه اطلاعیه یکی از شرکت های داخلی، که به بازاریابی شبکه ای پرداخته بود، توجه مرا جلب کرد. به عنوان نهی از منکر به مغازه ای که فرم شرکت مذکور را در معرض فروش قرار داده بود، رفتم. پس از سلام و عرض ادب و با زبان خوش توأم با ادب و احترام عرض کردم: فعالیت شرکت مذکور، و شرکت های مشابه داخلی و خارجی شرعاً و قانوناً حرام است، و از نظر قضایی پیگرد قانونی دارد. (معاون اول دادستان کل کشور، در این زمینه سخن جالبی گفته است. وی می گوید: «افراد مذهبی که پایبند به موازین شرع هستند باید بدانند که این عمل، عملی نامشروع است. و آنها که پایبندی چندانی به مبانی دینی ندارند هم باید آگاه باشند که منافع ملی کشور از این طریق ضربه می خورد. مردم باید بیدار باشند، و با عرق ملی خویش همواره پاسدار سرزمین و سرمایه های خود باشند.» (کیهان، مورخ ۸۳/۴/۲۳).

مغازه دار، که جوان خوش برخوردی بود، گفت: «ما از برخی از مراجع تقلید استفتایی در دست داریم که این کار را اجازه داده اند!» پرسیدم: کدام یک از مراجع عالی قدر تقلید اجازه داده اند؟ گفت: یکی از آنان حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی (مد ظله) است!

با تعجب نمونه ای از استفتاء مورد بحث را طلب کردم. ایشان یک نسخه از آن را در اختیار من گذاشت. وقتی آن را مطالعه کردم، متوجه شدم که استفتاء مورد اشاره، یکی دیگر از سوء استفاده های بازاریاب های شرکت های مرموز مورد بحث است، و هیچ ربطی به فعالیت بازاریابی های شبکه ای ندارد. استفتاء مورد نظر را عیناً نقل نموده، و قضاوت پیرامون آن را به عهده شما خوانندگان محترم می گذاریم:

بسمه تعالی

دفتر حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی (مد ظله)

با اهداء سلام و احترام

اگر کسی مالی را به کسی ببخشد، به شرط آن که دریافت کننده بخشش به عوض آن چیزی پرداخت کند، و یا کاری انجام دهد. (لطفاً بفرمایید:)

(الف) آیا می توان نام آن را هبه یا بخشش گذاشت؟

جواب : این کار هبه معوضه نام دارد.

ب) در صورتی که دریافت کننده بخشش، عوض آن را نپردازد، و به شرط خود عمل ننماید، آیا مال بخشیده شده قابل برگشت به بخشش کننده است؟

جواب : چنانچه موهوب له به شرط عمل نکند، واهب حق بازگشت در هبه را دارد. (تصویر استفتاء مذکور در بخش اسناد آمده است).

۴- نقل گزینشی فتوای امام راحل (قدس سره)

در یکی از نامه های اعتراض آمیز به فتوای تحریم بازاریابی شبکه ای، نویسنده نامه به مسأله ۲۸۷۰ رساله امام خمینی (قدس سره) استدلال کرده بود، تا فعالیت های مورد بحث را مجاز بشمارد. مسأله مورد اشاره، طبق آنچه ایشان نوشته بود، به شرح زیر است:

«اگر فرضاً یک شرکت یا مؤسسه پیدا شود، و برای اعانت به مؤسسات خیریه از قبیل بیمارستان یا مدارس اسلامی بلیط هایی منتشر کند، و مردم برای اعانت این مؤسسات مبلغی بدهند، و آن شرکت از مال خودش یا وجوهی که از انتشار بلیط به دست می آید با اجازه تمام پول دهندگان مبلغی به اشخاصی که قرعه به نام آنها بیرون می آید بدهد، مانع ندارد».

هنگامی که به رساله توضیح المسائل معظم له مراجعه کردم، متوجه شدم نویسنده نامه آن مقدار از مسأله را که امکان سوء استفاده از آن بوده نقل کرده، و از ذکر ذیل آن اجتناب ورزیده است. به ذیل مسأله توجه فرمایید:

«لکن این مجرد فرض است، و بلیط هایی که اکنون فروخته می شود، و قرعه کشی هایی که اکنون عمل می شود، به این نحو نیست، و پول بلیط و قرعه حرام است».

بنابراین، اولاً: ذیل مسأله که نویسنده مذکور نقل نکرده، پاسخ ایشان را می دهد.

ثانیاً: بر فرض که ذیل مسأله وجود نداشت، صدر مسأله که ایشان به آن استناد کرده، با کار آنها هماهنگی ندارد، زیرا اگر مشتریان بدانند پورسانتی نصیب آنها نمی شود، هرگز به دادن پول و شرکت در آن کار رضایت نخواهند داد.

نتیجه این که همان گونه که امام راحل (قدس سره) در ذیل مسأله مورد بحث فرموده اند: «این مجرد فرض است» و مصداق خارجی ندارد.

بعید نیست علت سوء استفاده های مذکور، این باشد که یکی از دلایل شکست طرح های مشابه گلدکوئست در گذشته، نظیر «پنتاگونو»، «تجارت الماس»، «پرایم بانک» مخالفت صریح مراجع عظام تقلید با این نوع فعالیت های نامشروع بوده است. (کیهان، مورخ ۱۳۸۳/۶/۲۹).

ب) شگردها

۱- بسیاری از شرکت های خارجی، و به تعبیر صحیح تر بازاریاب های آنها، تبلیغ می کنند که مخالفت علماء و مراجع تقلید با فعالیت ما، مقطعی و کوتاه مدت خواهد بود؛ زیرا بر اثر عدم اطلاع کافی از نحوه فعالیت این نوع شرکت هاست (پاسخ این شبهه در بخش استفتانات آمده است)، بدون شک پس از آن که اطلاعات کافی در اختیار آنها قرار گیرد موافقت خواهند کرد.

در حالی که این ادعا در عمل معکوس شد، یعنی نه تنها فتوی مراجع عالی قدر تغییری نکرد، بلکه شرکت های مذکور یکی پس از دیگری همدیگر را تکذیب کرده، و عملکرد شرکت های قبلی را نامشروع دانستند! (یکی از بازاریاب های گلدکوئست در پاسخ شخصی که گفته بود: «این که مثل پنتاگونوست!» می گوید: «این، هیچ ربطی به پنتاگونو ندارد، پنتاگونو همه اش شتادی بود». (سروش جوان، شماره ۲۳، تیر ۱۳۸۱). نویسنده مقاله «روش های تجارت الکترونیکی پنتاگونو و کیم برلی»، ضمن نقد کار پنتاگونو و گلدکوئست، به تعریف و تمجید از «شرکت کیم برلی»، که در تجارت الماس فعالیت می کند، پرداخته است. در حالی که ماهیت و عملکرد همه آنها یکی است. (نشریه آسیا، مورخ ۸۱/۱/۶))

۲- برخی از شرکت های داخلی ضمن تکذیب همتهای خارجی خویش به خاطر خروج ارز از کشور، و با انتخاب نام های زیبا و مقدس، دست به شگرد دیگری زدند. آنها در فرم های ارسالی خویش نوشتند: «ما در این کار با مراجع عظام مشورت کرده، و نظر مثبت آنها را جلب کرده ایم. شما هم برای اطمینان از مشروعیت کار، با مرجع تقلید خویش مشورت نموده، تا با اطمینان خاطر به این کار بپردازید».

در حالی که تمام مراجع عظام، تا آنجا که ما اطلاع داریم، با این گونه فعالیت ها مخالفت کرده اند، ولی شرکت های مذکور با این شگرد به ذهن مشتری القاء می کنند که کار آنها مشروع است، و نیازی به پرسش و استفتاء نیست!

البته لازم به ذکر است که تعدادی از شرکت های داخلی نیز قبل از شروع فعالیت با مراجع خویش مشورت کرده، و هنگامی که متوجه عدم جواز چنین فعالیت هایی شدند، شروع به کار نکردند. همان گونه که برخی از شرکت هایی که شروع به کار کرده بودند، پس از اطلاع از نامشروع بودن کار خود، آن را متوقف نموده، و طی اطلاعیه ای در جراید کثیرالانتشار از مشتریان خود خواستند که طبق جدول زمانبندی

شده به آنها مراجعه نموده، و وجه ارسالی خود را بازپس بگیرند. همانقدر که کار گروه اول زشت و ناپسند و مشمئز کننده است، کار گروه دوم و سوم در خور تحسین و تقدیر است.

۳- برخی از شرکت های خارجی - همان گونه که در فصل های پیشین گذشت - اعلان کردند که پورسانت ها سقف معینی دارد؛ مثلاً در هر هفته بیش از ۵۰۰۰ دلار پورسانت به هر عضو نمی دهند، هر چند در طول یک هفته تعداد فراوانی مشتری جذب نمایند، که پورسانت استحقاقی آنها بیش از ۵۰۰۰ دلار باشد! زیرا اگر از این سقف تجاوز کنند، ممکن است ورشکست شوند!

این شگرد برای این بود که مشتری به فکر احتمال ضرر و دست نیافتن به مشتری و عضو جدید نیفتد، بلکه جذب اعضاء جدید را امری سهل و آسان و غیر قابل تردید بداند. در حالی که حقیقت به گونه ای دیگر است. یکی از کسانی که عضو یکی از شرکت های فوق شده بود، می گفت: «نه ماه طول کشید تا توانستم یک مشتری جذب کنم».

مریم. ف، یکی از اعضای گلدکوئست، پس از توضیح چگونگی آشنایی اش با شرکت مذکور، می گوید: «در همان ابتدا یکی از سگه های گران قیمت گلدکوئست را خریداری کرده، و شروع به فعالیت برای یافتن زیر شاخه، و افزایش آنها کردم، و کمتر به درسهایم پرداختم».

این دانشجوی در ادامه می افزاید: «در نهایت تنها کسی که توانستم به زیر شاخه های خود اضافه کنم، دو نفر از اعضای خانواده ام بودند، که آنها نتوانستند زیر شاخه های خود را افزایش دهند. در نتیجه شاخه ما تعطیل شد». (روزنامه خراسان، شماره ۱۶۱۱۲، مورخ ۱۳۸۴/۲/۸).

یکی دیگر از دانشجویان دانشگاه تهران نیز در این باره می گوید:

«بعد از صحبت های دوستانم من هم عضو شبکه گلدکوئست شدم، اما تا مدت ها نتوانستم پولی به دست آورم، و این کار تنها وقت مرا می گرفت. در ادامه کار، پس از این که درآمد خوبی از این راه نداشتم از عضویت در این شبکه خارج شده، و سگه ای را که به مبلغ ۴۸۰ دلار خریداری کرده بودم، به قیمت ارزانی فروختم». (روزنامه خراسان، شماره ۱۶۱۱۲، مورخ ۱۳۸۴/۲/۸).

۴- پورسانتی که می دهند، و تبلیغ زیاد و مانور فراوانی که روی آن می کنند، از دیگر شگردهای آنهاست. زیرا اولاً: بسیاری از آنها از ابتدای کار پورسانت نمی دهند، بلکه هنگامی که مشتریان به سقف معینی (حداقل شش نفر) برسند پورسانت پرداخت می گردد. ثانیاً: سقف معین از مشتریان هم در شرایط خاص (مثل این که در هر سمت، مشتریان به صورت متعادل جذب شوند) باعث جلب پورسانت می گردد.

آنها با این شگردها، و شگردهای مشابه (از جمله می توان به شگرد پیشنهاد جبران خسارت برای از دست ندادن بازار پر سود ایران، تغییر در روش پرداخت پورسانت پس از روشنگری مطبوعات و احساس خطر از دست دادن بازار ایران، ثبت شرکت ها تحت عناوین کلی فعالیت های بازرگانی و رایانه ای، و به کارگیری آن در فعالیت های ناسالم اقتصادی، و مانند آن اشاره کرد)، پول های کلانی از مشتریان می گیرند؛ که قسمت کمی از آن را به سرشاخه ها داده، و بقیه را به جیب می زنند.

ج) خلاف گویی ها

بسیاری از شرکت های مورد بحث «صداقت و راستگویی» را از جمله ارکان اصلی کار خویش اعلان کرده، و در بروشورهای تبلیغاتی خود روی آن مانور داده اند. در حالی که مطالعه پرونده اعمال آنها خلاف آن را ثابت می کند، و البته این یک امر طبیعی و غیر قابل اجتناب است؛ زیرا کلاهبرداری، اکل مال به باطل، قمار، و بخت آزمایی، با صداقت و راستگویی همخوانی ندارد. به چند نمونه از این خلاف گویی ها توجه کنید.

۱- مراجع تقلید فعالیت ما را تأیید کرده اند!

در حالی که همانطور که در مباحث پیشین گذشت، و در فصل دهم نیز خواهد آمد، مراجع بزرگوار تقلید فعالیت های مذکور را تحریم کرده اند.

۲- این فعالیت ها در دراز مدت به نفع کشور خواهد بود!

اما به نفع کدام کشور؟ بدون شک به نفع کشورهای متبوع شرکت های کلاهبردار بازاریابی شبکه ای است، چرا که بدون هزینه کردن سرمایه قابل توجهی، ارز کشورهای دیگر را در سطح وسیع و گسترده غارت می کنند، و به صورت علنی و آشکار دست به سرقت ذخیره ملل جهان سوم می زنند.

رئیس حوزه چهار قضایی مشهد، که در خصوص یکی از شرکت های مورد بحث تحقیق کرده، می نویسد: این شرکت با تشکیل یک گردونه سیار و به ظاهر اقتصادی، متأسفانه چیزی جز ثروت و سود بادآورده برای عده ای خاص بدون آن که ذره ای ارزش افزوده، و یا تولید داخلی

داشته باشد، ندارد. و نیز موجبات خروج غیر مجاز میلیون ها دلار ارز اقتصاد کشور را فراهم می کند، و ضربات مهلکی بر پیکره اقتصادی کشور وارد می نماید. (روزنامه قدس، شماره ۳۷۲۴، مورخ ۱۳۷۹/۹/۱).

روزنامه کیهان در مقاله مبسوط و مستندی که در تاریخ ۸۳/۷/۳۰ منتشر کرد، پس از بیان داستان جعل مهر و امضای حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی (مد ظله) توسط گلدکوئستی ها می نویسد: «مهر و امضای مراجع دیگر نیز توسط آنها جعل شده است، آنها به دروغ اعلام می کنند که هیچ منع شرعی برای فعالیتشان وجود ندارد!». شرکت های دروغگوی مورد بحث، علاوه بر مسأله خروج ارز، و مشکلات اقتصادی دیگر، تبعات دیگری نیز به دنبال دارد، که در فصل بعد به آن خواهیم پرداخت.

۳- تضمین می دهیم که بازاریابی ها بدون اشباع باشد!

انسان با شنیدن این دروغ آشکار به یاد ضرب المثل معروف «دم خروس را باور کنم، یا قسم حضرت عباس را» می افتد. راستی ادعای شما را بپذیریم، یا سیل مالباختگانی که جهت شکایت به قوه قضائیه سرازیر شده اند. جالب این که در این خصوص، دم خروس به قدری واضح و آشکار است که برخی از شرکت های صادق و راستگوی مورد بحث! برای این که از عواقب شکایت مالباختگان رهایی یابند، رسماً جهت جبران خسارت مالباختگان اعلان آمادگی کرده اند. به خبری در این زمینه، که روزنامه رسالت در دهم آبان ۱۳۸۳ منتشر کرده، توجه کنید:

«شنیده شده که شرکت گلدکوئست از طریق دفتر مرکزی خود، که در کشور هنگ کنگ مستقر است، به مسئولان قضایی کشورمان پیشنهاد کرده حاضر است خسارات وارده بر دولت و مردم را جبران کند. گفتنی است شرکت فوق الذکر... سکه هایی را با تمثال حضرت امام (قدس سره) ضرب، و به ۱۲۰ هزار نفر از مردم فروخت، که بعداً با شکایت مردم روبه رو شد. برخی از ارگان های اقتصادی دولت هم به خاطر فروش این سکه ها، و خروج مقادیر معتناهی ارز از کشور، از این شرکت شکایت کردند، و دادستانی تهران توانست با طرح شکایتی حدود ۵۵۰ کیلو از سکه های ضرب شده از سوی آن شرکت را توقیف نماید».

و از آنجا که تعداد مالباختگان برخی از شرکت های مذکور نظیر گلدکوئست بسیار زیاد است، مسئولین قضایی ادامه فعالیت آنان را صرفاً جهت جبران خسارت مالباختگان مجاز دانسته، و به آنها هشدار داده که به هیچ عنوان حق جذب عضو جدید ندارند. (به روزنامه خراسان، شماره ۱۶۱۳۶، که در تاریخ ۸۴/۳/۵ منتشر شده، و نیز روزنامه جوان، که در تاریخ ۸۴/۴/۲۷ انتشار یافته، مراجعه فرمایید).

برای روشن تر شدن این دروغ بزرگ (بازاریابی بدون اشباع است) به مطلبی از روزنامه کیهان، مورخ ۱۳۸۳/۷/۳۰، توجه کنید:

«اگر زمان لازم برای جلب دو مشتری توسط هر خریدار را یک ماه در نظر بگیریم، تعداد نفرات دارنده سکه که در حال بازاریابی هستند ۴ هزار و ۶۹ برابر خواهد شد. حال اگر تعداد نفرات فعلی بازاریاب را در شکل بسیار خوش بینانه فقط ۲۵۰ هزار نفر در نظر بگیریم، تعداد نفرات درگیر در پایان سال یک میلیارد و ۲۴۰ میلیون نفر خواهد بود. البته سرعت جلب مشتری در شرایط فعلی می تواند به طور متوسط یک ماه باشد، و هر چه از رشد مثلث بگذرد و نرخ رشد کاسته می شود، ولی در نهایت پس از مدتی توقف حتمی است. البته در صورتی که نرخ رشد بسیار کم شود برای خریدار با توقف تفاوتی ندارد، چون برای دریافت جایزه از شرکت در هر مرحله باید سه نفر در سمت راست و سه نفر در شاخه چپ او اضافه شوند. در کندترین سرعت متصور اگر زمان لازم برای کسب دو مشتری توسط هر بازاریاب فعلی را شش ماه بگیریم، با توجه به جمعیت ۷۰ میلیونی ایران، و تخمین ۳۰ میلیونی افراد حاضر به خرید که آمادگی ذهنی و مالی دارند و چهار برابر شدن سالیانه بازاریاب ها، با این نرخ رشد در کمتر از چهار سال شاهد توقف سیستم خواهیم بود».

آنچه گذشت سه نمونه از خلاف گویی های آنها بود، نمونه هایی نیز در فصل پرسش ها و پاسخ ها گذشت، و به نمونه های دیگری نیز در ضمن فصل آینده اشاره خواهد شد.

روشن است که خلاف گویی های آنها بسیار فراوان است، از جمله می توان به دروغ های زیر اشاره کرد:

(الف) با مقامات ایران به توافق رسیده ایم! (ب) نام شرکت گلدکوئست به ثبت رسیده است! (ج) بانکداران معروف جهان عضو شرکت ما هستند! (د) ضرب سکه ها دستی است! (ه) پلیس بین الملل بر کار ما نظارت دارد! که تمام اینها کذب و دروغ محض است.

البته همانطور که گذشت سوء استفاده و فریب و دروغ از کسانی که فقط به دنبال سود بیشتر هستند، به هر قیمت و به هر وسیله، چیز بعیدی نیست. (امیرعباس آشفته، کارشناس جامعه شناسی در این باره معتقد است: «گلدکوئستی ها برای ادامه حیات در ایران و جذب مشتریان تازه، چاره ای جز دورزدن موانع قانونی و شرعی و اخلاقی، برای چنین فعالیت هایی در ایران ندارند. باید اعتراف کنیم که شیوه های جدید آنها برای سوء استفاده از نظر علما و مجتهدان و سکه های یاد بود با تصویر حضرت امام (قدس سره) آن قدر زیرکانه طراحی شده، که هنوز هم عده ای حک شدن تصویر امام بر چنین سکه هایی را دلیل مشروعیت فعالیت «گلدکوئست» در ایران می دانند» (در حالی که قبلاً گفتیم مؤسسه نشر آثار امام (قدس سره) نسبت به این دروغ واکنش نشان داده، و از آنها به مراجع قانونی شکایت کرده است). (کیهان، مورخ ۱۳۸۳/۴/۲۴) آنچه مورد تعجب است این که چرا برخی از هموطنان عزیز در دام آنها افتاده اند؟!

فصل هشتم: زمینه ها و تبعات فعالیت های ناسالم مورد بحث

هر چند مبارزه با مظاهر و مصادیق جرم امری لازم و اجتناب ناپذیر است، (و در مورد شرکت های مزبور در این زمینه نیز تاکنون کوتاهی شده، هر چند کارهای انجام شده نیز چشمگیر بوده است)، ولی بدون شک این کار کافی نیست، و برای ریشه کن کردن جرم، باید ریشه های آن را شناسایی کرد، و نوک پیکان مبارزه را به آن سمت نشانه گرفت، تا زمینه ها و بسترهای جرم از بین برود. از سوی دیگر، جهت مقابله جدی و فراگیر با هر جرمی، ابتدا باید به درستی آن را شناسایی کرد، سپس بطور دقیق و بدون پیشداوری تبعات آن را از جهات مختلف تحت مطالعه قرار داد، و در مرحله سوم با استفاده از راهکارهای مختلف، که کمترین هزینه و تبعات منفی را به دنبال داشته باشد، به مقابله با آن جرم پرداخت.

با توجه به این مقدمه، به سراغ زمینه ها و بسترهای فعالیت شرکت های بازاریابی شبکه ای ناسالم رفته، سپس تبعات منفی و مفاسد اقتصادی و اجتماعی آن را، به امید خدا و به طور خلاصه، بررسی خواهیم کرد.

الف) بسترها و زمینه ها

رواج فعالیت شبکه های بازاریابی در کشور ما، و چشم طمع که صاحبان آن شرکت های کلاهبردار به سرمایه های این مردم دوخته اند، بخاطر وجود زمینه های این گونه فعالیت ها در این کشور است، که به برخی از آنها اشاره می شود:

۱- معضل بیکاری

بی شک بیکاری یک معضل جهانی است، که بیشتر کشورهای دنیا را رنج می دهد. و این، ارمغان ماشینی شدن زندگی امروز ماست. کشور ما نیز از این قاعده مستثنی نمی باشد، و تعداد افراد بیکار آن متأسفانه کم نیست. بیکاری مفاسد و تبعات منفی متعددی دارد، و می تواند بستر جرم های مختلفی قرار گیرد، و بدون شک یکی از مهم ترین زمینه های فعالیت های شرکت های استعماری مورد بحث، بیکاری است. این، فقط ادعای ما نیست، بلکه جمعی از کارشناسان نیز با ما در این عقیده همراهند. به چند نمونه آن توجه کنید:

الف) یک جامعه شناس، که پیرامون فعالیت های ناسالم مورد بحث اظهار نظر می کرد، گفت: «معمولاً برخی از افراد در خارج کشور که نسبت به بیکاری و شرایط خاص کشورهای جهان سوم اطلاع دارند، اقدام به ترویج چنین شیوه هایی ناهنجار می کنند». (روزنامه قدس، شماره ۳۷۲۲، مورخ ۱۳۷۹/۸/۲۹)

ب) نایب دبیر مجمع صنفی دانشگاه های تهران، اشتغال زایی کم از طرف دولت برای دانش آموختگان و نخبگان کشور را دلیلی برای کشیده شدن آنها به سمت این گونه سیستم های بازاریابی غیر علمی عنوان کرد. (روزنامه جوان، شماره ۱۷۹۲، مورخ ۱۳۸۴/۴/۲۷)

ج) چگونگی پولدار شدن دغدغه عمومی است به خصوص برای افرادی که مشکلات مالی روزمره گریبانشان را گرفته باشد. در این میان جوانان به واسطه بیکاری و نداشتن آینده ای روشن و حتی ناتوانی در کسب درآمدی اندک برای تأمین هزینه های ضروری خود، بهترین نقش را در بازی های ساخته و پرداخته کلاهبرداران و تروریست های اقتصادی ایفا می نمایند. (روزنامه کیهان، مورخ ۱۳۷۹/۱۱/۲۴)

د) وقتی تورم همراه رکود بیاید، و بر آمار بیکاری روز به روز افزوده شود، و سکون جامعه را خسته و دلزده کند، و درست در همین اوضاع و احوال کسانی با استفاده از رانت ها، یک شبه به ثروت های بادآورده برسند، رؤیاپرداز شدن مردم، و استقبال آنان از طرح های (خیالی و موهوم) «گلد کوئست» و «ای.بی.ال» عجیب نیست. (روزنامه رسالت، مورخ ۱۳۸۴/۳/۵)

آری بیکاری یکی از بسترهای این گونه فعالیت های ناسالم اقتصادی است؛ و بر مسئولین لازم است برای حل این معضل عمومی فکری اساسی کنند. البته این، کار آسانی نیست؛ ولی بدون شک غیر ممکن نیز نمی باشد.

۲- مشکلات اقتصادی

اقتصاد ایران اسلامی در زمان طاعوت شدیداً بیمار بود. زیرا اولاً: به شدت متکی بر درآمدهای نفتی بود، و ثانیاً: عمده فعالیت آن واردات کالا و خدمات از کشورهای دیگر، مخصوصاً کشورهای سلطه جو بود و ثالثاً: به طور کامل وابسته به خارج، به ویژه کشورهای غربی بود.

با گذشتن ربع قرن از انقلاب اسلامی قسمتی از بیماری اقتصاد بحمدالله برطرف شد، اما عوارض دیگری که عمدتاً ناخواسته و خارج از اختیار بود، از ناحیه هشت سال جنگ بر آن تحمیل گشت. بنابراین، اقتصاد ما هنوز سلامتی کامل خود را به دست نیاورده، و روشن است که چنین اقتصادی عوارض و پیامدهای متعددی به دنبال خواهد داشت، که معضل بیکاری - که در بحث قبل گذشت - یکی از آنهاست. کارشناسان معتقدند اقتصاد ناسالم زمینه ساز و بستر مناسبی برای فعالیت های ناسالم اقتصادی دیگر است. نایب دبیر مجمع صنفی دانشگاه های تهران، با بیان این که این سیستم (بازاریابی شبکه ای) در کشورهایی مانند ایران که اقتصاد بیمارگونه ای دارند رسوخ نموده، تصریح کرد:

«این گونه سیستم ها در کشورهایی مانند ایتالیا یا انگلستان (محل تولد برخی از شرکت های مورد بحث) که مدیر ارزان قیمت آن! در سال حدود ۳۲۰ هزار دلار حقوق می گیرد جواب نمی دهد؛ چرا که گلدکوئست در حالت ایده آل سالانه حدود ۲۶۰ هزار دلار سوددهی خواهد داشت!» (روزنامه جوان، شماره ۱۷۹۲، مورخ ۱۳۸۴/۴/۲۷).

یکی از کارشناسان علوم رایانه ای در این زمینه گفت:

«اقتصاد کشور از نظر ایجاد عدالت، توازن ندارد، و افراد جامعه با انگیزه پولدار شدن جذب این شرکت ها می شوند». وی در ادامه افزود: «شرکت های اینترنتی، که تعداد آنها کم نیست، و امروزه کاربران اینترنتی به سادگی امکان برقراری ارتباط با آنها را دارند، قطعاً در کشورهای پیشرفته و صنعتی موفقیتی کسب نمی کنند. بنابراین، با وعده های کاذب در کشورهای در حال توسعه به فریب مردم می پردازند، و سودهای بسیاری عائد خود می کنند!» (روزنامه جمهوری اسلامی، مورخ ۱۳۸۳/۷/۲۶).

نتیجه این که وضع اقتصادی فعلی از دیگر زمینه های فعالیت بازاریابی شبکه ای است، که سالها پیش در کشورهای پیشرفته منسوخ شده است.

بنابراین، برای جلوگیری از چنین فعالیت های ناسالمی، اگر بخواهیم کار اساسی و ریشه داری انجام دهیم باید به علاج مشکلات اقتصادی بپردازیم. که البته این کار نیازمند یک عزم عمومی و بسیج تمام امکانات است.

۳- فقدان برنامه ریزی همه جانبه

یکی از مسئولین دانشگاه تهران با ابراز نگرانی نسبت به شیوع سیستم های هرمی (گلدکوئست و مانند آن) در دانشگاه ها، به ویژه خوابگاه های دانشجویی، به خبرگزاری ایسنا گفت:

«متصور نبودن آینده کاری، وضعیت اقتصادی پائین نخبگان دانشجویی، هزینه های بسیار بالای زندگی شهرهای بزرگ برای دانشجویان خوابگاهی، استفاده نکردن از پتانسیل های دانشجویی در طرح های بزرگ ملی در ابعاد مختلف، و فضای ضعیف علمی، پژوهشی در دانشگاه ها باعث شده تا عده ای از دانشجویان از اصالت علمی، فرهنگی خود فاصله گرفته، و به امید سراب زندگی بی دغدغه از سوی سران این سیستم ها، تمام وقت و توان خود را در این راه صرف کنند.» (روزنامه جوان، شماره ۱۷۹۲، مورخ ۱۳۸۴/۴/۲۷).

اگر مسئولین امر، با تلاشی مضاعف، و اجتناب از ورود به برخی نزاع های حزبی و سیاسی بی حاصل، و مطالعه وسیع و گسترده، به حل این معضلات می پرداختند، اکنون شاهد سیل عظیمی از دانشجویانی که در دام این مؤسسات ناسالم گرفتار شده اند، نبودیم.

۴- ناآگاهی و بی خبری

بی شک یکی از زمینه ها و بسترهای تمام جرائم اجتماعی عدم آگاهی عده ای نسبت به اصل جرم، یا مجازات آن، یا پیامدهای منفی و ناپهناجر آن است. بدین جهت آنان که از این امور آگاهی دارند کمتر آلوده جرم و گناه می شوند. و به همین جهت بازاریاب های شرکت های کلاهبردار مورد بحث، معمولاً به سراغ کسانی می روند که آگاهی چندانی از آنچه گفته شد، ندارند.

۵- ضعف ایمان و دنیاطلبی

کم و بیش افرادی یافت می شوند که نه دغدغه بیکاری دارند، و نه نسبت به فعالیت شرکت های مورد بحث ناآگاهند، و نه از پیامدهای منفی آن بی اطلاع؛ اما در عین حال اسیر دام بازاریاب های این مؤسسات می شوند. علت اصلی گرفتاری آنان، و آلودگی آنها به چنین اعمال خلافی، طمع رسیدن به سود کلان، و دست یافتن به زندگی آسان و مرفه و بدون زحمت می باشد.

چنین افرادی اگر پایه های ایمان خویش را قوی تر کنند، و به آثار نامطلوب ثروت های بادآورده نامشروع دقت بیشتری نمایند، و در آثار وضعی لقمه حرام و سلب برکات از خانه های آلوده به آن تأمل افزونتری کنند، مخصوصاً در این جمله سرور و سالار شهیدان خطاب به سپاهیان یزیدی در صبح روز عاشورا، که یکی از علل نگون بختی آنان را در مقابله با فرزند پیامبر (صلی الله علیه و آله) ملامت بودن شکم های آنان از لقمه های حرام عنوان نمودند، اندیشه و تفکر بیشتری کنند، بدون شک بیدار می شوند، و برای رهایی از چنگال این کلاهبرداران پول پرست تلاش می کنند.

بنابراین، ضعف ایمان و دنیاطلبی و حرص، از دیگر زمینه ها و بسترهای وقوع این خطای بزرگ اجتماعی است، و متولیان امور دینی و فرهنگی باید برای زدودن آن تلاش بیشتری کنند.

عوامل دیگری نیز در این انحراف و فساد اقتصادی مؤثر است (به عواملی نظیر وجود سرمایه های سرگردان، محدود بودن زمینه های سرمایه گذاری در بخش خصوصی، عدم وجود قانونی صریح و شفاف در ارتباط با برخورد سریع با این گونه شرکت ها، عدم اطلاع رسانی شفاف و به موقع، و مانند آن می توان اشاره کرد)، که برای رعایت اختصار از ذکر آن چشم می پوشیم.

ب) تبعات و پیامدهای منفی

در مباحث گذشته به برخی از عوارض منفی و پیامدهای نامطلوب بازاریابی شبکه ای اجمالاً اشاره شد؛ و در این بحث به طور مستقل به عمده ترین آنها می پردازیم:

۱- احتمال بروز تنش های اجتماعی!

هنگامی که فعالیت شرکت های ناسالم مورد بحث گسترده شود، و بازار اشباع گردد، و سیل عظیم مشتریان رده های آخر نتوانند مشتری جدیدی جذب نمایند، و سرمایه خویش را از دست رفته ببینند، عکس العمل های متفاوتی از خود بروز می دهند، که قسمتی از آن قابل پیش بینی و پیشگیری نیست.

یک مقام مسئول در سیستم بانکی به خبرنگار قدس گفت:

«زیان های این نوع شرکت ها بر پیکره اقتصاد را از دو بُعد باید بررسی کرد: در نگاه اول شکل آشکار قضیه یعنی خروج ارز است (که در بحث آینده به آن خواهیم پرداخت).

وی در ادامه می گوید: این تجارت پر سود و بی صدا، پیامد پنهان دیگری نیز به دنبال دارد. در حال حاضر ۲ میلیون جوان در کشور ما از بیکاری رنج می برند، چنانچه توجه آنان به این سمت کشیده شود، معلوم است که چه فاجعه ای به دنبال خواهد داشت». (روزنامه قدس، شماره ۳۷۲۲، مورخ ۱۳۷۹/۸/۲۹).

قدس در همان شماره، به نقل از یک جامعه شناس، آورده است:

«اگر نوجوان و جوان بیکار، که با هزار مشکل سرمایه ای را برای عضویت در این شرکت ها فراهم کرده، با شکست مواجه شود، برای جبران آن ممکن است دست به هر کاری بزند».

بنابراین، بعید نیست هدف گردانندگان اصلی شرکت های مورد بحث، علاوه بر غارت اموال و سرمایه مردم، ایجاد تنش و آشوب های اجتماعی نیز باشد، و در واقع تخریب در جهات مختلف است.

۲- آسیب های جبران ناپذیر اقتصادی

بر هیچ انسان عاقل و اندیشمندی مضرات فراوان اقتصادی فعالیت شرکت های کلاهبردار مورد بحث، پنهان و مخفی نیست. لذا در این بحث، تنها به ذکر نقطه نظر چند نفر از کارشناسان قناعت می کنیم:

الف) اگر فرض کنیم این پدیده پیچیده و مشکوک هیچ گونه زبانی متوجه افراد نکند، حداقل ضررش این است که همه روزه مبالغ هنگفتی ارز از این طریق خارج شده، و بدون دردسر به جیب دیگران می رود». (روزنامه جمهوری اسلامی، مورخ ۱۳۷۹/۱۰/۱۹).

ب) یکی از صاحب نظران می گوید: «حداقل مشکلی که شرکت پنتاگونو (و شرکت های مشابه) برای کشور ایجاد می کند، خروج صدها هزار دلار ارز، و بلوکه سرمایه در دست عده ای خاص است».

وی در ادامه اضافه می کند: «در حالی که ما با شبکه های قاچاق ارز در داخل کشور مبارزه می کنیم، و در مواردی حتی با دلارفروشان جزء نیز برخورد قضایی انجام می دهیم، و سرمایه آنان ضبط می شود، چگونه است که در مقابل این پدیده، که حداقل روزی ده ها هزار دلار ارز را به خارج کشور می فرستد، برخورد نمی شود». (روزنامه قدس، شماره ۳۷۲۲، مورخ ۱۳۷۹/۸/۲۹).

ج) دکتر رحیمی از اقتصاددانان کشور ابراز داشت:

«در وضعیت کنونی اقتصاد در جامعه، خطرناکترین حربه اقتصادی اروپائیان خروج پول از مرزها می باشد». (روزنامه قدس، شماره ۳۷۲۳، مورخ ۱۳۷۹/۸/۳۰).

د) رئیس حوزه چهارقضایی مشهد، که در خصوص شرکت فیوچراستراتژی ایتالیا تحقیق می کند، می نویسد:

«این شرکت با تشکیل یک گردونه سیار و به ظاهر اقتصادی، که متأسفانه چیزی جز ثروت و سود بادآورده برای عده ای خاص بدون آن که ذره ای ارزش افزوده و یا تولید داخلی داشته باشد، نیست، موجبات خروج غیر مجاز میلیون ها دلار ارز گردش جاری اقتصاد در کشور را فراهم می کند، و ضربات مهلکی بر پیکره اقتصادی کشور وارد می نماید». (روزنامه قدس، شماره ۳۷۲۴، مورخ ۱۳۷۹/۹/۱).

ه) طراحان یک فوریت طرح ممنوعیت فعالیت شرکت های هرمی معتقدند: «این گونه فعالیت های ناسالم اقتصادی منشأ ضرر و زیان اقشار مختلف مردم می شود، و با روال غیر شرعی مبادرت به ارایه فعالیت های غیر تولیدی کرده، مقادیر هنگفتی از ثروت ملی کشور را به صورت ارز از ایران خارج می کنند، و زیان های جبران ناپذیری را به بدنه اقتصادی کشور وارد می سازند». (روزنامه خراسان، شماره ۱۶۱۳۶، مورخ ۱۳۸۴/۳/۵).

و) نایب دبیر مجمع صنفی دانشگاه های تهران، با بیان این که سیستم بازاریابی گلدکوئست در سال ۲۰۰۲ میلادی توسط یک دانشجو وارد ایران شد، و به سرعت رشد کرد، گفت: هم اکنون تنها در تهران نزدیک به ۳۰۰ هزار نفر عضو این شبکه هستند، و طبق آمار منتشره از سوی روابط عمومی دادسرای عمومی و انقلاب در مهر ۸۳، حدود ۸۴ میلیون دلار ارز از طریق این سیستم از کشور خارج شده است». (روزنامه جوان، شماره ۱۷۹۲).

ز) و بالاخره یک کارشناس دیگر گفت: «در سال های اخیر به سبب فعالیت شبکه های غیر قانونی، که اقدام به جمع آوری پول مردم کرده، و آنها را تشویق می کنند برای کسب سود، نفرات دیگری را وارد این سیستم کنند، ۳/۵ میلیارد دلار ارز از کشور خارج شده است!»

گلچوئیان افزود: «ارز خارج شده از کشور به سبب فعالیت غیر قانونی این گونه شرکت ها در مقایسه با درآمد نفتی کشور از میزان بالایی برخوردار است، که این روند اقتصاد کشور را تهدید می کند!»

این کارشناس با بیان این که گسترش فعالیت این گونه شرکت ها معضلات بسیاری از جمله امنیتی، اقتصادی و قضایی برای کشور در پی خواهد داشت، افزود: «با توجه به غیر قانونی اعلان شدن، فعالیت های پیدا و پنهان این شرکت ها برای جذب اعضا، و در نتیجه کسب پول بیشتر با شدت بالایی ادامه دارد». (روزنامه جمهوری اسلامی، مورخ ۱۳۸۳/۱۲/۱۷).

سؤال: بازاریاب های «نت ورک مارکتینگ» مدعی اند:

«این جریان نه تنها موجب خروج ارز نمی شود، بلکه ارز هم وارد کشور می کند! زیرا هر چند در بدو امر با خرید محصولات این شرکت ها ارز از کشور خارج می گردد، اما پس از این که خریدار موفق به دریافت پورسانت هایش شود، ارز بیشتری نیز وارد کشور خواهد شد!»

جواب: نادرست بودن این ادعا با یک حساب سرانگشتی مشخص می شود. چرا که پرداخت پورسانت به یک فرد تنها در صورتی امکان پذیر خواهد بود که تعداد مشخصی مشتری، و تحت شرایط معینی توسط آن فرد وارد شبکه شده، و از شرکت خرید نمایند. به این ترتیب، واضح است که مبلغ پورسانت، درصد کوچکی از میزان مبلغی است که توسط مشتریان جدید به شرکت پرداخت می شود. (روزنامه شرق، مورخ ۱۳۸۴/۴/۲۱). به عنوان مثال، اگر قیمت هر سکه ۸۶۰ دلار باشد، خریدار اولیه و شش نفری که توسط او معرفی شده اند، ۶۰۲۰ دلار به حساب شرکت واریز کرده اند، که اگر معادل ۳۱ مجموع پول واریز شده، برای آنها سکه طلا فرستاده شود، ۳۲ دیگر ۴۰۱۴ دلار می شود، که در قبال خروج این مقدار ارز، فقط ۲۵۰ دلار به عنوان پورسانت برای خریدار اولیه فرستاده شده است. و چنانچه پورسانت مذکور را از ۳۲ ارز واریز شده کسر کنیم، ۳۷۶۴ دلار بطور خالص ارز خارج شده است!

این پیامد منفی بزرگ، با توجه به اظهارات کارشناسان فوق، به قدری واضح و روشن است که نیازی به توضیح بیشتر نیست. (گلدکوئستی ها با این استدلال که: «پول می دهیم، طلا می خریم» معتقد نیستند که فقط معادل یک سوم قیمتی که برای هر یک از تولیدات ضرابخانه «بی اچ مایر» به گلدکوئست می پردازند، طلا دریافت می کنند. آنها با این توجیه که سکه ها ارزش کلکسیونی دارد، و توسط بانک های معتبر پشتیبانی می شود، اصرار دارند تا اثبات کنند که معادل ارزی که از کشور خارج می شود، طلا وارد می کنند. برخی نیز توجیه جالب دیگری دارند: آنها می گویند: «مگر قیمت سکه های بهار آزادی، طرح جدید و قدیم، دقیقاً معادل ارزش وزنی طلای آنهاست؟» یکی از طلافروشان و طلاشناسان بازار بزرگ تهران در پاسخ به این سؤال می گوید: «میانگین ارزش وزنی طلای سکه های ایرانی حدود ۶۵ تا ۶۷ هزار تومان است، در حالی که مثلاً سکه طرح قدیم حدود ۹۵ هزار تومان قیمت دارد. این اختلاف قیمت ۳۰ هزار تومانی هم به دلیل پشتیبانی بانک مرکزی و ارزش اسمی این سکه هاست. یعنی همان دو مؤلفه که مورد نظر «توجیه گران گلدکوئست» است. اما اختلاف در اینجاست که سکه های رسمی و مورد تأیید بانک مرکزی اصلاً قابل مقایسه با آن سکه ها نیست. چراکه اولاً: تفاوت قیمت وزنی طلای این سکه با قیمت آن در بازار یک سوم کل قیمت است، در حالی که تفاوت وزنی سکه های گلدکوئست

با قیمت آن در بازار، دو سوم کل قیمت است. و ثانیاً: سکه بهار آزادی، یا انواع دیگر سکه های طلای رایج، درست مثل پول نقد است. اما این سکه ها چنین نیستند، و فقط افراد خاصی ممکن است به احتمال ضعیف خریدار آن ها باشند». (کیهان، مورخ ۱۳۸۳/۴/۲۴)

۳- بازماندن از فعالیت های سالم

در این مورد نیز در مباحث سابق اشاراتی داشتیم. بدین جهت، در اینجا و برای تکمیل بحث، به بیان نقطه نظرات تنی چند از صاحب نظران قناعت می کنیم:

الف) یکی از مسئولین سابق دانشگاه صنعتی اصفهان با بیان این نکته که شیوع سیستم های هرمی بازاریابی باعث شده تا دغدغه اصلی دانشجویان از درس خواندن به سمت این گونه شغل های کاذب تغییر جهت دهد، گفت: «دستیابی به درآمدهای زودرس و ناگهانی، و توقعات بالای دانشجویان برای اشتغال در شغل های پردرآمد، عامل گرایش آنان به سمت این گونه سیستم های بازاریابی کاذب و غیر علمی شده است». (روزنامه جوان، شماره ۱۷۹۲، مورخ ۱۳۸۴/۴/۲۷)

ب) یکی دیگر از مسئولین مجمع صنفی دانشگاه های تهران، با بیان این که امروزه نیروهای انسانی متخصص به اولین منابع و شاخص های توسعه در کشورها تبدیل شده اند، گفت:

«متأسفانه شیوع این سیستم در بین دانشجویان باعث درگیر شدن آنها در این سیستم و عدم بهرهوری و به کارگیری تخصصی آنها در عرصه های علمی و تولیدی کشور شده، و خواهد بود». (روزنامه جوان، شماره ۱۷۹۲، مورخ ۱۳۸۴/۴/۲۷)

ج) یکی از کارشناسان مسائل اقتصادی اظهار داشت: «تبعات اجتماعی و فرهنگی، مانند بی انگیزه گی جوانان نسبت به کار و اشتغال، از آثار این گونه فعالیت های مخرب و غیر قانونی در کشور است». (روزنامه جمهوری اسلامی، مورخ ۱۳۸۳/۱۲/۱۷)

۴- تضعیف روابط اخلاقی

سخنگوی قوه قضائیه گفت:

«اقدامات این افراد متقلبانه و مجرمانه، و باعث ایجاد اختلاف و نفرت در میان خانواده ها شده است». (روزنامه کیهان، مورخ ۱۳۷۹/۱۱/۲۴)

یکی از کارشناسان دانشگاه تهران شیوع گلدکوئست (و شرکت های مشابه) را در ایران گونه ای از فاجعه اقتصادی در کشور عنوان کرد و گفت: «در این عرصه بیش از آن که بازاریابی علمی صورت گیرد، نوعی جلب مشتری بر اساس نزدیکی روابط و عواطف موجود بین افراد انجام می شود، و باعث تبدیل کلیه روابط دوستانه قبلی، به روابط کاری کاذب می گردد». (روزنامه جوان، شماره ۱۷۹۲، مورخ ۱۳۸۴/۴/۲۷)

۵- افول روحیه عدالت طلبی و حق جویی

یکی از مسئولان مجمع صنفی دانشگاه های تهران گفت:

«سیستم های بازاریابی هرمی مانند گلدکوئست نه تنها برای جامعه دانشجویی، بلکه برای جریان فرهنگی جامعه ایران، یک سم مهلک است. چرا که اگر این فعالیت غیر علمی و غیر تولیدی فراگیر شود، ضمن این که مقادیر هنگفتی از ثروت کشور را به صورت ارز خارج می کند، و زبان های جبران ناپذیری را بر بدنه اقتصاد کشور وارد می نماید، می تواند زمینه های افول روحیه عدالت طلبی و حق جویی را در میان دانشجویان و کلیه اقشار جامعه به وجود آورد». (روزنامه جوان، شماره ۱۷۹۲، مورخ ۱۳۸۴/۴/۲۷)

۶- هدر رفتن سرمایه عمر

وقت طلاست، نباید بی جهت آن را از کف داد. هدر دادن وقت در حقیقت هدر دادن سرمایه با ارزش عمر انسان است، که قابل جبران نیست. و متأسفانه در این فعالیت های ناسالم اقتصادی براحتهی از کف می رود، بی آن که چیزی عائد شده باشد!

دکتر سعیدی با اشاره به تبعات سوء اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی گلدکوئست (و شرکت های مشابه) اظهار داشت:

«حداقل حجم ارزش پول که از ناحیه این قمار از کشور خارج می شود در هر سال بیش از یک میلیارد دلار است! و اعضای آن روزانه ۱۰ ساعت از بهترین اوقات زندگی خود را صرف عضوایی می کنند، که اگر ارزش ریالی هر ساعت را ۱۰۰۰ تومان فرض کنیم، سالانه حدود ۳۶

هزار میلیارد دلار وقت صرف این کار واهی می شود! که معادل آن می توان بهترین امکانات عمرانی، رفاهی، و درمانی را در کشور ایجاد کرد، و تحوّل عظیم به وجود آورد». (روزنامه جمهوری اسلامی، مورخ ۱۳۸۳/۷/۲۶).

مشغول کردن نیروهای انتظامی و قضایی به این امور و بازماندن آنها از کارهای ضروری تر، اشغال بخشی از وقت و نیروی متولیان امور فرهنگی، مخصوصاً مراجع عظام تقلید و حوزه های علمیه، و کاهش انگیزه تلاش و اعتماد اجتماعی، و خروج نقدینگی از چرخه فعالیت های مثبت اقتصادی با فعال شدن شرکت های مشابه داخلی، و اموری از این قبیل، از تبعات دیگر این فعالیت های کاذب اقتصادی است، که شرح آن در این مختصر نمی گنجد.

خداوند همه را از شرّ این آفت بزرگ اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی حفظ کند.

سخن آخر : مسئولیت ها

با توجه به آنچه در مباحث قبل گذشت، که فعالیت شرکت های بازاریابی شبکه ای، اعم از خارجی و داخلی، به ادّله فراوان از منظر شرع حرام است، و زیان های مختلف اقتصادی و اجتماعی و اخلاقی و سیاسی در پی دارد، و کمکی بزرگ به دشمنان اسلام محسوب می شود، و تبعات و عوارض منفی کوتاه مدت و بلند مدت آن غیر قابل اجتناب است، ضرورت مبارزه با آن بر هیچ کس مخفی نیست، لذا:

از دولتمردان محترم حکومت اسلامی انتظار می رود، به مراکزی که به نوعی با چنین شرکت هایی ممکن است ارتباطی پیدا کنند، دستور دهند که با آنها برخورد کرده، و از اموری که باعث تقویت آنان گردد خودداری ورزند.

و از نمایندگان محترم مردم در مجلس شورای اسلامی امید می رود که با تهیه قانونی جامع، مدوّن و فراگیر، چنین فعالیت هایی را ممنوع کرده، تا بسترهای آن برای آینده نیز از بین برود، و دوباره شاهد فعالیت شرکتی جدید، با نامی دیگر نباشیم.

و شایسته است قوّه قضائیه و قضات محترم، البته در چهارچوب قوانین، با عوامل داخلی و خارجی این توطئه گسترده اقتصادی برخورد کرده، حقوق مال باختگان را از آنان بگیرند.

و مسئولین محترم اطلاعاتی کشور می توانند با جمع آوری اطلاعات از این گروه فاسد، به قوّه قضائیه، و نمایندگان محترم مجلس کمک شایانی کنند.

نقش نیروی محترم انتظامی نیز در مبارزه با این خطر، بسیار مهم است.

رسانه های جمعی، مخصوصاً صدا و سیما، نیز می توانند اطلاعات جامع و گسترده ای در اختیار مردم قرار داده، و بدین وسیله همگان را از خطرات و ضررهای این فعالیت های ناسالم آگاه سازند، تا از آلودگی بیشتر مردم جلوگیری شود.

ملت عزیز ما نیز می تواند با احیاء فریضه ارزشمند و حیات بخش امر به معروف و نهی از منکر، فریب خوردگان را از عوارض منفی و ضررهای فراوان اقتصادی و غیر اقتصادی چنین فعالیت های ناسالمی آگاه سازند، تا زمینه آلودگی برچیده شود.

و وظیفه شرعی سرشاخه ها، که به نامشروع بودن درآمد این گونه فعالیت ها پی برده اند، آن است که از ادامه فعالیت دست بردارند، و از پول های بادآورده معادل هزینه ای که کردند کسر نمایند، و بقیه را در صورت امکان به صاحبان اصلی آن، و در غیر این صورت به سایر مالباختگان که نه سکه ای دریافت نموده، و نه پورسانتی گرفته اند (البته به مقدار هزینه ای که کرده اند) پرداخت نمایند. و برای این مقصود می توانند از قوّه قضائیه، که پرونده تعدادی از مالباختگان را در اختیار دارد، کمک بگیرند. و چنانچه این کار هم ممکن نشد، به نیت صاحبان اصلی صدقه دهند. و هرگز این پول های حرام را در زندگی خود داخل نکنند، که برکت را از زندگی آنها بر می چیند.

به امید آن روز که همه به وظیفه خود در برابر این مؤسسات ناسالم اقتصادی عمل کنیم، تا کشور ما از شرّ آن نجات یابد.

از آنجا که بازاریاب های برخی از شرکت های غارتگر مورد بحث، در تاریخ ۸۱/۱/۲۶ استفتاء مجعولی از حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی مد ظله منتشر نموده، و فتوکپی آن را به هر یک از متقاضیان، که از حکم شرعی فعالیت آن شرکت جویا می شد ارائه می دادند، و در این مسیر سوء استفاده زیادی کرده اند. و از سوی دیگر، به اعضای خویش القاء می کنند که مراجع تقلید اطلاع کاملی از فعالیت ما ندارند، و اگر از تمام جزئیات آن مطلع شوند مخالفت نمی کنند، و یا در این زمینه از اهل خبره و افراد مطلع استفاده نکرده اند، و لهذا این گونه فعالیت ها را تحریم نموده اند، بدین جهت از میان صدها سؤالی که از معظم له در مورد مشروعیت شرکت های فوق مطرح شده، بیست نمونه انتخاب گردیده، که هر چند بعضی از آنها مفصل، یا در بدو نظر تکراری به نظر می رسد، ولی هر کدام نکته خاصی در بردارد، که بر اهل دقت پوشیده نیست.

ضمناً تاریخ پاسخ های معظم له نیز قید گردیده، تا روشن شود حداقل از سال ۱۳۷۸ تاکنون (حدود ۶ سال) ایشان با اطلاع و آگاهی کامل از چگونگی فعالیت شرکت های مذکور و جزئیات آن، هیچ یک از انواع شرکت های خارجی و داخلی را تأیید نکرده، و علاوه بر حرمت شرعی، آن را مضرّ به حال شرکت کننده در این چرخه اقتصادی ناسالم، و نیز مضرّ به کل اقتصاد کشور دانسته اند. با عنایت به مقدمه فوق، از استفتائات مربوط به بخت آزمایی آغاز می کنیم (که با شرکت های زنجیره ای قدر مشترک روشنی دارند).

سؤال ۱ - شرکت در اعانه ملّی، یا قرعه کشی هایی که در کشورهای خارجی انجام می شود (مثل بلیط بخت آزمایی که در سابق در ایران بود)، و غالباً افراد شرکت کننده با میل خود شرکت نموده، و پولی را پرداخت می نمایند، و بعضی افراد به پول های هنگفتی می رسند، چه حکمی دارد؟ و اگر کسی برنده شود، آیا استفاده از پول آن جایز است؟

جواب : بخت آزمایی و مانند آن حکم قمار دارد، و اگر کسی چنین پولی گرفته، و صاحبان آن را نمی شناسد، به فقرای مسلمان بدهد. (سؤال و جواب فوق، و همچنین سؤال و جواب بعد، در جلد دوم کتاب استفتائات جدید، سؤال ۷۲۸ و ۷۲۷ آمده، و چاپ اول کتاب مذکور در سال ۱۳۷۸ بوده است).

سؤال ۲ - اخیراً بعضی از سازمان ها، اوراقی به عنوان «ارمغان بهزیستی» در معرض فروش گذاشته، و در آن اوراق چند سؤال بهداشتی مطرح نموده، که اگر خریدار اوراق به آنها پاسخ صحیح بدهد، به قید قرعه جوایزی دریافت می نماید، در غیر این صورت وجه پرداختی به نفع دولت ضبط می شود. بعضی از بنگاه های خصوصی نیز به همین عنوان، و با توجه به علاقه شدید جوانان به ورزش فوتبال، اوراقی در معرض فروش قرار داده، و از خریداران می خواهند که نتیجه مسابقات را پیشگویی نمایند، و به کسانی که صحیح ترین پاسخ را بدهند، جایزه نقدی اعطا می کنند. از آنجا که شرعاً شرط بندی منع گردیده، مگر در موارد خاص، آیا موارد مذکور که اولی با انگیزه آموزش بهداشت، و دومی به منظور تشویق جوانان، و توجه به ورزش، و گرم نگه داشتن بازار مسابقات ورزشی صورت می گیرد، از مصادیق «سَبَق» تلقی می گردد؟ یا به علت برنده شدن بعضی، و بازنده شدن دیگران، از مصادیق شرط بندی حرام است؟

جواب : این گونه کارها نوعی شرط بندی حرام است و جایز نیست؛ اما در مواردی مثل بهزیستی اگر نیت شرکت کنندگان کمک بلاعوض به این سازمان ها بوده، و نیت شرط بندی در آن نباشد، و جوایز آن صرفاً برای تشویق باشد حلال است؛ ولی آنچه فعلاً جریان دارد به این صورت نیست، و غالب شرکت کنندگان به شرط جایزه شرکت می کنند.

سؤال ۳ - برگه هایی به نام ارمغان بهزیستی از طرف یک سازمان دولتی به مبلغ معینی به مردم فروخته می شود، که در برخی از آنها سؤال یا سؤالاتی مطرح شده است. کسانی که پاسخ صحیح بدهند، به قرعه کشی راه پیدا می کنند، و به اشخاصی که قرعه به نام آنها اصابت کند، جوایزی می دهند. در آمد این برگه ها، طبق اظهار مسئولین امر، صرف امور خیریه می گردد، و خریداران این برگه ها سه دسته اند:

- ۱- کسانی که فقط برای شرکت در امور خیریه این برگه ها را می خرند.
 - ۲- اشخاصی که فقط برای راه یافتن به قرعه کشی در این مسابقه شرکت می کنند.
 - ۳- افرادی که چه قرعه به نامشان درآید و چه در نیاید، تفاوتی برای آنها نمی کند.
- لطفاً حکم فروشنده، دست اندرکاران، و خریداران را بیان فرمایید.

در ضمن همین شرکت برگه های دیگری را برای کمک به سیل زدهگان به مبلغ ۱۰۰۰ تومان می فروشد، و در بین تمام خریداران قرعه کشی می کند. با این تفاوت که دیگر سؤالی مطرح نشده، بلکه تمامی کسانی که بخرند می توانند در قرعه کشی شرکت کنند. حکم این برگه ها چیست؟

جواب: همه اینها از قبیل بخت آزمایی های سابق است، و شرعاً جایز نیست؛ مگر این که همه افراد از قبیل گروه اول باشند؛ یعنی فقط به نیت کمک برگه ها را خریداری کنند. ولی امروز می دانیم غالب افراد چنین نیستند؛ بلکه بسیاری برای شرکت در قرعه کشی برگه ها را می خرند، و اگر بدانند که آنها را در قرعه کشی شرکت نداده اند، راضی نیستند. و صرف درآمد آن در امور خیریه، ماهیت مسأله را تغییر نمی دهد، و طرح سؤال نیز تأثیری در حلّ این مشکل ندارد. امید است برای کمک به نیازمندان راه هایی انتخاب شود که با احکام شرعی، که مصلحت جامعه در آن است، سازگار باشد.

همیشه موفق باشید، ۱۳۷۸/۷/۲۴

سؤال ۴ - چندی است که از طریق اینترنت طرحی برای ثروتمند شدن به ایران آمده، که طرح فیوچر استراتژی یا پنتاگونو نام دارد، و حدود شش سال است در ۱۴۰ کشور جهان فعالیت می کند. و چون ایران حدود ۲ سال است از سیستم اینترنت برخوردار شده، به کشور ما نیز وارد شده است. و علاوه بر این، شرکت های مختلفی در سراسر دنیا مشابه این طرح را عرضه می کنند. و تا سال ۲۰۰۲ فقط کشور ایتالیا یک میلیون و دویست هزار شغل بر روی اینترنت خواهد فرستاد، که تماماً درآمد زا هستند. سرور گرامی! جای تعجب نیست، چرا که عصر کامپیوتر است، و چه بخواهیم و چه نخواهیم روز به روز تعداد بیشتری از این طرح ها به دنیا عرضه خواهد شد، و اگر ما طریقه مواجهه با این گونه مسائل را ندانیم، خصوصاً از لحاظ دین و شرع که اساس زندگی ما را در رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی تشکیل می دهد، در سال های آینده انبوه مسائل ما را غافلگیر خواهد کرد، لذا بر آن شدیم با توضیح طرح مذکور به طور خلاصه، از راه و روش بهره برداری مشروع و مثبت (خصوصاً امور خیریه، کمک به نیازمندان، فقرزدایی و...) این طرح، با شرایط خاصی که علمای اعلام مطرح می کنند، آگاه شویم. (همانگونه که صنعت بیمه در ابتدای امر داخل در هیچ یک از عقود اسلامی نبود، اما مراجع عظام که همیشه دلیل و راهنما و روشنگران هدایت بوده اند، شرایطی را فراهم آوردند، که راهکار استفاده از این صنعت گردید).

اگر بخواهیم در طرح فیوچر عضو شویم می بایست ۹۶ هزار تومان هزینه نماییم؛ که ریز آن بدین شرح است:

۱- سی و دو هزار تومان جهت خرید برگه عضویت.

۲- سی و دو هزار تومان به حساب نفر صدر جدول (که توضیح آن می آید).

۳- سی و دو هزار تومان به حساب شرکت ایتالیایی.

در مقابل این هزینه (ثمن) یک مثنی، و یک هدیه نقد، و یک هدیه غیر نقدی، که در دراز مدت خریدار به آن می رسد، به شرح زیر به وی داده می شود:

۱- مثنی: کارت تخفیف اعتباری سوپرما، که یک سال اعتبار دارد، به همراه یک دیسک فشرده، که کلّ طرح شرکت در آن گنجانیده شده، به آدرس خریدار ارسال می گردد. این کارت مبلغ ۱۲۰۰ دلار تخفیف در خرید است، که در اکثر نقاط دنیا (بالغ بر ۱۴۰ کشور جهان) اعتبار دارد، و از بهترین و خوشنام ترین کارت های تخفیف در دنیا است. این مبلغ به پول ایران معادل ۹۰۰ هزار تومان تخفیف بالقوه است، که در صورت خرید از فروشگاه ها یا هتل ها و... طرف قرارداد با این شرکت، می توان از این تخفیف استفاده نمود.

۲- هبه نقدی: از آنجا که شرکت استفاده اصلی خود را از به کار بردن کارت اعتباری توسط مشتریان بدست می آورد، به عنوان هدیه بازاریابی پس از خرید کارت عضویت توسط خریدار سه عدد برگه عضویت که نام خریدار در ردیف هفتم جدول خریداران ثبت شده، به صورت رایگان برای خریدار ارسال می دارد، که او می تواند هر یک از این برگه ها را به قیمت سی و دو هزار تومان بفروشد.

۳- هدیه دراز مدت: خریدار که در سه برگه اولیه نامش در ردیف هفتم خریداران است، پس از فروش آن سه برگه و ارسال ۹ برگه برای خریداران مرحله دوم نامش در ردیف ششم جدول قرار می گیرد. و پس از فروش و تکرار همین عملیات در طی هفت مرحله (که به ترتیب مرحله اول ۳ نفر، مرحله دوم ۹ نفر، مرحله سوم ۲۷ نفر، مرحله چهارم ۷۱ نفر...) به سرگروهی جدول می رسد. در یک مرحله مبلغ سرگروهی (که در واقع از طرف شرکت هدیه شده) دریافت، و از جدول خریداران خارج می شود، و جای خود را به نفرات بعدی می دهد، که این مبالغ جمعاً ۸۷/۴۸۰ دلار است. با توجه به توضیحات بالا، لطفاً به سؤالات زیر پاسخ فرمایید:

۱- آیا این خرید و فروش برگه های مذکور اشکال دارد؟

۲- آیا دریافت هبه مشروط (به بازاریابی) جایز است؟

۳- چگونه و با چه شرایطی می توان از این طرح استفاده کرد، که مشروع باشد؟

جواب: طرحی را که نوشته اید تازه نیست، و سال ها قبل آن را به ما ارائه داده اند، و ما پاسخ آن را در همان زمان نوشتیم، و در کتاب استفتائات جدید جلد اول، صفحه ۱۵۰ به طور فشرده چاپ شده، و اخیراً دامنه آن گسترش پیدا کرده، و متأسفانه در بسیاری از شهرها، گروه هایی دانسته یا ندانسته، گرفتار آن شده اند.

حقیقت این است که این کار یک ریشه دارد، و یک مشت شاخ و برگ؛ ریشه اصلی آن در واقع یک نوع قمار است، و شاخ و برگ آن ممکن است امور خیریه باشد. و از همه بدتر این که قسمت اعظم پول آن به جیب شرکت های تشکیل دهنده، و خارجی ها یا ایادی آنها در داخل می ریزد، و یکی از طرق خطرناک ویران کردن اقتصاد کشورهاست. و به همین دلیل شنیده شده که شرکت ایتالیایی پدیدآورنده پنتاگونو به هیچ وجه مجاز نیست که در داخل آن کشور این کار را دنبال کند، ولی در خارج آن کشور مجاز است. دلیل آن روشن است، پول های عظیمی که به جیب آن شرکت یا کسانی که در صدر جدول ها قرار می گیرند ریخته می شود، نه از طریق تولید است، نه تجارت، و نه چاپ کردن اسکناس؛ بلکه در واقع متعلق به کسانی است که در رده های آخر قرار می گیرند، و جدول اشباع و متوقف می گردد. کلاه میلیون ها نفر برداشته می شود، و بر سر گروه اندکی گذارده می شود، و این قمار خطرناکی است، و سبب می شود گروه عظیمی از مردم به این فعالیت کاذب اقتصادی بپردازند، و از فعالیت های واقعی بمانند. به علاوه، روزی آن میلیون ها نفر، که در آخر جدول قرار می گیرند و خود را مغبون خواهند دید، سر بلند می کنند، و گرفتاری های سیاسی و اجتماعی هم تولید خواهد شد. بنابراین، فتوای ما این است که این کار زیانبار و حرام است. و فرقی میان طرح های داخلی و خارجی، و حتی آنهایی که آب و رنگ امور خیریه دارند، نیست.

همیشه موفق باشید، ۱۳۷۹/۱۱/۱۰

سؤال ۵ - اخیراً طرح اقتصادی مشکوکی، که ظاهراً از کشورهای اروپایی اقتباس شده، با مجوز رسمی از سوی دولت در برخی از نقاط کشور اجرا می شود. طرح مذکور بدین شکل است:

متقاضی شرکت در این طرح برگه ای دریافت می دارد، که در پشت آن، نام هفت نفر با مشخصات کامل و شماره حساب بانکی آنها، به همراه شماره حساب بانکی مجریان طرح، درج شده است. گیرنده برگه برای شرکت در این طرح باید مبلغ پانصد تومان به حساب مجریان طرح، و ۲۰۰ تومان به حساب نفراتی که در پشت برگه آمده واریز کند، سپس برگه فوق را به همراه قبض رسید بانکی و جوهی که واریز کرده، به آدرس دفتر طرح مذکور ارسال کند. پس از مدتی از سوی آن دفتر، هفت برگه دیگر برای او ارسال می شود، که نام خود او در ردیف اول پشت برگه است. او موظف است برگه های مذکور را بین هفت عضو فعال و پرکار توزیع کند، و دریافت کنندگان برگه ها، نیز به ترتیب فوق عمل می کنند، و این جریان به همین شکل ادامه پیدا می کند. آنها مدعی هستند در نهایت به هر شرکت کننده مبلغ ۱/۶۸۱/۴۰۰/۰۰۰ ریال خواهد رسید، و ده درصد جوهی که به حساب دفتر طرح ریخته شده، صرف امور خیریه می گردد. لطفاً نظر مبارک خویش را در مورد این مسأله بیان فرمایید.

جواب: این گونه فعالیت های کاذب اقتصادی شرعاً جایز نیست، و نوعی کلاهبرداری زشت غربی است، و از نظر شریعت مقدس اسلام قابل تعقیب است. زیرا پول های کلانی که به بعضی از افراد داده می شود، نه از طریق تولید به دست آمده، و نه تجارت؛ بلکه اموال دیگران را با فریب گرفته، و قسمتی را به نفع شرکت، و قسمتی را به مشترکین، و برای حفظ ظاهر احتمالاً قسمتی را به کارهای خیر اختصاص می دهند. این شگردهای اقتصادی از خارج آمده، و امیدواریم دست اندرکاران توجه پیدا کنند، و فریب این گونه مسائل را نخورند. بر حکومت محترم اسلامی نیز لازم است که در این مسأله دخالت کند، و جلوی این فعالیت های اقتصادی ناسالم را بگیرد؛ زیرا در پایان، که مشترکان و طلبکاران زیاد خواهند شد، و برنامه ها عملاً متوقف می شود، و چیزی دستگیر عده زیادی از مشترکین نخواهد شد، ممکن است منجر به یک سر و صدای اجتماعی شود. مردم عزیز ما نیز باید هوشیار باشند، و در دام این گونه کارها نیفتند.

همیشه موفق باشید، ۱۳۷۹/۲/۲۲

سؤال ۶ - صندوق قرض الحسنه ای، با شرایط زیر، و با هدف پرداخت وام ۷۰۰ هزار تومانی به افراد، تأسیس شده است.

الف) متقاضی بایستی برای ثبت نام اولیه مبلغ سه هزار تومان به عنوان کارمزد به صندوق بپردازد.

ب) هر متقاضی باید سه نفر دیگر را، که نیازمند وام هستند، معرفی کند، و آنها نیز هر کدام مبلغ سه هزار تومان به عنوان کارمزد به صندوق بپردازند.

ج) این روند بایستی همچنان ادامه پیدا کند تا متقاضی اول به ردیف هفتم ارتقا یابد. در آن صورت وی می تواند برای دریافت وام اقدام نماید.

د) یادآور می شود صندوق قرض الحسنه به جز کارمزد یادشده هیچ گونه بهره و سودی از دریافت کنندگان وام اخذ نمی کند. عملیات اقتصادی مذکور از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

جواب: این کار در واقع شبیه به نوعی قمار و لاتار پیچیده است، و ریشه آن متأسفانه از غرب می باشد. و نتیجه آن این است که در مرحله اول بیش از شش میلیون تومان کارمزد دریافت شده، و هفتصد هزار تومان وام داده می شود، که آن هم به کیسه مؤسسه بر می گردد! کارمزد عبارتست از حق الزحمه عادلانه کسانی که در آن مؤسسه کاری انجام می دهند، که به مقدار کارشان باید به آنها مژدی داد. و نام کارمزد بر شش میلیون تومان گذاشتن در یک مرحله نوعی فریب است. و حتماً شما عزیزان مایل نیستید آلوده این مسأله غیر مشروع شوید.

همیشه موفق باشید، ۱۳۸۰/۴/۱۴

سؤال ۷ - به دنبال ترویج طرح «ارمغان بهزیستی» و امثال آن توسط رسانه های جمعی، طرح های مشابهی در بعضی شهرها و مراکز استان ها نیز به اجرا درآمده است، که مجریان آن، هدف از جمع آوری وجوه مردم را تأسیس مراکز قرآنی و خیریه اعلام می کنند. اخیراً طرح جدیدی تحت عنوان «طرح ملی باقیات الصالحات» در یکی از استان ها شروع به کار کرده، که بیست میلیون تومان جایزه برای خریداران برگه های منتشر شده از طریق این طرح در نظر گرفته است. نظر شما راجع به این گونه فعالیت ها چیست؟

جواب: همه اینها حرام، و شبیه بلیط های بخت آزمایی است. و گذاردن نام های مقدس بر آن، نه تنها از اشکال آن نمی کاهد، بلکه بیشتر می کند. و این امور علی رغم ظاهر فریبنده و منافع ظاهری، که برای بعضی از کارهای خیر دارد، مفساد زیادی بر آن مترتب می گردد. خداوند همه را از عواقب آن حفظ فرماید.

همیشه موفق باشید، ۱۳۷۹/۱۲/۲۱

سؤال ۸ - این جانب و عده ای از دوستان، که در شرکتی به نام «گلدکوئست» سرمایه گذاری کرده ایم، شنیدیم جنابعالی کار این شرکت را حرام دانسته اید. بدین وسیله خواستیم توضیحاتی، که از اساسی ترین مطالب در مورد این کار است، و برای جنابعالی نگفته اند، به شرح زیر به اطلاع جنابعالی برسانیم:

تجارت شبکه ای کاری است که افراد از طریق شبکه اینترنت به خرید می پردازند، و تمام اجناس، حتی اجناس خوراکی، از این طریق خرید و فروش می شود. مسأله مهم این جاست که این شرکت ها، حتی شرکت های مواد غذایی، امتیازاتی برای مشتریان در نظر می گیرند، تا افراد از آنها خرید نمایند. و این مطلب را یک شهروند اروپایی، یا آمریکایی به صراحت تصدیق می نماید. شرکت Goldquest هم یکی از همین شرکت های تجاری است، که برای بالا بردن فروش خود، علاوه بر فروش آزاد، به مشتریان این امکان را می دهد که از شرکت به صورت قسطی نیز خرید کنند. مطلبی که در توضیحات افراد جا افتاده این است: هنگامی که وارد سایت شرکت شوید از شما سؤال می کنند: شما قصد دارید تنها سکه طلا بخرید، یا علاوه بر خرید، قصد شرکت در کار بازاریابی نیز دارید؟ و حتی شخص می تواند نام خود را بنویسد، و یک ماه بعد پول به حساب بریزد. نحوه به حساب ریختن پول از طریق کارت های اعتباری است، که کاملاً معتبر و بدون کلاهبرداری می باشد، و این کارت ها زمانی جای پول نقد را خواهد گرفت. بنابراین، کسی که نمی خواهد بازاریابی کند، یک خرید کامل انجام می دهد، و در حقیقت چون یکی از روش های زمان تورم این است که پول نقد را به طلا تبدیل کنیم، پس این راه یک راه کاملاً عاقلانه به نظر می رسد. و چنین شخصی که خرید کامل انجام داده، سکه طلایش را دریافت می کند، و اگر یک نفر را هم معرفی نکند هیچ تأثیری در خرید او ندارد. پس مسأله ای که خدمت جنابعالی گفته بودند که تا اشخاصی را معرفی نکنید به شما پول نمی دهند، و طلا دریافت نمی کنید، مخصوص زمانی است که شخص خودش علاقه مند است برای شرکت بازاریابی کند. در این صورت نیم بها خرید می کند، و بقیه پول طلا را با بازاریابی و سهمی شدن در سود شرکت پرداخت می کند. اگر مطلبی که باعث حرام شدن این تجارت می شود، معرفی کردن اشخاص است، کار بازاریابی نیز که افراد زیادی در حال حاضر به آن اشتغال دارند یک امر حرام و خارج از حکم شرع محسوب می شود. و اگر این مطلب که تا افرادی را معرفی نکنیم به ما وجهی پرداخت نمی شود، باعث حرام شدن کار شرکت گلدکوئست است، باید عرض کنیم: پس از ۶ ماه، اگر کسی نتوانست افراد را معرفی کند،

شرکت به همان مقدار پول که پرداخت شده سکه یا طلایی برای وی می فرستد، که قطعاً تا به این لحظه این مطلب برای شما گفته نشده بود. بنابراین، اگر کسی نخواست دیگری را معرفی کند، بطور کامل خرید می کند و تمام پول طلا را می پردازد، و حتی در یک قسمت از سیستم می تواند نام و شماره خودش را مخفی کند، تا هیچ کس حتی اسم او را هم نداند. اجناسی که این شرکت بفروش می رساند، چند خصوصیت بارز دارد که باعث می شود قیمت آن زیاد، و حتی از ارزش وزنی اش بیشتر گردد! از جمله این که اولاً: روی آن یک شکل ضرب شده. و ثانیاً: توسط یک دولت پشتوانه مالی گردیده. و ثالثاً: عیار آن ۲۴ است. رابعاً: موارد ضرب آنها مدّ روز است. که خصوصیت آخر باعث می شود وقتی سکه تمام شد کسانی که علاقه مند به داشتن این نوع سکه هستند، آن را از ما بخرند و قیمت آن چند برابر می شود. و گمان نمی کنم که در این سود نیز مسأله حرامی وجود داشته باشد، چون یک تجارت است، و قیمت ها هم از طرف خود شرکت تعیین می شود، و چیزی است که اتفاق افتاده، و اکثر دوستان سکه ها یا طلاهایی را خریداری کرده اند که گران شده، و سود دومی نصیب آنها شده است. برخی می گویند: «چون انسان سریع به پول هنگفتی می رسد، پس بدون تلاش است و حرام». باید عرض کنم: «این کار آن قدر نیاز به تلاش دارد، و به قدری پر مشقت است که گاه حتی وقت خواب و خوراک را هم می گیرد!» با توجه به توضیحات بالا، لطفاً نظراتان را بیان فرمایید.

جواب: مشکل اصلی در این جا دو چیز است، که ما کاملاً به آن توجه داریم، و دلیل حرمت این کار همین دو چیز است: اول این که سکه ها به قیمت واقعی بازار فروخته نمی شود، بلکه دو یا سه برابر قیمت واقعی فروخته می شود. که قسمتی از این مبلغ اضافه، نصیب آن شرکت، و قسمتی نصیب ردیف های اول می شود، و ردیف های آخر به یقین گرفتار زیان می شوند. در واقع قسمت اضافی شبیه نوعی لاتار (بخت آزمایی) است، و مشمول آیه شریفه (لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ) می باشد. و مسائلی از قبیل نقش سکه، و وضع آینده آن، پوشش های کاذبی است که به این کار خلاف داده می شود. دیگر این که، کسانی که در گردش این معاملات قرار می گیرند، نه صنعتی دارند، نه کشاورزی، و نه تجارت مثبتی. پول های کلانی که به جیب ردیف های اول یا آن شرکت می ریزد از کجاست؟ اگر واقعاً از این طُرق بتوان ثروتمند شد، خوب است همه کارها را رهاوند، و دنبال این برنامه های کاذب بیفتند! و در یک کلمه، این کار شبیه لاتار و بخت آزمایی و قمار است، و درآمدش مشروع نیست. و تاکنون ده ها نوع آن را برای ما نوشته اند و توضیح خواسته اند، و ما به همه جواب منفی داده ایم. شما می توانید پول خود را از آن مؤسسه باز پس بگیرید، و سزاوار افراد با ایمانی امثال شما نیست که آلوده این کار شوید.

همیشه موفق باشید، ۱۳۸۱/۲/۱۴

سؤال ۹ - شرکت کارگشایان انصارالموحدین، در سال ۱۳۸۰ با هدف فقرزدایی، مشارکت در امور خیریه، و گسترش سنت حسنه هدیه، آغاز به کار نموده است. کارنامه درخشان این شرکت نشان می دهد که توانسته است با سازماندهی، جهت دادن، و هدفمند کردن هدیه های کوچک مشترکین، مشکلات تعداد زیادی از هموطنانی که در طرح های همیاری مشارکت نموده اند را برطرف کند. و از سوی دیگر نبودن حتی یک مورد نارضایتی و شکایت، نمایانگر حسن نیت، دقت بالا، و صداقت این شرکت است.

با توجه به آمار بالای بیکاری، فقر فراگیر، بالا رفتن سن ازدواج، و معضل بزرگ اعتیاد در جامعه، این شرکت مصمم شد به اندازه توانایی خود گام مؤثری در راه ریشه کن کردن این نابسامانی ها بردارد. برای این کار، و با در نظر داشتن مبانی اسلامی، و در چارچوبه قوانین دولت جمهوری اسلامی، و با توجه به تأکید آیات و روایات فراوان، بر لزوم همکاری و تعاون بین مسلمین، اقدام به برنامه ریزی برای طرح «کارگشا» کرده است. برای شفاف تر شدن موضوع به تشریح کامل طرح می پردازیم:

محمد، که از مشارکت کنندگان در طرح است، چگونگی ورود به طرح و مزایای آن را برای ۳ نفر از دوستان خود (علی، حسن و حسین) تعریف می کند. هر یک از اینها برای ورود باید مبلغی معین به نیت هدیه به محمد، جهت واریز کردن به حساب بانکی مشترکین قبلی بدهند. محمد وجوه دریافتی این ۳ نفر را، به حساب بانکی احمد (رده هشتم جدول) و محمود (رده پنجم جدول) که پیش از او در طرح شرکت نموده اند واریز می کند، و مبلغ اندکی هم بابت هزینه های (چاپ، بسته بندی، پست پیشتاز، حقوق کارمندان، مخارج جاری شرکت، و مانند آن) به حساب بانکی شرکت واریز می کند. محمد پس از پرداخت وجوه به حساب های بانکی، اصل قبض های بانکی را به همراه فرم مشخصات (علی، حسن و حسین) برای شرکت ارسال می کند، پس از رسیدن بسته پستی محمد به شرکت، مسئول بررسی قبض های بانکی و فرم ها، در صورت درست بودن قبوض و مشخصات فردی، صحت آن را تأیید می کند. پس از این مرحله، از روی مشخصات درج شده در فرم درخواست، برای علی، حسن و حسین بیمه نامه عمر صادر می شود. سپس فرم های جدیدی ارسال می شود، که در آن احمد (کسی که در رده هشتم جدول بوده، و بخشی از پول های علی، حسن و حسین به حسابش واریز شده) از جدول خارج گشته، و حامد که در فرم قبلی در رده هفتم جدول جای داشته، به رده هشتم جدول آمده، و نام محمود که در فرم قبلی در رده پنجم جدول بوده، به رده ششم می رسد، و نام علی، حسن و حسین هر کدام در یک فرم در خانه اول جدول نوشته شده، و نام محمد به رده دوم این ۳ فرم می رود. پس از انجام این مراحل و کنترل

دوباره، فرم های این ۳ نفر، به همراه بیمه نامه های عمر آنان، بسته بندی شده، و توسط پست پیشتاز برایشان ارسال می شود. هر یک از این ۳ نفر باید ۳ نفر دیگر را به این مجموعه اضافه کنند. در این صورت نام محمد به رده سوم جدول می رود، و علی، حسن و حسین به رده دوم جدول می رسند. حال اگر یکی از این افراد نتواند ظرف مدت ۶ ماه سه مشترک جدید بیابد، شرکت بیمه متعهد شده اصل وجه پرداختی او را به وی بازگرداند. بنابراین، هیچ کس با شرکت در طرح کارگشا مغبون نخواهد شد. و این در حالیست که همه مشارکت کنندگان (حتی کسانی که نتوانند ۳ مشترک به طرح اضافه کنند) تحت پوشش بیمه عمر و حوادث قرار می گیرند. به این ترتیب، و با اضافه شدن مشترکین جدید، هنگامی که محمد به رده پنجم و هشتم جدول برسد، هدایای اعضا به شماره حساب او واریز می شود، و پس از او نوبت به علی، حسن و حسین می رسد.

با توجه به توضیحات بالا، مشارکت در این طرح از منظر شریعت مقدس اسلام چه حکمی دارد؟

جواب: روح این طرح همان روح طرح گلدکوئست است؛ که نوعی اکل مال به باطل، و شباهت زیادی با قمار دارد. با این تفاوت که گلدکوئست از یک اسم خارجی استفاده کرده، و تمسکی به آیات قرآن نمی جوید، ولی انصارالموحدین از نام بسیار مقدسی استفاده کرده، و برای پوشاندن اعمال خود آیاتی از قرآن را سپر قرار داده است. و به یقین این کار مسئولیت سنگینی در روز قیامت برای آنها خواهد داشت. سزاوار شما عزیزان نیست که آلوده این گونه کارها شوید، و آن برادران نیز خوبست، هر چه زودتر از این کار خلاف شرع که به زودی حکم آن در مجلس شورای اسلامی مشخص خواهد شد چشم ببوشند، و به جای استفاده از اموال بادآورده، به سراغ فعالیت های مثبت تولیدی بروند.

همیشه موفق باشید، ۱۳۸۴/۳/۳۰

سؤال ۱۰ - شرکتی به نام گلدکوئست پیدا شده که مرکز آن خارج از کشور است، و سکه های طلا به مشتریانش عرضه می کند، که معمولاً قیمت آن دو یا چند برابر قیمت معمولی است. کسانی که این سکه ها و یا اجناس دیگری خریداری می کنند سعی در بازاریابی و معرفی افراد جدید دارند، که در مقابل معرفی هر فرد، مبلغی از طرف شرکت به حساب شخص معرفی کننده واریز می شود. و افراد سری دوم نیز به همین صورت عمل می کنند، و این رشته ادامه می یابد. و گاه پول های هنگفتی در حساب بعضی از افراد که در ردیف های قبل قرار دارند جمع می شود. آیا اصل این کار شرعاً مجاز است؟ پول هایی که به حساب افراد ریخته می شود، چه حکمی دارد؟

جواب: این کار که در سال های اخیر در کشور ما رایج شده، و نخستین بار تحت عنوان پنتاگونو صورت گرفت، و بعد در اشکال دیگر ظاهر گشت، یک فعالیت ناسالم و مرموز اقتصادی، و در واقع شبیه نوعی قمار است. و نتیجه آن این است که گروه عظیمی، که در ردیف آخر قرار می گیرند، جزو مالباختگان واقعی هستند. اموالی از این گروه گرفته شده، بی آن که چیزی عائد آنها شود. و قسمت مهمی از آن به حساب شرکت ریخته می شود، و قسمت دیگر به افراد ردیف اول داده می شود؛ بی آن که هیچ کار مفید اقتصادی انجام داده باشند. تمام این فعالیت های مرموز زنجیره ای حرام، و کلاهبرداری محسوب می شود، و اموالی که از آن به دست می آید مشروع نیست، و باید به صاحبانش بازگردانده شود. و اگر صاحبان آن را نمی شناسند، به افراد نیازمند بدهند. دولت محترم جمهوری اسلامی نیز وظیفه دارد که جلو این کارهای زيانبار را بگیرد. و هموطنان عزیز مراقب باشند در دام آنها گرفتار نشوند.

همیشه موفق باشید، ۱۳۸۱/۳/۱۹

سؤال ۱۱ - با اهداء سلام، اخیراً نوع دیگری از خرید و فروش های زنجیره ای پیدا شده، که می گویند اصل آن از هنگ کنگ، و طرز کار آن چنین است که سکه های طلا را به دو یا سه برابر قیمت واقعی آن می فروشند، و به کسانی که دو یا چند مشتری معرفی کنند پاداش های کلانی می دهند، و این کار به صورت زنجیره ای همچنان پیش می رود. و گاه به کسانی که در صفوف جلو قرار دارند هزاران دلار جایزه داده می شود، و قسمت مهمی از درآمد فوق به جیب آن شرکت ریخته، و به خارج منتقل می گردد. آیا این کار بر اساس موازین شرع صحیح، درآمد آن حلال است؟ و اگر حرام است، کسانی که پول هایی از این رهگذر نصیبشان شده باید چه کنند؟

جواب: بارها گفته ایم تمام اینها اشکال مختلفی از طرح استعماری پنتاگونو است. و در تمام این موارد کاری شبیه قمار و لاتار انجام می گیرد؛ یعنی جنس را به دو یا چند برابر قیمت می فروشند، و استفاده آن عاید آن شرکت، و نفرات اول می شود، و زینش دامن نفرات آخر را می گیرد این یک نوع کلاهبرداری مرموز و مصداق «اکل مال به باطل» است که در قرآن از آن نهی شده، و تمام منافع آن حرام است. و سزاوار

هموطنان عزیز نیست که آلوده چنین کار حرامی شوند؛ به خصوص که قسمت مهمی از عائدات آن به خارج از کشور منتقل می شود، بی آن که چیزی نصیب کشور شود. و چنانچه اموالی از این طریق نصیب کسی شده، به اندازه پولی که داده اند بردارند، و بقیه را اگر صاحبانش را می شناسند به آنها بدهند، یا به مال باختمان رده های آخر برسانند، و اگر نمی شناسند از طرف صاحبان اصلی، آن را به اشخاص نیازمند صدقه دهند. خداوند همه ما را از نقشه های شوم بیگانگان در امان دارد.

همیشه موفق باشید، ۱۳۸۱/۴/۲

سؤال ۱۲ - اخیراً تجارتی با عنوان پیش خرید الماس از طریق شبکه اینترنت رایج شده، و حتی در بعضی استان های کشور نمایندگی نیز دارد. مرکز این تجارت جهانی در جزیره بهاماس کشور هنگ کنگ می باشد، و طریقه وارد شدن به این تجارت به این صورت است که ابتدا مبلغ ۱۵۰ دلار به حساب شرکت واریز کرده، و یک کد اقتصادی (کد اشتراک) دریافت می شود. و در مرحله بعد هر مشترک اقدام به بازاریابی می کند، که در صورت به عضویت درآوردن ۶ نفر شاخه او کامل می شود. و در ازای هر نفر بازاریابی مبلغی (۱۶ دلار و ۶۶ سنت) به عنوان حق بازاریابی به مشترک تعلق می گیرد، و در مرحله بعدی افرادی که جذب شده اند خود تشکیل شاخه داده، و هر فرد ۶ نفر را وارد بازار می کند، که در قبال این بازاریابی غیر مستقیم نیز مبلغی به بازاریاب اول، و مبلغی نیز به تشکیل دهنده شاخه دوم تعلق می گیرد. و این برنامه ۱۵ بار تکرار می شود تا خریدار الماس، مبلغ ۱۳۵۰ دلار، به علاوه الماس خود را دریافت می کند. ضمناً این برنامه پرداخت حق بازاریابی ادامه دارد، و در ازای تعداد شاخه ها مبلغ سود بازاریاب اول نیز اضافه و به حساب او واریز می گردد؛ در حدی که سقف درآمد روزانه ۱۵۰۰ دلار می شود. بدیهی است این مبالغ را به عنوان حق بازاریابی و تبلیغات پرداخت می نمایند. لذا از محضر آن مرجع عالیقدر تقاضا می کنیم که نظرتان را در خصوص :

۱- ورود به این تجارت جهانی الماس

۲- دریافت حق بازاریابی آن

۳- تبلیغ این تجارت جهانی و بازاریابی، بیان فرمایید.

جواب : فعالیت های مشکوک شرکت مزبور مشروع نیست، چرا که همانند شرکت های مشابه آن، نظیر پنتاگون و گلدکوئست، مشغول کلاهبرداری هستند. و شایسته شما عزیزان نیست که آلوده آن گردید.

همیشه موفق باشید، ۱۳۸۱/۹/۹

سؤال ۱۳ - اخیراً در بین عوام مشارکت در شرکت های انگلیسی و ایتالیایی و مانند آن، که توسط اینترنت بین مردم تبلیغ نموده و برای کسب درآمد فعالیت می کنند، متداول گشته، که چگونگی فعالیت آنها، به صورت خلاصه به عرض جنابعالی می رسد:

متقاضی فلان مقدار پول به حساب شرکت به عنوان پیش قسط واریز نموده (مثلاً ۱۵۰ دلار)، و در مقابل، یک شیء قیمتی (مثل یک قطعه الماس، یا گردنبند، یا سکه طلا) که مژمن آن می باشد، خریداری می کند. ولی انگیزه خریدار به هیچ عنوان مالک شدن این مژمن نمی باشد، بلکه شرکت در این تبلیغات به شخص وعده می دهد که اگر فلان تعداد مشتری برای او جذب کند (مثلاً ۶ نفر) از ثمن آنها مقداری به حساب او واریز می نماید، (مثلاً ۱۰۰ دلار) و این کار به همین نسبت مادام العمر ادامه یافته، و حتی قابل انتقال به وارث شخص نیز می باشد (واریز پورسانت به حساب شخص، ممکن است تا سقف ۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال در ماه برسد)، و مجموع این پول چندین برابر پول شخص بوده، و رسیدن به این پول ها هدف و انگیزه اصلی خریدار است. البته شرکت مژمن را در تاریخ خرید تحویل نمی دهد، و ما بقی قیمت آن را از همین حق بازاریابی کم می کند تا تمام شود، و بعد از آن تحویل می دهد. پر واضح است که اگر کسی نتواند در این شاخه بندی مشتری جذب کند، نه به مژمن می رسد، و نه به حق بازاریابی. حال مستدعی است به سؤالات زیر پاسخ دهید.

ب) با توجه به این که در این شرکت ها (که روز به روز در شکل های جدید، و ثمن های متفاوت، در کشور شروع به تبلیغ می کنند)، مقدار زیادی ارز و بودجه مملکت اسلامی از کشور خارج شده، بدون این که صنعتی وارد کشور شود، یا حرفه تولیدی به راه افتد، و در بعضی از موارد حتی موجب تعطیلی بعضی از تولیدی ها و مغازه هایی که تعدادی نیروی کارگر داشته، شده است (شاهد عینی در استان اصفهان)، و احتمال صهیونیستی بودن این شرکت ها، با توجه به این که بیش از نیمی از اقتصاد دنیا در چنگ یهودیان غاصب است، و احتمال این که ممکن است

در بین خریدارهای بعدی افراد سفیه اقتصادی واقع شوند و متضرر می شوند، و احتمال این که در آخر این بازاریابی، قطعاً عده ای ضرر خواهند کرد، نظر جنابعالی در مورد این معاملات چیست؟ آیا نیت کمک کردن به فقراء، با سرشاخه قراردادن آنها مصحح معامله می باشد؟ (ج) در فرض حرمت، اگر شخصی که مقلد جنابعالی است به خاطر جهل، یا شهرت فتوای شما به خلاف، و یا عمداً در این شرکت ها عضو شده، و اکنون به حرمت آن واقف شود، با توجه به این که سیر ارسال این پول ها برای وی همچنان ادامه پیدا می کند، و برگرداندن آن، که در حقیقت جزء ثمن بقیه خریداران است، به خود آن ها محال است (به خاطر عدم شناسایی) آیا می توان در این پول ها تصرف نمود؟ آیا با دادن خمس مشکل حل می شود؟

جواب : مدت‌هاست که این گونه مؤسسات، به نام های مختلف از سوی بیگانگان، و گاه عواملی از داخل تشکیل می شود، که ماهیت همه آنها یکی است. فعالیت مرموز اقتصادی شرکت های مزبور مشروع نمی باشد. و شبیه نوعی قمار و لاتار است. و تخصیص بخشی از درآمد به فقرا و مستمندان ماهیت کار را تغییر نمی دهد. بنابراین، شایسته شما عزیزان نیست که آلوده آن شوید، و اگر کسی آلوده شده، و درآمدی کسب کرده، باید به صاحبان اصلی آن برگرداند. و اگر آنها را نمی شناسد در درجه اول به سایر مالباختگان، و اگر آنها را نیز نمی شناسد به فقرا صدقه دهد.

همیشه موفق باشید، ۱۳۸۱/۱۰/۱

سؤال ۱۴ - اخیراً مؤسساتی تشکیل شده که مقداری سکه مخصوص، یا الماس، یا اشیاء دیگر، به افراد با قیمت نسبتاً بالایی می فروشند. و به هر مشتری توصیه می کنند که برای آنها بازاریابی نموده، و چند مشتری دیگر پیدا نمایند، و در برابر معرفی هر مشتری جدید مبلغی به حساب شخص بازاریاب ریخته می شود، و گاه این وجوه، که به حساب ریخته شده، به میلیون ها یا ده ها میلیون می رسد. آیا این نوع معاملات و بازاریابی شرعاً صحیح، و پول حاصل از آن حلال است؟ و اگر نیست، تکلیف آنها که درآمدی از این طریق پیدا کرده اند، چیست؟

جواب : اولاً: این مؤسسات به ظاهر اقتصادی، که گاه چهره واقعی خود را زیر پوشش های ایجاد اشتغال، یا تخصیص قسمتی از درآمد خود به مراکز خیریه، پنهان می کنند، مؤسسات مرموز و خطرناکی هستند، که کار آنها شبیه به نوعی قمار یا لاتار است. کلاه از سر عده زیادی بر می دارند، و بر سر عده معدودی می گذارند، و قسمت عمده درآمد را خودشان می برند، و غالباً به خارج منتقل می کنند، بی آن که هیچ گونه کار مثبتی انجام داده باشند. و عمل آنها مصداق بارز اکل مال به باطل است، که قرآن مجید با صراحت از آن نهی کرده است. ثانیاً: این مؤسسات نخست به نام «پنتاگونو» در بعضی از شهرها آشکار شد، و هنگامی که مقامات قضایی و اطلاعاتی متوجه کارهای خلاف آنها شدند جلوی آن را گرفتند. سپس به نام «گلدکوئست» در بعضی شهرهای دیگر شروع به فعالیت کردند، و آن هم بعد از کارشناسی مقامات قضائی ممنوع شد. و اخیراً به صورت «معامله الماس» همان برنامه به شکل تازه ای دنبال می شود، و در هر جا ممکن است به صورتی درآید. نشانه همه آنها بازاریابی های زنجیره ای با درآمدهای کلان است.

ثالثاً: چند سال قبل، که این مؤسسات استعماری در خارج شروع به فعالیت کرده بودند، بعضی از مسلمانان خارج سؤالی به این صورت برای ما فرستادند، که در کشور اتریش با عنوان «بدون دردسر صاحب ۳۰/۰۰۰ دلار شوید» فرم های خاصی، که به صورت زنجیره ای مشتری معرفی می شود، در اختیار متقاضیان قرار می داد. و آن را به طور مشروح در سؤال خود بیان کرده بودند، که ما در جواب نوشتیم: «شرکت در این کار حرام، و پول عاید از آن مباح نیست. و در واقع نوعی کلاهبرداری مرموز، برای تصاحب اموال دیگران است». این سؤال و جواب در کتاب استفتانات جدید، جلد اول، صفحه ۱۵۰ آمده است. اکنون می بینیم که همان برنامه ها به اشکال دیگر در کشورهای اسلامی ظاهر شده است. رابعاً: مسلمانان باید به هوش باشند، و آلوده این پول های حرام نشوند، و ثروت مسلمین را به باد ندهند. و اگر کسانی نادانسته پولی از این طریق به دست آورده اند، چنانچه صاحبان آن را می شناسند به آنها برسانند، یا لاقلاً به مالباخته های ردیف آخر بدهند، و اگر نمی شناسند به اشخاص نیازمند صدقه دهند.

همیشه موفق باشید، ۱۳۸۱/۱۰/۰۳

سؤال ۱۵ - فرموده اید: «این فعالیت های اقتصادی شبیه نوعی قمار و لاتار است» مستدعیست دلیل قمار بودن این فعالیت ها را (به طور واضح) برای ما مرقوم فرمایید.

جواب: دلیل آن این است که افراد بدون این که هیچ گونه فعالیت تجاری در غیر مرحله اول انجام دهند، اموال بادآورده ای به حساب آنها ریخته می شود، و گروه عظیمی (طبق آمار اخیر ۹۰٪ افراد) بازنده خواهند شد.

همیشه موفق باشید، ۱۳۸۴/۴/۲۲

سؤال ۱۶ - سؤالی از حضورتان پرسیده بودم که جوابی مستدل مبنی بر حرام بودن آن داده بودید. اما برای من جای سؤال است که: آیا دفتر یک مجتهد نباید کارشناسان اقتصادی، که به مسائل روز دنیا واقف باشند، و بر اساس احکامی که شاید بعضی از آنها نیاز به بازنگری داشته باشد حکم دهد؟ من به عنوان یک بچه مسلمان تحصیل کرده از شما سؤالی می کنم، لطفاً سؤال را با مطالعه و تحقیق به من پاسخ دهید، نه به خاطر شباهتی که به کارهایی چون پنتاگونو و... دارد. این خیلی با آنها فرق دارد، و اگر به صورت ساده تحلیل گردد می توان به جواب درست رسید، (نگوید مسایلی هست که شما درکش نمی کنید، لطفاً قضیه را خوب تحلیل کنید). این بار سؤال را به صورت کامل تر ارائه می دهم. لطفاً مورد را مطالعه، و با دلیل، حلال یا حرام بودن آن را اعلام فرمایید. معاملات شبکه ای، که شرکت اقدام به فروش سکه طلا یا نقره از طریق بازاریابی شبکه ای کرده، به این صورت است که شخص مبلغی به حساب آنان واریز نموده، و یک سکه طلا یا نقره از آن شرکت خرید می کند، و شرکت پس از یک ماه سکه خریداری شده را برای خریدار می فرستد. و خریدار پس از آن برای شرکت بازاریابی می کند، و به ازای هر چند مشتری که به واسطه این فرد ثبت نام، و برای خرید سکه نقره یا طلا پیش پرداخت بدهند، و زنجیره به حد نصاب برسد (۳ نفر در سمت راست، و ۳ نفر در سمت چپ)، مبلغی به عنوان کمیسیون به حساب وی واریز می شود. نکات قابل توجه: ۱- سهامداران شرکت اسرائیلی نبوده، و از کشورهای مختلفی (مثل فیلیپین، ایسلند، تایوان و...)

می باشند. ۲- تجارتی که انجام می شود خرید و فروش خود سکه ها نیست، بلکه گامی برای ورود به عرصه بازاریابی شرکت می باشد. ۳- با این پول ها در زمینه خدمات (از قبیل هواپیمایی، موبایل، هتل ها، راه ها و...) در تمام کشورهای دنیا با عقد قرارداد و پرداخت مالیات به آن کشور (حتی در کشور ما نیز پیشنهادهایی از طرف شرکت داده شده، ولی بخاطر عدم توافق در مورد درصد مالیات قراردادی منعقد نگردید) کار می کنند. ۴- سرمایه شرکت برای کار از این راه ها تأمین می شود: ابتدا پس از اقدام به خرید سکه از طرف خریدار، سکه پس از یک ماه برای او فرستاده می شود، که این به عنوان سرمایه محسوب می گردد. نوع دیگری از سرمایه که برای کار از طرف شرکت مورد استفاده قرار می گیرد، مبالغی است که از عدم تعادل در دو طرف (سمت راست و چپ) فرد مورد نظر ایجاد می گردد. با توجه به توضیحات جدید، لطفاً بفرمایید معامله به این شیوه چه حکمی دارد؟

جواب: ما با مراکز اقتصادی و حقوقی نسبت به این کار در تماس بوده ایم. و امروز، که سؤال شما به دست ما رسید، نامه ای از یکی از مراکز مهم مالی کشور (منظور نامه بانک مرکزی است، که تصویر آن در بخش اسناد منعکس شده است). به دست ما رسید که با صراحت از فتوای ما تقدیر کرده، و اعلام نموده اند که این کار نادرست است. ولی متأسفانه پول های بادآورده حرام جاذبه عجیبی دارد، و به انسان اجازه نمی دهد درست بیندیشد. امیدواریم شما عزیزان جزو آنها نباشید.

همیشه موفق باشید، ۱۳۸۴/۲/۱۱

معظم له در پاسخ به پرسش مشابهی فرمودند:

مطمئن باشید این معامله از نظر کارشناسان دقیق اسلامی مورد مطالعه قرار گرفته، و حرام است. و نظریه کارشناسان در هر علمی، برای افرادی که کارشناس آن علم نیستند، معتبر است. ولی متأسفانه، همان گونه که قبلاً گفته ایم، وسوسه اموال بادآورده اجازه تصمیم گیری صحیح به بعضی افراد نمی دهد. امیدواریم شما از آنها نباشید.

همیشه موفق باشید، ۱۳۸۴/۲/۲۱

سؤال ۱۷ - می خواستم علت حرمت معامله با شرکت «گلدمین» را جويا شوم؛ چون من متن ۱۲ صفحه ای قوانین گلدمین، که شروط خرید در آن نوشته شده بود را خواندم، و روی آن فکر کردم، و با رساله ای که از مراجع در اختیار داشتم تطبیق دادم، ولی چیزی که دال بر حرمت

باشد به ذهنم نرسید، که قطعاً از کم اطلاعی من است. اکنون می خواهم آن شروط را بنویسم، و شما مرا راهنمایی کنید، که کدام یک از این شرایط و به چه علت حرام است؟ (البته این «چرا» برای ما جوان ها، که ذهن پرسشگری داریم، بسیار مهم است) فقط خواهشمندم حوصله بفرمایید تا «شرایط ضمن خرید» را بنویسم. (برای رعایت اختصار، متن دوازده صفحه ای مورد اشاره را ذکر نکردیم.) لطفاً پس از مطالعه دقیق متن مذکور، پاسخ فرمایید.

جواب: مشکل اصلی به هر حال این است که جنس به قیمت واقعی فروخته نمی شود، و آنها که در رده های آخر قرار گرفته، و نمی توانند کسان دیگری را معرفی کنند، مال باختگان واقعی هستند. و اضافه قیمت، مقداری صرف سر شاخه ها شده، و بقیه - که مبلغ هنگفتی است - به آن شرکت تعلق می گیرد. و این چیزی شبیه قمار و لاتار است. و سزاوار شما عزیزان نیست که بر چنین امر نامشروعی اصرار بورزید.

همیشه موفق باشید، ۱۳۸۴/۲/۲۱

سؤال ۱۸ - شما دلیل حرام بودن گلداین را دو چیز فرموده اید: اول: قمار بودن، دوم: کسی که نتواند کار کند، باید سود بقیه را بدهد. اما در مورد دلیل اول، قمار هنگامی است که شانس باشد، ولی این تجارت قانون دارد. یعنی شما به میزان فعالیت خود در جلب مشتری (بازاریابی) پورسانت دریافت می کنید، و حتی اگر خوش شانس ترین انسان باشید، در صورت کار نکردن هیچ پولی به شما داده نخواهد شد، پس به هیچ عنوان شانس نقشی در این تجارت ندارد. و اما در مورد نکته دوم، در این سیستم سودی به کسی داده نمی شود، بلکه مانند یک بازاریاب معمولی پورسانت تعلق می گیرد. مشکل نفرات آخر این است که آنها قراردادی با شرکت مبنی بر خرید جنس شرکت نوشته اند. حال در صورت تمایل، می توانند بقیه قیمت جنس را به صورت نقد بپردازند، و محصول خود را دریافت کنند. و در صورت عدم پرداخت ما بقی قسط پول، آنها تا هنگام تسویه در حساب خود آنها نزد شرکت باقی خواهد ماند. اگر ممکن است به خاطر دین هم که شده، من و دوستم را مجاب فرمایید.

جواب: متأسفانه پول های بی حساب و کتابی که بدون زحمت مفیدی از این راه عاید اشخاص می شود سبب شده که آنها نتوانند مسئله را درست تحلیل کنند. حقیقت مطلب این است که این مؤسسات جنسی را به غیر قیمت واقعی آن معامله می کنند. و به افراد می گویند: اگر بازاریابی زنجیره ای کنید تا مدتی بطور مرتب وجهی به حساب شما واریز می شود، که گاه میلیون ها تومان می شود. و این وجوه، از درآمدهایی است که از فروش نامتناسب آن جنس به حلقه های آخر بدست می آید، که قسمت مهمش را خود شرکت بر می دارد، و قسمت کمتری را به سرشاخه ها می دهد. و این در واقع کلاه عده ای را برداشتن، و بر سر دیگران گذاشتن است، و تفاوتی با لاتار و قمار در ماهیت ندارد.

همیشه موفق باشید، ۱۳۸۴/۲/۲۸

سؤال ۱۹ - با توجه به آنچه در کتاب استفتائات جدید معظم له، جلد اول، صفحه ۱۵۰ آمده، لطفاً پس از مطالعه مطالب ذیل، و ضمیمه پست الکترونیکی، بفرمایید که:

(الف) با عنایت به محصول فرهنگی ارائه شده توسط شرکت EBL، آیا همکاری کردن با آن شرکت اشکال شرعی دارد، یا درآمد حاصل از آن حلال است؟ اگر نیست، تکلیف آنها که درآمدی از این طریق پیدا کرده اند، چیست؟

(ب) در صورت حرام بودن، چرا دولت جمهوری اسلامی، اجازه تأسیس دفتر نمایندگی، و فعالیت به این شرکت ها را در مملکت اسلامی می دهد؟

(ج) آیا مراجع تقلید این موارد را به دولت گوشزد نمی نمایند، یا دولت به فتوا عمل نمی کند؟!!!

(د) آیا قرارداد بانک های ملی و صادرات با شرکت مزبور صحیح است، اگر جواب منفی می باشد بهتر نیست در مورد بانک ها نیز فتوا صادر شود؟

جواب: فعالیت تمام شرکت های بازاریابی شبکه ای و زنجیره ای نوعی فعالیت مرموز و ناسالم اقتصادی، و در واقع شبیه به لاتار و قمار، و شرعاً مصداق اکل مال به باطل است، و جایز نیست. و سزاوار شما عزیزان نیست که آلوده آن شوید، و اخیراً دولت نیز با آن مبارزه جدی می کند. پاسخ بندهای «ب» و «ج» و «د» از مباحث گذشته روشن شد، و در بخش اسناد نیز خواهد آمد.

همیشه موفق باشید، ۱۳۸۴/۲/۲۹

سؤال ۲۰ - اخیراً شرکتی ایرانی تأسیس شده که کارش فروش سی دی می باشد. این سی دی ها با مجوز ارشاد، و هدف کلی آن ترویج فرهنگ ایرانی است. این شرکت در ایران با شماره ثبت ۱۶۹۷۹ به ثبت رسیده، و در ازای بازاریابی و آوردن ۳ نفر در سمت چپ و ۳ نفر در سمت راست، مبلغ ۳۰ دلار پورسانت می دهد. شرکت مورد بحث مبلغ هنگفتی مالیات به دولت می دهد، و در ضمن با بانک های ایرانی نیز قرارداد دارد. نظر جنابعالی در مورد کار این شرکت، و پورسانت های آن، با توجه به این که ارزی از مملکت خارج نمی کند، چیست؟ اگر پاسخ شما منفی است، چنانچه چنین شرکتی را، با این نوع فعالیت خود دولت تأسیس کند حکمش چه می شود؟ ضمناً متن زیر را از یکی از سایت ها گرفتم، نظر جنابعالی در مورد آن چیست؟

چرا تعدادی از آیات عظام، گلدکوئست و تجارت های مشابه را جایز ندانستند؟ اصولاً این گونه جایز ندانستن ها و حتی تحریم ها در تاریخ، کم نبوده است، و هر مرجع تقلیدی، بسته به برداشت و نظر خود، حدت و شدت تحریم را معین کرده است... در برخی اوقات، مخصوصاً در موضوعات جدید، موضوع مسأله برای مراجع کاملاً روشن نشده است. به عنوان مثال حکم آقای مکارم شیرازی در مورد گلدکوئست، که آن را «فعالیت اقتصادی مرموز» می نامد؛ نشان دهنده این واقعیت است که اطلاعات ایشان از گلدکوئست کامل نیست، لذا تا زمانی که گلدکوئست از نظر ایشان «مرموز» می باشد؛ اعلام نظر در مورد مشروعیتش نیز در صلاحیت ایشان نیست». نظر حضرتعالی در مورد سؤال بنده، و متن بالا چیست؟

جواب : خوشبختانه سالهاست درباره این فعالیت ناسالم اقتصادی مطالعه کرده، و تمام زوایای آن را بدون استثناء می دانیم. به یقین این فعالیت ها، به چیزی جز یک کلاهبرداری خطرناک نیست. که خوشبختانه اخیراً دستگاه های قضایی و اطلاعاتی و نمایندگان مجلس متوجه خطرات آن شده، و بطور جدی با آن برخورد می کنند. ولی درآمد بآآورده این فعالیت ناسالم، مانع از این است که عده ای به خطرات آن بیندیشند، و اعتراف کنند که این، یک گناه بزرگ و نابخشودنی است. آمار به ما می گوید در این بازی اقتصادی ۱۰٪ برنده و ۹۰٪ مالباخته می شوند، و قسمت عمده اموال به جیب شرکت های سودجو می ریزد.

حتی اخیراً این خبر توسط رسانه ها منتشر شد که بسیاری از کشورهای غربی از ده سال پیش به خطرات این شرکت ها آشنا شده، و لذا و به کلی آن را منسوخ کرده اند. امیدواریم شما عزیزان فریب آنها را نخورید.

همیشه موفق باشید، ۱۳۸۴/۴/۲۲



در پایان، مناسب است به نامه مفصل یکی از نویسندگان، که با روزنامه اطلاعات همکاری دارد، و برای مرجع عالیقدر حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی (مد ظله) فرستاده، و شرحی که در بسیاری از جهات شبیه آنچه گذشته داده، اشاره نموده، و نیز پاسخ معظم له را داشته باشیم. نکته قابل توجه این که این نویسنده محترم بیش از هر چیز روی مسأله ارزش کلکسیون سکه های مورد خرید و فروش در این مؤسسات تأکید کرده، و تصوّر نموده این مسأله مشکل نابرابری قیمت ظاهری سکه ها را با پول زیادی که در برابر آن می گیرند حل می کند. که معظم له روشن ساخته اند این گونه ارزش های کاذب هیچ مشکلی را حل نمی کند.

معظم له ضمن تشکر از آن نویسنده محترم، چنین مرقوم داشتند:

«هر چند تاکنون افراد زیادی کوشیده اند که ماهیت این گونه مؤسسه ها را برای ما روشن سازند (به گمان این که ما اطلاع زیادی از آن نداریم) ولی باید انصاف داد آنچه را شما نوشته اید کامل تر از دیگران بود، هر چند با مطالعاتی که قبلاً داشتیم تغییری در نظر ما حاصل نشد. واقعیت این است که فعالیت این شرکت ها از نظر شرعی حرام است، و درآمد آنها مشمول آیه شریفه (لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ) می باشد. و جان کلام همانست که شما با اشاره از آن گذشته اید، و آن این که : جنسی را تقریباً به سه برابر می فروشند، و معتقدند در آینده ارزش کلکسیونی پیدا می کند؛ ارزشی که به گفته شما شاید چند سال بعد حاصل شود، و یا تا آخر عمر وی حاصل نخواهد شد.

این گونه ارزش ها از نظر اسلام ارزش های کاذبی است، که در عرف بازار مال محسوب نمی شود. و هرگز خریداران آن سکه به خاطر ارزش کلکسیونی آن را نمی خردند، بلکه به خاطر آن است که از درآمد پورسانت استفاده کنند، و هنگامی که راه این درآمد به روی آنها بسته شود فریادشان بلند می شود. اکنون به سراغ یک محاسبه می رویم که شما به خوبی با آن آشنا هستید. با توجه به این که این گونه مؤسسات به صورت تصاعدی است، تقریباً هر ده مرتبه که تکرار می شود تبدیل به هزار برابر می گردد، و اگر بیست مرتبه تکرار شود تقریباً یک میلیون برابر می شود. حال فرض کنید این مسأله در گلدکوئست انجام شده، و رده آخر یک میلیون سکه را به ۳ برابر قیمت خریده، و در هر سکه

سیصد هزار تومان پول اضافی پرداخته اند. نتیجه آن مبلغی معادل سیصد میلیارد تومان است! که مقدار کمی از آن را (شاید معادل ۱۰۱) به سرشاخه های قبلی می پردازند، و بقیه را مؤسسه به جیب می زند؛ بی آن که کار تولیدی، کشاورزی، صنعتی، تجارت مفید، و یا کار خدماتی انجام داده باشد، تنها با تکیه بر یک ارزش موهوم.

بی شک این، یک نوع کلاهبرداری مرموز تحت عنوان پورسانت و ارزش کلکسیونی است، و سبب غارت اموال مردم می شود. به راستی اگر آنها آزاد باشند و به فعالیت خود ادامه دهند ارقام نجومی عجیبی از ثروت های جوامع مختلف را غارت می کنند. بی آن که کوچک ترین کار مفیدی به نفع مردم انجام داده باشند. و این است مفهوم (لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ) در خاتمه بار دیگر از زحمات جنابعالی تشکر می کنیم».

همیشه موفق باشید، ۱۳۸۴/۳/۲۵

اسناد فراوانی در مورد شرکت های مورد بحث به دست ما رسید، که فقط بیست نمونه از مهم ترین آنها انتخاب شد. نخست به موضوع اسناد اشاره کرده، سپس تصویر آنها خواهد آمد.

- ۱- نامه مورخ ۱۳۸۴/۲/۷ بانک مرکزی خطاب به حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی (مدّ ظلّه) به منظور تشکر و سپاسگزاری از فتوای ایشان در مورد فعالیت شرکت گلدکوئست و مانند آن.
- ۲- نامه مورخ ۱۳۸۴/۴/۲۵ بانک مرکزی در پاسخ به سؤالات مختلف نویسنده کتاب، پیرامون فعالیت شرکت های زنجیره ای و هرمی.
- ۳- بخشنامه مورخ ۱۳۸۰/۱/۲۰ اداره نظارت بر بانک ها و مؤسسات اعتباری بانک مرکزی به مدیران عامل بانک های تجاری.
- ۴- بخشنامه مورخ ۱۳۸۲/۵/۱۸ هیأت دولت به بانک مرکزی، جهت جلوگیری از افتتاح حساب و عملیات بانکی برای شرکت های مورد بحث، و اطلاع رسانی به مردم.
- ۵- بخشنامه مورخ ۱۳۸۲/۶/۲۲ اداره نظارت بر بانک های مرکزی، به مدیران عامل بانک های دولتی و غیر دولتی و مؤسسه اعتباری توسعه.
- ۶- بخشنامه مورخ ۱۳۸۳/۴/۲۰ اداره نظارت بر بانک های مرکزی، به مدیران عامل بانک های دولتی و غیر دولتی و مؤسسه اعتباری توسعه.
- ۷- اطلاعیه مورخ ۱۳۸۱/۸/۸ بانک مرکزی به رسانه های عمومی مبنی بر ممنوعیت فعالیت شرکت های هرمی و زنجیره ای.
- ۸- اطلاعیه مورخ ۱۳۸۲/۱۰/۲ بانک مرکزی به رسانه های عمومی مبنی بر ممنوعیت فعالیت شرکت های هرمی و زنجیره ای، و هشدار به مردم.
- ۹- انتقاد حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی (مدّ ظلّه) نسبت به بی تفاوتی مسئولان.
- ۱۰- پاسخ آیات عظام (دامت برکاتهم)، به چند استفتاء.
- ۱۱- استفتاء جعلی و پاسخ صحیح آن.
- ۱۲- استفتائی که مورد سوء استفاده قرار گرفت.
- ۱۳- فتوای چند تن دیگر از مراجع عظام تقلید (دامت برکاتهم).
- ۱۴- اطلاعیه برخی از شرکت های داخلی که داوطلبانه فعالیت خود را تعطیل کرده، و از اعضای خویش خواستند که طبق جدول زمان بندی پول خود را پس بگیرند.
- ۱۵- بازداشت ۲ تن از سرگروه های اصلی گلدکوئست.
- ۱۶- دستگیری یک عضو فعال گلدکوئست، که دارای ۱۰ هزار عضو بوده.
- ۱۷- تصویب فوریت اول ممنوعیت فعالیت شرکت ها و مؤسسات با ساختار هرمی توسط مجلس.
- ۱۸- تعقیب قضایی تعدادی از متهمان گلدکوئست در دوی.
- ۱۹- هزار و پانصد کیلو از محصولات گلدکوئست وارد کشور شد.
- ۲۰- دست اندرکاران گلدکوئست دادگاهی می شوند.